
مهر مهدوی در قرآن

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش ها و پاسخ های قرآنی (مهر مهدوی ۲) جلد ۱۲

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : مهدویت [کتاب]/جمعی از پژوهشگران[مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی] ؛ زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۳۲۸ ص.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ ج.۶.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال:ج.۶:۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۸۲-۱ ؛ ۶۲۵۰۰۰ ریال:دوره:۹۷۸-۹۶۴-۲۵۳۴-۸۸-۳

یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۹۱ - ۳۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : مهدویت

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی (عج)

شناسه افزوده : پرسش های قرآنی جوانان؛[ج.] ۶.

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲/پ۴ ۶.ج ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۲۶۶۵۸۰۶

ص: ۱

اشاره

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (۳)

پرسش کلید دانش است. (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه ی دانشمندان، دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه ی آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال

۱- (۱) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللَّه فتعلّموا مأدبته ما استطعتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / ۹)

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی

۴- (۴) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (غررالحکم، میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۳۰)

پرسشنامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه ی پاسخ پرداخته اند، که حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه ی پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و این اثر مورد عنایت خاص حجهٔ بن الحسن العسگری(علیه السلام) قرار گیرد.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه ی «قرآن و علم» دارند، به نشانی ما ارسال فرمایند. (۱)

با سپاس

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی

قم - ۱۳۸۷/۳/۱۹

ص:۱۲

۱- (۱) . نشانی: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱ تلفن، پیام گیر، نمابر: ۰۲۵۱ ۷۷۳۹۰۰۲ص . پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵ - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

فصل اول: مهدویت در قرآن

اشاره

ص:۱۳

پرسش:

آیات مربوط به ظهور و انتظار کدامند؟

پاسخ:

مقدمه:

یکی از ویژگی های قرآن کریم ابدی بودن این کتاب است. یعنی چون قرآن کتابی است که در آخرین دین نازل شده است لازم است با زبانی سخن گوید که در همه ی مکان ها و زمان ها قابل استفاده و عرضه باشد، در غیر این صورت به مرور زمان آن تازگی و صلابت خود را از دست خواهد داد. حال با توجه به این ویژگی (یعنی ابدی بودن آیات آن) اکثر آیات به صورت کلی و «قضیه حقیقیه» نه «شخصیه خارجیه» بیان شده است و در هر زمان مصادیق این قضیه حقیقیه - که به صورت عام و کلی بیان شده - استخراج می شود.

از این رو در تفاسیر با روایات تفسیری وقتی برای آیه ای مصداق

ص:۱۵

معرفی می کننـد مفسـرین می فرماینـد: «این یکی از مصادیق این آیه است نه اینکه این آیه فقط همین معنا و مصداق را داشـته باشد.» (۱)

به عنوان نمونه در سوره ی حمـد ذیل آیه ی «اهْـدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْـتَقِیمَ» شـیخ صـدوق از امام صادق(علیه السـلام) حکایت می کند: «الصـراط المسـتقیم امیرالمومنین(علیه السـلام)» و علامه در شـرح آن می نویسد: این روایات از قبیل تطبیق و بیان مصداق بارز برای آیه می باشد. (۲)

بـا توجه به آنچه بیـان شـد: در مورد ظهور و انتظـار فرج حضـرت مهـدی(عـج) بلکه دیگر جنبه هـای شخصـیتی ایشـان آیه ی صریحی وارد نشـده ولی بـا در نظر گرفتن منطق فهم قرآن و تأویل و تفسـیر و با توجه به روایات آیات متعـددی را می توان بر شمرد که یکی از مهمترین مصادیق آیه حضـرت ولی الله الاعظم حجهٔ بن الحسن العسـکری(عج) می باشند که مجموعه ی این آیات در کتب متعددی جمع آوری شده که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. معجم احادیث الامام المهدی زیر نظر علی کورانی، ج ۵ که در این کتاب در مورد حضرت تا ۲۶۰ آیه ذکر شده است.

۲. سیمای امام زمان(عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی پور، ۱۴۰ آیه را ذکر کرده اند.

۱- (۱) . مگر در مواردی خاص که مصداق منحصر می شود مانند آیه ی تطهیر که در شان اهلبیت نازل شده است. (احزاب / ۳۳)

۲- (۲) . تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۱.

۳. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، ۷۴ آیه را توضیح داده اند.

۴. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، ۴۰ آیه را توضیح داده اند.

در خصوص مسئله ی انتظار و ظهور حضرت مهدی(عج) که یکی از جلوه های بحث پیرامون حضرت است - نیز آیاتی وجود دارد که به عنوان نمونه دو مورد آن را معرفی می کنیم:

۱. قرآن کریم در سوره ی انعام آیه ی ۱۵۸ می فرماید:

«هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِیَهُمُ الْمَلاَئِکَةُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِیَ بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیَاتِ رَبِّکَ لَا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمَانُهَا لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِن قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمَانِهَا خَیْراً قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ»

آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه های پروردگارت بیاید؟! (امّا) روزی که برخی از نشانه های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو: «منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم.»

در ذیل این آیه ابی بصیر از امام صادق(علیه السلام) حکایت می کند:

منظور از آن روز، روز خروج حضرت قائم(علیه السلام) است، آن روز انتظار کشیده شده، از ما است؛ بعد حضرت فرمودند: ای ابابصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت او منتظر ظهورش باشند و در زمان

ص:۱۷

ظهورش از او اطاعت نمایند که اینان اولیای خدایند که هیچ ترس

برایشان نیست و حزن و اندوهی نخواهند داشت. (۱)

۲. قرآن کریم در سوره ی یونس آیه ی ۲۰ می فرماید:

«وَيَقُولُونَ لَوْلاَ أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِن رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُم مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ»

و می گویند: «چرا نشانه (معجزه واری) از پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی شود؟!» پس بگو: «(آنچه از حسّ) پوشیده، تنها برای خداست؛ پس منتظر باشید، [چرا] که من (هم) با شما از منتظرانم.»

یحیی بن قاسم می گوید: از امام صادق سوال کردم درباره ی آیات اول سوره ی بقره که می فرماید: «الم این کتاب هیچ تردیدی در آن نیست و مایه هدایت متقین است، کسانی که به غیب ایمان می آورند.» امام فرمودند: «متقین در این آیه شیعیان علی هستند و غیبت همان حجت قائم غائب می باشد و شاهد بر این مدعی «آیه ی ۲۰ سوره ی یونس» است که می فرماید:

«و کافران گویند: چرا آیت و نشانه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود. پس بگو همانا غیب مخصوص خداوند است پس منتظر باشید که من نیز از منتظران هستم...» (۲)

۱- (۱) . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۷ و سیمای مهدویت در قرآن، ص ۱۷۷

۲- (۲) . کمال الدین شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۴۰.

ظهور، آمدن حق و رفتن باطل است

پرسش:

ارتباط آیه ۸۱ / اسراء با امام زمان چیست؟

پاسخ:

قرآن مجید تنها کتابی است که جامع مطالب و معارفی است که انسان در هدایت و سعادت به آن نیاز دارد و در بدست آوردن همه ی معارف الهی باید به آن تمسک نمود. یکی از مباحث مهم که می توان از قرآن بدست آورد مباحث مربوط به مهدویت می باشد. که مفسرین گرانقدر در حدود ۲۴۹ آیه از قرآن را در مورد حضرت مهدی و مباحث مربوط به آن حضرت تفسیر یا تأویل نموده اند.

از جمله آیه ی ۸۱ سوره ی اسراء می باشد که می فرماید:

«وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً؛ (۱)و بگو: «حق آمد، و باطل نابود شد؛ [چرا] که باطل نابود شدنی است.»

ص:۱۹

۱- (۱) . «زهوق» صیغه ی مبالغه، از ماده ی «زهقت» به معنای هلاکت و بطلان می باشد وقتی شخص می گوید: «زهقت نفسه» یعنی خودش را به هلاکت انداخت. «زهوق» چون صیغه ی مبالغه است یعنی چیزی که به طور کامل محو و نابود می شود. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۲۴۳.

شأن نزول آیه

جابر بن عبدالله می گوید: بعد از فتح مکه با رسول خدا(صلی الله علیه و آله) وارد مکه شدیم و به مسجد الحرام آمدی در حالتی که ۳۶۰ بت در آنجا بود و پیامبر(صلی الله علیه و آله) دستور دادند: «همه ی بت ها را از خانه ی خدا بیرون بیاورند و بشکنند.» یک بت بزرگ به نام هبل بود که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به حضرت علی(علیه السلام) فرمودند: بر روی شانه ی من سوار شو و این بت بزرگ را بشکن! حضرت علی(علیه السلام) به پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) عرضه داشتند که شما پای خود را بر پشت من بگذارید و آن بت بزرگ را بشکنید، اما وقتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) پای مبارک خود را بر پشت حضرت علی(علیه السلام) نهادند حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: من تحمل سنگینی نبوت و رسالت پیامبر(صلی الله علیه و آله) را نداشتم! و به پیامبر(صلی الله علیه و آله) گفتم: اجازه دهید من بر شانه شما قرار بگیرم و بت را بشکنم. وقتی روی شانه پیامبر(صلی الله علیه و آله) قرار گرفتم و در حال شکستن بت بزرگ هبل بودم خداوند آیه ی «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً» (۱)را نازل فرمود.

پیامبر(صلی الله علیه و آله) بعد از آن هر چه بت ها را می شکستند این آیه را تکرار می نمودند.

در تفسیر این آیه می خوانیم: مطلب این آیه یک قانون کلی است چرا که به هر امر ثابت و باقی «حق» می گویند، و «باطل» بر خلاف حق

۱- (۱) . نمونه بینات، محمدباقر محقق، در شأن نزول آیات، ص ۵۱۰.

است؛ یعنی چیزی که ذاتاً دوام و بقاء و ثبات ندارد، و «باطل» اگر چه، چند روزی هم جولانی دارد اما از بین خواهد رفت ولی «حق» اگر چه چند صباحی هم کم رنگ شود اما بالاخره ثبات و قوام خود را پیدا می کند و باقی خواهد ماند. دین مبین اسلام – قرآن مجید – رسالت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) – ولایت ائمه هدی(علیه السلام) – احکام شریعت اسلام و اموری از این قبیل همه «حق» و ثابت و پایدار هستند. و در مقابل، ادیان باطل – شرک – کفر – اخلاق فاسد و حکومت ظالمین و قوانین بشری و بدعت گونه و اموری از این قبیل همه باطل و نابودشدنی هستند. (۱)

یکی دیگر از نمونه ها و مصادیق آمدن «حق» و نابود شدن «باطل»، برپا شدن دولت حضرت مهدی(عج) می باشد چنانچه از امام باقر(علیه السلام) در تفسیر این آیه حکایت شده: وقتی قائم قیام کند دولت باید از بین می رود. (۲)

و در روایتی دیگر حکایت شده: وقتی حضرت مهدی(عج) متولد شدند بر بازوی مبارک ایشان نوشته شده بود: «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقاً.» (۳)

یادآوری:

البته مفهوم این احادیث معنای وسیع آیه را به این مصداق منحصر نمی کند بلکه قیام حضرت مهدی(عج) از بارزترین و روشن ترین

۱– (۱) . برگزیده از تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، ج ۸، ص ۲۹۶

۲– (۲) . اذا قام القائم ذهبت دولة الباطل (بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۱۳، ح ۱۸)

۳– (۳) . تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۱۲ و تفسیر برهان، ج ۳، ص ۵۷۶.

مصداق های این آیه می باشد چرا که نتیجه اش پیروزی «حق» بر «باطل» در سراسر جهان می باشد.

آری این قانون تخلف ناپذیر الهی، در هر عصر و زمانی مصداقی دارد و قیام پیامبر(صلی الله علیه و آله) و پیروزی ایشان بر شرک و بت پرستی و همچنین قیام حضرت مهدی(عج) بر ستمگران و جباران جهان از چهره های روشن و تابناک این قانون کلی دراین آیه است و همین قانون الهی است که رهروان راه حق را در برابر مشکلات امیدوار و نیرومند ساخته و بر استقامت ایشان افزوده است. (۱)

به امید آنکه شاهد این پیروزی و آمدن حق و غلبه ی آن بر باطل باشیم و در راه این هدف عالی انجام وظیفه کنیم. ان شاء الله!

معرفی کتاب:

برای مطالعه ی بیشتر رجوع شود به:

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۲، آیت الله مکارم شیرازی.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۳، آیت الله علامه طباطبائی.

۳. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن الجمعهٔ العروسی الحویزی.

۴. سیمای امام زمان در آئینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

۵. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۳۴.

آیات قرآن و نشانه های ظهور

پرسش:

آیا در قرآن نشانه های آخر الزمان آمده است؟ چند آیه بیان کنید.

پاسخ:

در قرآن حدود ۲۵۰ آیه بر مطالب و مباحث پیرامون حضرت مهدی تفسیر و تاویل شده است که بعضی از این آیات اشاره به حوادث و وقایع قبل از ظهور دارد. البته لازم به ذکر است این اشارات قرآنی و مقاصد ربانی به صورت صریح در آیات نسبت به علائم ظهور نیست بلکه از تفسیر یا تأویل یا بطن آیات و یا تطبیق آیات بدست می آید که مقتضای زبان قرآن چنین است یعنی قرآن دارای ادبیات بیانی خاص به خود می باشد که فهم مقاصد آن از طریق تفسیر و تطبیق و تأویل و غیره بدست می آید، که در مباحث زبان شناسی قرآن کاملاً بحث شده است و در این مجال اشاره به بعضی از آیات قرآن که بر علائم ظهور حضرت مهدی دلالت دارد می پردازیم.

ص:۲۳

در آیات قرآن مطالب بسیاری هست که به لفظ عام بیان شده اند و در هر زمان بر عده ای مصداق می یابد و گاهی هم، لفظ آیه خاص ولی معنای آن عام است و شامل کسان دیگری که مشابه آن عمل از آنان صدور یافته نیز می شود. هر یک از این موارد از تفسیر و تأویل و بطن و تطبیق موارد بی شماری از آیات قرآنی را شامل می شود. من جمله آیاتی که تفسیر و تأویل و تطبیق بر مباحث مهدویت و علائم آخرالزمان شده است که مواردی از آن را بیان می کنیم بعضی از آیاتی که اشاره به این علائم دارد عبارتند از:

۱. بقره / ۱۴۸. «... فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللّهَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ»

۲. بقره / ۱۵۵. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

۳. انعام / ۶۵. «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِن فَوْقِكُمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ...»

۴. مریم / ۳۷. «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ»

۵. شعراء / ۴. «إِن نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ»

۶. سباء / ۵۲. « وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن مَكَانٍ بَعِيدٍ »

۷. فصلت / ۵۳. « سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ... »

۱. آیه ۱۴۸ سوره بقره: «...پس در نیکی ها [بر یکدیگر] پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خدا همه شما را خواهد آورد،...»

امام باقر(علیه السلام) ضمن حدیثی طولانی فرمودند: خدای تعالی در آن حال سیصدوسیزده نفر که اصحاب آن حضرتند به سر او جمع می کند و ایشان را در غیر موسم حج مانند ابرهای وقت پائیز جمع می کند یا جابر آیه ای که خداوند تعالی در کتاب خود ذکر کرده مضمون آن همین است «اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً» یعنی هر کجا باشید خدای تعالی همه شماها را به یک جا می آورد... و بعد از آن امام باقر(علیه السلام) فرمودند: آن سیصد و سیزده مرد که (قرآن به آنها اشاره دارد) در بین رکن و مقام با او بیعت می کنند. (۱)

روایات متعدد دیگری هم که در مضمون با این حدیث مطابقت دارد در منابع روائی به چشم می خورد (۲) پس از این روایات متعدد که یکی از آنها را نقل کردیم معلوم می شود آیه ۱۴۸ سوره بقره اشاره به یکی از علائم ظهور که جمع شدن ۳۱۳ نفر از یاران حضرت مهدی باشد در مکه

ص:۲۵

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ص ۲۷۹،مهدی موعود، ج ۲، ص ۸۹

۲- (۲) . نک: روضه کافی، ص ۳۱۳ یا کتاب الغیبه، ص ۲۴۱ و ۲۷۹ و ۳۱۲ و ۳۱۳ یا کمال الدین و تمام النعمهٔ، ج ۲، ص ۶۵۴ و یا تفسیرعیاشی، ج ۱، ص ۶۵.

دلالت دارد که تفسیر آن از روایات معلوم می شود.

۲. آیه ۱۵۵ سوره بقره: «و قطعاً [همه] شما را به چیزی از ترس و

گرسنگی و کاهشی در ثروت ها و جان ها و محصولات، آزمایش می کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.»

در روایات تفسیری ذیل آیه از معصوم(علیه السلام) حکایت شده که فرمود آن است فرموده خدای عزوجل « وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ... »

که] شما را می آزمائیم [یعنی شما مومنین را و] خوف [یعنی ترس از پادشاهان فلان خاندان در اواخر سلطنتشان و] گرسنگی [به گرانی نرخ هایشان است و] کمبودی اموال [به فساد و تباهی تجارتها و کمی سود آنهاست و] جانها [مرگ زودرس است و] ثمرات [کمی رشد گیاهان و کم شدن برکت میوه ها است و اینکه فرموده] بشارت بده به صبرپیشگان [یعنی در آن هنگام به خروج قائم(علیه السلام) سپس فرمود: ای محمد بن مسلم این است تأویل آن آیه که خدا می فرماید « وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ... (۱)»

در ذیل این آیه روایات دیگری نیز وجود دارد که دلالت دارد بر

ص:۲۶

۱- (۱) . آل عمران / ۷.

اینکه تاویل این آیه بر علائم ظهور حضرت مهدی(عج) است. (۱)

۳. آیـه ۶۵ سوره انعـام: بگو او توانـاست که بر شـما عـذاب و بلائی از آسـمان یـا زمین فرسـتد یـا شـما را به اختلاف کلمه و پراکندگی و مخالفت با هم درافکند.

یعنی بعضی از شما بعض دیگر را بکشد. (۲)

۴. آیه ۳۷ سوره مریم: طوایف مردم از پیش خود اختلاف کردنـد وای بر این مردم کافر هنگام حضور آن روز بزرگ. از امام باقر(علیه السلام) روایت شده است که حضرت فرمودند همین آیه را از حضرت امیرالمومنین پرسیدند آن حضرت فرموده اند به مشاهده سه چیز منتظر باشید در آن حال عرض کردم یا امیرالمومنین آنها چیستند؟ فرمود: اختلافی است که در میان اهل شام واقع شود (مربوط به خروج سفیانی است) و بیرقهای سیاهند که از خراسان می آیند (مربوط به خروج سید خراسانی است) و اضطرابی است که در ماه رمضان واقع می شود (که مربوط است به صیحه آسمانی که از علائم حتمیه آخرالزمان است) بعد حضرت پیرامون علامت سوم (صیحه آسمانی) آیه ۴ سوره شعراء را فرمودند که مگر نشنیده اید که

۱- (۱) . نـک: کتاب الغیبه ص ۱۳۲، دلائل الامامهٔ ص ۲۵۹، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۸، مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۸ و ۲۶ ینابیع المودهٔ، ج ۳، ص ۲۳۵، موعودنامه ص ۵۵۸ که طبق این احادیث تأویل آیه ۱۵۵ سوره بقره علائم آخرالزمان می باشد

۲- (۲) . تفسیر علی بن ابراهیم، ج ۱، ص ۲۰۴ و مهدی موعود، ج ۲، ص ۹.

خداوند می فرماید اگر می خواستیم از آسـمان برای ایشان نشانه ای نازل می کردیم که همه گردن زیر بار ایمان بیاورند و آن نشانه و آیت صـدائی است که از آسـمان (توسط جبرئیل) می رسـد آن چنان صـدائی که از شدت مهابتش دختر با عفّت را از پس پرده بیرون کشیده و خوابیده را بیدار و بیدار را مضطرب می سازد. (۱)

۵. آیه ۵۳ سوره فصلت: ما آیات قدرت و حکمت خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملاً هویدا و روشن می گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که او بر حق است و...

در ذیل این آیه روایت شـده است از امام کاظم(علیه السـلام) که در اطراف زمین فتنه واقع می شود و در دشـمنان حق مسخ. و علامه مجلسـی(ره) در ذیل این روایت می فرمایـد یعنی آیت های الهی در اطراف عَلَم فتنه هاینـد که واقع می شود و آیتهایی که در نفس ایشان است عبارت است از مسخ شدن ایشان. (۲)

نتیجه:

اگر به تفسـیر و یـا تأویـل و یـا تطـبیق آیـات مراجعه کنیم خـواهیم دیـد که بسـیاری از آیـات دلاـلت بر علاـئم ظهور حضـرت مهدی(عج) دارد که به بعضی از آنها در این مختصر اشاره شد.

۱- (۱) . غیبت نعمانی، ص ۲۵۱،مهدی موعود، ج ۲، ص ۷۷

۲- (۲) . ارشاد شیخ مفید، ص ۳۵۹، مهدی موعود، ج ۲، ص ۶۴.

فصل دوم:تفسیر آیات مهدویت

اشاره

ص:۲۹

پرسش:

بعضی از آیات مربوط به مهدویت را برایم تفسیر کنید؟

پاسخ: (۱)

براساس احادیث در قرآن حدود ۲۵۰ آیه در رابطه با مهدویت وجود دارد که به مهمترین آنها اشاره می کنیم.

رفع فتنه ها از جهان با قیام مهدوی:

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره انفال، به مسلمانان دستور می دهد که تا رفع فتنه از جهان به جنگ ادامه دهند، و می فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لاَتَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۱- (۱) . در این بخش از «تفسیر قرآن مهر» تالیف دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی استفاده شده است.

و با آن (کافر)ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آنِ خدا باشد. و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهند، بیناست.

نکات و اشارات:

۱. واژه «فِتْنَه» در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش، بلاـ و فشار می آید. و در آیه فوق می تواند به معنای شرک و بت پرستی باشد که انواع محدودیت ها و فشارها را برای جامعه در بردارد. و نیز شامل انواع فشارهای دشمنان در برابر اسلام و آزادی مسلمانان شود. (۱)

۲. آیه فوق به دو هدف عمده جهاد اسلامی اشاره کرده است:

نخست بر چیدن بساط بت پرستی و شرک که در حقیقت نوعی خرافه و انحراف است.

و دوم بدست آوردن امنیت از فتنه ها تا زمینه ای برای آزادی بیان برای تبلیغ و نشر اسلام شود.

۳. در حدیثی از امام صادق «ع» حکایت شده که: «تأویل و تفسیر نهائی این آیه هنوز فرا نرسیده است، و هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید، به خدا سوگند در آن زمان دین محمد «ص» به تمام نقاطی که شب آن را فرا می گیرد، خواهد رسید و در روی زمین مشرکی باقی نخواهند ماند.» (۲)

۱- (۱) . ذیل آیه ۲۵ انفال در مورد فتنه مطالبی بیان شد

۲- (۲) . مجمع البیان، ذیل آیه و نیز آلوسی در روح البیان و نمونه ج ۷، ص ۱۶۶.

۴. با فتنه های درونی و بیرونی مبارزه کنید:

امام عارفان، در تفسیری دیگر از آیه فوق می نویسد: «فرزندم! از خود بینی و خودخواهی درآی، که این ارث شیطان است،... و بدان که تمام گرفتاری های بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است، و شاید آیه شریفه «و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه» (۱) در بعضی مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه، که شیطان بزرگ و جنود آن که در تمام اعماق قلوب انسان ها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می شود.» (۲)

البته حدیث فوق از باب تطبیق بر کامل ترین مصداق آیه است. که در آن زمان همه فتنه ها از زمین رخت بر می بندد.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام آیه فوق این است که: جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالَم.

۲. آموزه آیه آن است که تا زمانی که کافران به مسلمانان فشار می آورند با آنان بجنگید، اما هرگاه دست بر داشتند با آنان رفتار مناسب کنید.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که دین (اسلام) را بر جهان حاکم کنید.

۱- (۱) . این آیه در سوره بقره آیه ۱۹۳ نیز آمده است ولی در آیه ۳۹ / انفال کلمه «کلّه» را اضافه دارد

۲- (۲) . سرّ الصلوهْ، امام خمینی قدس سره، ص ۲۸.

جهانی سازی مطلوب (مهدوی):

قرآن کریم در آیه سی و سوم سوره توبه به پیروزی جهانی اسلام اشاره می کند و می فرماید:

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها]پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.

نکات و اشارات:

۱. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۲. اشاره آیه فوق به همراهی پیامبر اسلام با هدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر «ص» هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می گردد.

۳. هر چند که دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم نشان می دهد، و موانع مخالفان حق برطرف می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند.

ص:۳۴

آری حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۴. برخی مفسـران بر آنند که مقصود از پیروزی اسـلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

و برخی دیگر از مفسـران با استفاده از موارد استعمال ماده «اِظهار» در قرآن، برآنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است.

اما بنظر می رسـد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسـلام بر ادیان دیگر می شود. که در تمام جهان تحقق خواهد یافت. و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۵. در احادیث متعـددی حکایت شـده که وقتی محتوای آیه فوق تحقق می یابـد که امام عصـر و مهدی آل محمد «ص» ظهور کند.

در حـدیثی از امـام صـادق «ع» حکـایت شـده که: «به خـدا سوگنـد هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پـذیرد که قائم خروج کنـد، و هنگامی که او قیام کنـد، کسـی کافر و منکر خـدا در جهان باقی نخواهـد ماند.» (۱)-(۲).

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسـلام از صـدر اسـلام آغـاز شـده و بتدریـج در حـال پیشـرفت و تحقق است. اما مقصود این

۱- (۱) . عن الصادق «ع»: و اللّه ما نزل تأویلها بعـد و لا ینزل تأویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر باللّه العظیم. (نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱)
۲- (۲) . ر.ک: صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ و مجمع البیان، ذیل آیه.

احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی«ع» خواهد بود.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام آیه آن است که دین حق و راه پیامبر اسلام «ص» در نهایت پیروز می شود و بر همه ادیان جهان غلبه می کند.

۲. آموزه آیه آن است که در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست.

مهدی(علیه السلام) ذخیره الهی:

قرآن کریم در آیه هشتاد و ششم سوره هود ادامه سخنان شعیب را در مورد اصلاحات اقتصادی مردم مدین بیان می کند و می فرماید:

بَقِیَّتُ اللَّهِ خَیْرٌ لَکُمْ إِن کُنتُم مُؤْمِنِینَ وَمَا أَنَا عَلَیْکُمْ بِحَفِیظٍ

ذخیره الهی برای شما بهتر است؛ اگر مؤمن باشید. و من بر شما نگهبان نیستم.»

نکات و اشارات:

۱. تعبیر «بَقیةُ اللّه» به معنای «ذخیره الهی» است و این تعبیر یا اشاره به سود حلال و اندک است که بفرمان خدا باقی می ماند. و یا اشاره

به آن است که بدست آوردن مال حلال سبب دوام و بقای نعمت است. و یا اشاره به ثواب های معنوی است که همیشه باقی می ماند. (۱)

۲. جمله «اگر شما مؤمن باشید» اشاره به آن است که این حقایق را تنها کسانی درک می کنند که به خدا و حکمت دستوراتش ایمان داشته باشند.

۳. در حدیثی از امام باقر«ع» حکایت شده که فرمود: نخستین سخنی که مهدی«ع» پس از قیام خود می گوید: همین آیه (بَقیةُ اللَّهِ خیرٌ لکم ان کنتُم مُؤمنین) است.

سپس می فرماید: من ذخیره الهی و حجّت او و جانشین او برای شما هستم.

و هیچ کس بر مهدی«ع» سلام نمی کند مگر اینکه می گوید: «السلام علیك یا بقیةُ اللّهِ فی أرضه». (۲)

این گونه احادیث در حقیقت بیان بطن آیه است، یعنی هر چند که این آیه در مورد قوم شعیب است و ذخیره الهی به معنای سرمایه اقتصادی آنان است. اما مفهوم «ذخیره الهی» جامع و وسیع است که در عصرهای بعد مصداق های دیگری را شامل می شود. و از جمله هر موجود مفیدی را که از طرف خدا برای بشر ذخیره شده، در بر می گیرد. و از این رو تمام پیامبران و امامان و رهبران راستین و حتی سربازانی که پس از پیروزی در جهاد برای ملت باقی می مانند، بَقیةُ اللّهِ و ذخیره الهی

۱- (۱) . نمونه، ج ۹، ص ۲۰۳

۲- (۲) . صافی، ج ۲، ص ۴۶۸.

هستند. (۱)

و روشن ترین و کامل ترین مصداق ذخیره الهی، امام مهدی «ع» است که برای پیروزی نهائی حق بر باطل باقی مانده است. و از این رو «بَقیةُ اللّه» لقب شایسته اوست.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه آن است که سرمایه اندك و حلال و پاداش های معنوی بهتر از در آمدهای بسیاری است که حرام باشد.

۲. پیام دیگر آیه آن است که پیامبران نگهبان مردم نیستند و چیزی را بر آنان تحمیل نمی کنند.

ص:۳۸

۱- (۱) . در حدیثی ذیل آیه می خوانیم که شعیب بر بلندی رفت و آیه فوق را قرائت کرد و گفت من بقیة اللّه هستم. (صافی همان) این مطلب نشان می دهد که خود شعیب نیز مفهوم بقیة اللّه را اعم از مسایل اقتصادی می دانسته است.

مهلت به ابلیس تا قیام مهدی(علیه السلام):

قرآن کریم در آیات سی و چهارم تا سی و هشتم سوره حجر به طرد ابلیس و مهلت خواهی او اشاره کرده و می فرماید:

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّکَ رَجِیمٌ * وَإِنَّ عَلَیْکَ اللَّعْنَةَ إِلَی یَوْمِ الدِّینِ * قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ * إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

(خدا به ابلیس) فرمود: «بنابراین از آن [مقام فرشتگان] بیرون شو، چرا که تو رانده شده ای؛ * و در واقع تا روز جزا بر تو لعنت است!» * (ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که (مردم) برانگیخته خواهند شد، مهلت ده.» * (خدا) فرمود: «پس در واقع تو از مهلت داده شدگانی، * تا روز زمان معلوم.»

ص:۳۹

نکات و اشارات:

۱. در مورد اینکه شیطان از کجا اخراج شد، مفسران چند مطلب گفته اند، برخی برآنند که از صفوف فرشتگانی که در آنجا قرار داشت اخراج شد، یا از بهشت و یا از آسمان معنویت اخراج گشت.

اما با توجه به مطلق بودن آیه، که محل اخراج را مشخص نکرده می توان گفت: ابلیس از مقامی که داشت اخراج شد، که بقیه موارد ممکن است مصداق های آن باشد.

۲. واژه «لعنت» به معنای دوری از رحمت خداست، و از این آیه استفاده می شود که تکبر، نژادپرستی و نافرمانی خدا سبب تحقیر، طرد و دوری از رحمت خدا تا قیامت می شود.

۳. از این آیات استفاده می شود که ابلیس پس از طرد از درگاه الهی پشیمان نشد و توبه نکرد بلکه بر لجاجت و نافرمانی خود افزود، و کینه نسل بشر را به دل گرفت، و تصمیم گرفت با منحرف کردن انسان ها انتقام بکشد، و از این رو از خدا تا روز رستاخیز مهلت خواست که زنده بماند و به سرکشی و فریبکاری بپردازد.

۴. خدا به شیطان مهلت داد، یعنی تا وقت مشخصی که خدا می داند به او مهلت داد. البته در برخی احادیث این وقت معلوم را پایان جهان معرفی کرده اند. (۱) و برخی مفسران نیز آن را روز رستاخیز معرفی

کرده اند. (۲)

ص:۴۰

۱- (۱) . نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳

۲- (۲) . چرا که آن روز در آیه ۵۰ / سوره واقعه «یوم الوقت المعلوم» نامیده شده است.

طبق برخی از روایات نیز تا ظهور حضرت مهدی(عج) می باشد وهب بن جمیع می گوید: از امام صادق(علیه السلام) پرسیدم اینکه خداوند به شیطان فرمود: به تو مهلت داده شده تا وقت معلوم این چه زمانی است؟ حضرت فرمودند: آیا پنداشته ای که این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند قائم را مبعوث می کند و اجازه قیام به او می دهد حضرت به مسجد کوفه می رود. در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود به آن جا می آید و می گوید: ای وای بر من از امروز. حضرت مهدی پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد. (۱) از امام رضا(علیه السلام) نیز فرمودند: وقت معلوم روز قیام قائم ما است. (۲)

۵. خدا به شیطان مهلت داد، چرا که:

اولاً: سنت خدا فرصت دادن به گناهکاران است تا حجّت بر آنان تمام شود و شاید توبه کنند و باز گردند. و گرنه گرفتار عذاب شوند.

و ثانیاً: ابلیس وسیله آزمایش انسانهاست. و امتحان یکی از سنّت های الهی است.

۱- (۱) . تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۳؛ تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶؛ بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۵۴

۲- (۲) . منتخب الاثر، ص ۲۲۰؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۳۷۱.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام هشدارآمیز آیات آن است که خدا به گناهکاران مهلت

می دهد. (تا آزمایشی برای دیگران و خودشان باشد.)

۲. آموزه آیات آن است که نافرمانان متکبر و نژاد پرست را طرد و لعنت کنید.

ص:۴۲

یاران مهدی یاری می شوند:

قرآن کریم در آیه پنجم و ششم سوره اسراء به سرکشی و فسادگری اول بنی اسرائیل در تاریخ اشاره کرده و می فرماید:

فَإِذَا جَآءَ وَعْدُ أُولَیهُمَا بَعَثْنَا عَلَیْکُمْ عِباداً لَنَآ أُوْلِی بَأْسٍ شَدِیدٍ فَجَاسُواْ خِلَلَ الدِّیَارِ وَکَانَ وَعْداً مَفْعُولاً * ثُمَّ رَدَدْنَا لَکُمُ الْکَرَّةَ عَلَیْهِمْ وَأَمْدَدْنَکُم بِأَمْوَلٍ وَبَنِینَ وَجَعَلْنَکُمْ أَکْثَرَ نَفِیراً

و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه ها(یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این] وعده ای واقع شده است. * سپس دوباره، (پیروزیِ) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم.

نکات و اشارات:

۱. مقصود از فسادگری و سرکشی اول بنی اسرائیل همان است که در تاریخ آمده است که بیت المقدس توسط داود و سلیمان پیامبر «ع»

ص:۴۳

ساخته شد. و بُخت النصر پادشاه بابل در حدود ۵۸۷ قبل از میلاد بر آن هجوم آورد و آن را ویران کرد. و این شهر حدود پنجاه سال به همان حال باقی ماند تا زمان کورش پادشاه هخامنشی ایران که یهودیان را از اسارت نجات داد و فلسطین از نو آباد شد. (۱)

۲. از واژه «عباداً لنا» استفاده می شود مردم (بابل) که به یهودیان حمله کردند مردمی باایمان بودند. که خدا بوسیله آنها از فسادگری یهودیان انتقام گرفت.

۳. از این آیات استفاده می شود که خدا پس از شکست سخت بنی اسرائیل در سرکشی اول، باز به آنان لطف کرد و به آنان قدرت و شوکت و نیروهای کارآمد عنایت فرمود. و آنها را بر دشمنان پیروز ساخت و در این رابطه به آنان اموال داد تا اقتصاد آنان قوی شود و نیز به آنان پسرانی عنایت کرد تا نیروی جنگی کارآمد داشته باشند.

۴. در برخی احادیث آیه اول بر قتل امام علی «ع» و آیه دوم بر یاران امام مهدی (عج) و یا رجعت و یا کسانی که قبل از قیام آن حضرت قیام می کنند، تطبیق شده است. چنانچه امام صادق(علیه السلام) در تأویل آیه

ص:۴۴

۱- (۱) . سلیمان معبدی بزرگ در بیت المقدس بنا کرد که نام آن به «هَیْکَل سلیمان» (ساختمان بلند) مشهور شد. و در سال ۵۸۷ قبل از میلاد توسط بُخُت النصَر ویران شد. او پادشاه آشوری ها در شمال بابل در عراق و سوریه کنونی بود و پایتخت او شهر نینوی بود. که از او در عهد عتیق با عنوان «نبوکد نِصّر» یاد شده است. او تعداد زیادی از بنی اسرائیل را به اسارت برد که به «جَلای بابل» مشهور شد. و پس از استیلای کورش (یعنی خورشید) بر بابل، یهودیان آزاد شدند و اعلامیه معروف کورش در سال ۵۳۸ قبل میلاد صادر شد. (نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، ص ۷ - ۸۴)

می فرمایند: «و فساد قتل امیرالمومنین و زخمی شدن حسن بن علی(علیه السلام) است و منظور از هر آینه طغیانی بزرگ مرتکب خواهید شد قتل امام حسین(علیه السلام) است، «پس هنگامیکه وعده اول آنها برسد» یعنی هنگامیکه زمان پیروزی حسین(علیه السلام) شود بر می انگیزیم بر سرتان بندگانمان را که پر توان گوشه و کنار هر دیاری را پی جوئی کنند که آنها گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم(علیه السلام) بر می انگیزاند که هیچ امر رها شده ای از آل محمد را نمی گذارند مگر آنکه آنرا در خواهند یافت و این وعده محقق الهی است. (۱)

اگر دوباره ستم، اهل حق زبون سازد وگر زخون، همه جا جمله لاله گون سازد

نموده وعده خدا آورد عبادی را که تخت و تاج ستم را زسرنگون سازد

البته روشن است که اینگونه احادیث بطن آیه را بیان می کند یعنی مفهوم آیه در مورد وعده سرکشی قوم یهود را گسترش داده و شامل ملت اسلام نیز کرده است. و مصادیق جدید آیه را بیان نموده است. که همان قتل امام علی «ع» است. و در قیام یاران مهدی «ع» به نوعی جبران می شود. و مؤمنان واقعی پیروز می شوند.

ص:۴۵

۱- (۱) . صافی، ج ۳، ص ۱۷۹ و نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۳۸.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام آیه اول آن است که وعده خدا در مورد سرکشی و سرکوبی قوم یهود، یک بار در تاریخ واقع شده است. (پس منتظر تحقق وعده های دیگر خدا باشید.)

۲. پیام دیگر آیه آن است که وعده های الهی حتمی است.

۳. پیام آیه دوم آن است که گاهی امداد الهی، در سرمایه و نفرات تجلّی می یابد.

۴. آموزه آیه برای یهودیان آن است که به تاریخ پیشین خود توجه کنید و درس عبرت بگیرید. (و سرکشی نکنید)

ص:۴۶

یاران مهدی، وارثان صالح زمین:

قرآن کریم در آیات صد و پنجم و صد و ششم سوره انبیاء به قانون فرمانروای شایستگان بر زمین اشاره می کند و می فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِى الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِىَ الصَّلِحُونَ * إِنَّ فِى هَذَا لَبَلَغاً لِّقَوْمٍ عَبِدِينَ

و بیقین در «زَبُور» بعد از آگاه کننده [تورات] نوشتیم که: «بندگان شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.» * قطعاً در این (مطلب)، پیامی برای گروه پرستش کنندگان است.

نکات و اشارات:

۱. واژه «اَرض» به مجموع کره زمین گفته می شود و سراسر جهان را شامل می شود. (۱) یعنی مؤمنان سرانجام بر سراسر زمین حاکم می شوند.

ص:۴۷

۱- (۱) . برخی مفسران احتمال داده اند که این آیه اشاره به وارث شدن زمین در رستاخیز باشد. اما ظاهر آیه آن است که در مورد زمین دنیا سخن می گوید. (نمونه، ج ۱۳، ص ۵۱۶)

۲. واژه «اِرث» به معنای چیزی است که بـدون معامله به کسـی منتقل می شود، و در قرآن گاهی به معنای پیروزی بر گروهی و در اختیار گرفتن امکانات آنها به کار رفته است. (۱) یعنی مؤمنان شایسته در نهایت بر مشرکان، کافران و افراد ناشایست پیروز می شوند و تمام امکانات زمین را بدست می آورند.

۳. واژه «زَبُور» در اصـل به معنـای هر گونه کتـاب و نوشـته است، و در قرآن کریم معمولاً ـ به معنـای زبور داود «ع» بکـار رفته است. این کتاب در عهـد قـدیم کتاب مقدّس، تحت عنوان «مَزامیر داود» آمده است که مجموعه ای از مناجات ها و اندرزهای داود پیامبر است. (۲)

۴. همانطور که قرآن فرموده است در موارد متعـددی از «مزامیر داود» بیان شـده که شایسـتگان بر زمین پیروز خواهنـد شـد، از جمله می گویـد: «زیرا که شـریران منقطع می شونـد، اما متوکّلان به خداونـد، وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر آمده است که: «زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.» و در جای دیگر متواضعان را وارث زمین معرفی می کند. (۳)

۵. واژه «ذِکْر» در اصل به معنای یادآوری یا چیزی که مایه تذکّر

۱- (۱) . نک: اعراف / ۱۳۷

۲- (۲) . برخی مفسـران احتمال داده انـد که مقصود از «زبور» تمام کتاب های پیامبران پیشـین باشد. اما این احتمال با توجه به قرائنی که خواهیم آورد بعید است. (نک: مجمع البیان، تفسیر فخر رازی و نمونه، ذیل آیه)

۳- (۳) . نک: کتاب مقدّس، مزامیر داود، باب ۳۷ / ۹ و ۱۱ و ۱۸ و ۲۷ و ۲۹.

است. ولی این واژه در قرآن گـاهی در معنای قرآن (۱) و گاهی در معنای تورات (۲) به کـار رفته است. و در اینجا نیز ممکن است به معنای هر یک از این دو کتاب الهی باشد. و برخی مفسران ترجیح داده اند که به معنای تورات باشد. (۳)

۶. در این آیه یک قانون کلی و سـنت الهی بیان شده که بندگان شایسـته و صالح خدا بر زمین حاکم خواهند شد، این بندگان صالح کسانی هسـتند که از نظر عمل، علم، قدرت، تدبیر و درک اجتماعی شایسـته باشند. و کسانی که این شایستگی ها را در خود ایجاد کنند، خدا نیز به آنان کمک می کند که بر مستکبران پیروز شوند و وراث زمین گردند.

۷. در احادیث متعددی از اهل بیت«ع» این آیه به یاران امام مهدی«ع» تفسیر و تطبیق شده است.

از جمله از امام باقر «ع» حکایت شـده که فرمودنـد: «(بندگان شایسـته ای که در این آیه به عنوان وارث زمین از آنها یاد شد) همان یاران مهدی - عجل اللّه تعالی فرجه الشریف - در آخر الزمان هستند.» (۴)

البته اینگونه احادیث مصداق های بارز این آیه را بر می شمارد و به معنای انحصار آیه در این افراد نیست.

ص:۴۹

۱- (۱) . نک: تکویر / ۲۷. (ان هو الّا ذکر للعالمین)

۲- (۲) . نک: انبیاء / ۴۸. (و لقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاءً و ذکراً للمتقین)

۳- (۳) . صاحب تفسیر نمونه ترجیح می دهند که «ذکر» به معنای تورات باشد

۴- (۴) . نک: نمونه، و مجمع البیان، ذیل آیه.

یعنی در هر زمان و مکان که بندگان شایسته خدا قیام کنند، موفق و پیروز می گردند و وارث حکومت آن سرزمین می شوند.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که پیروزی نهائی از آن شایستگان زمین است. و این یک قانون الهی است.

۲. پیام دیگر آیات برای ما آن است که قانون پیروزی نهائی صالحان (و ظهور مهدی «عج») نور امید دل عابدان است.

۳. پیام دیگر این آیات آن است که برخی قوانین و سنّت های ثابت الهی در کتاب های آسمانی تکرار شده است. تا همگان بدانند.

۴. آموزه آیات آن است که اگر می خواهید وارث زمین شوید شایسته کردار گردید.

مهدی(عج) اجازه جنگ دارد:

قرآن کریم در آیه سی و نهم سوره حج با اشاره به فلسفه جهاد، به مظلومان اجازه جهاد می دهد و می فرماید:

أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقَتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُواْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ

به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، بخاطر اینکه آنان مورد ستم واقع شده اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست.

نکات و اشارات:

۱. هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان آنان را آزار می رساندند، و آنان به پیامبر«ص» شکایت می کردند و اجازه جهاد می خواستند، اما پیامبر «ص» می فرمود: شکیبا باشید هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا اینکه مسلمانان به مدینه هجرت کردند، و خدا با نزول آیه فوق به آنان رخصت جهاد داد. (۱)

۲. برخی مفسران برآنند که این آیه نخستین آیه ای است که در مورد جهاد فرود آمده است. و لحن آیه و تعبیر اذن نیز با این مطلب سازگار است. (۲)

۳. در این آیه اشاره شده که خدا به مؤمنان مظلوم اجازه جهاد داد تا آنان توان خویش را بکار گیرند و با دشمن مبارزه کنند، و در این صورت است که از طرف خدا یاری می شوند چراکه خدا برای یاری آنان تواناست.

۴. شأن نزول آیه در مورد اجازه جهاد به اصحاب پیامبر(صلی الله علیه و آله) است اما این آیه اختصاص به مورد شأن نزول ندارد بلکه یکی از مصادیق آیه اجازه ظهور و قیام و خون خواهی حضرت مهدی برای امام حسین(علیه السلام) است چنانچه از امام صادق روایت است که فرمودند این آیه درباره حضرت قائم و اصحاب او است. همچنین از امام صادق(علیه السلام) در تفسیر همین آیه حکایت شده که می فرمایند، اهل سنت می گویند این آیه درباره رسول خدا نازل

ص:۵۱

۱- (۱) . مجمع البیان، تفسیر کبیر و نمونه، ذیل آیه

۲- (۲) . برخی مفسران نیز آیه ۱۹۰ / بقره و ۱۱۱ / توبه را اولین آیه جهاد می دانند. (نک: المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۹ و نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۳)

شـده هنگـامیکه کفار قریش آن حضـرت را از مکه بیرون کردنـد و حال آنکه دربارهٔ حضـرت قائم است که چون خروج کند برای حسـین خونخواهی نماید و این است فرمایش او «نحن اولیاءُکُم فی الدم و طلب الدیه» ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم. (۱)

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیه برای ما آن است که یکی از فلسفه های جهاد، دفع ظلم است.

۲. آموزه آیه برای ما آن است که اگر دشمنان جنگ را بر شما تحمیل کردند، شما نیز با آنان بجنگید.

مهدی(علیه السلام) هدایت نور الهی:

قرآن کریم در آیه سی و پنجم سوره نور، با مثالی زیبا، نور خدا را توضیح می دهد و می فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَوةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِى زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّىٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُهَا يُضِىءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِى اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَآءُ وَيَضرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكلِّ شَىْ ءٍ عَلِيمٌ

خدا نورِ آسـمان ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن] چراغ در بلوری است - [آن] بلور چنانکه

۱- (۱) . تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۸۴.

گویی سیاره ای درخشان است - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می کند؛ و خدا برای مردم مَثل ها می زند و خدا به هر چیزی داناست.

نکات و اشارات:

۱. نور پدیده ای است که آن را اینگونه تعریف کرده اند: «چیزی که در ذات خود آشکار است و ظاهر کننده دیگر چیزهاست.»

۲. نور دارای ویژگی خاصی است که به برخی آنها اشاره می کنیم:

نور زیبا و سرچشمه زیبائی هاست. بالاترین سرعت حرکت از آن نور است. (۱) نور وسیله مشاهده موجودات است. نور پرورش دهنده گیاهان و گلهاست. پیدایش رنگ نتیجه تابش نور است. انرژهای موجود در محیط زمین غالباً از نور سرچشمه می گیرد. نور نابود کننده میکرب هاست. نور هدایتگر مسافران و گمشدگان است. و...

۳. در قرآن کریم به چند چیز نور گفته شده است که عبارتند از:

الف: خدا نور است همانطور که در آیه فوق آمده بود.

۱- (۱) . سرعت نور را سیصد هزار کیلومتر در ثانیه گفته اند یعنی در هر ثانیه می تواند هفت بار کره زمین را دور بزند.

ب: ایمان به خدا نور است. (۱)

ج: خود قرآن نوری از جانب خدا است. (۲)

د: هدایت الهی نور است. (۳)

ه- : آیین اسلام نور است. (۴)

و: شخص پیامبر «ص» چراغی نور بخش است. (۵)

از احادیث نیز استفاده می شود که امامان معصوم «ع» و علم نور هستند. (۶)

۴. مقصود از اینکه خدا نور است، هدایتگری یا روشنگری یا زینت بخشی خدا به جهان است. یعنی خدا نور است و هر موجودی به هر اندازه که با او ارتباط دارد از نوارنیّت برخوردار می شود. و از این روست که ایمان، قرآن، اسلام، پیامبر، امامان و علم نور هستند، چون همه در ارتباط با او و سبب آشنائی مردم با نور خدا می شوند.

آری این ویژگی نور است که به همه چیز جان تازه و حرکت می دهد و آنها را پرورش داده و به سر منزل مقصود هدایت می کند. و موانع را از سرراهشان بر می دارد.

۵. در برخی احادیث از اهل بیت «ع» حکایت شده است که:

مقصود از نور بودن خدا، هدایتگری او برای اهل آسمانها و اهل زمین است. (۷)

۱- (۱) . بقره / ۲۵۷ «یخرجهم من الظلمات الی النور»

۲- (۲) . مائده / ۱۵ «قد جائکم من اللّه نور و کتاب مبین»

۳- (۳) . انعام / ۱۲۲ «نوراً یمشی به فی الناس»

۴- (۴) . توبه / ۳۲ «یتم نوره»

۵- (۵) . احزاب / ۲۶ «سراجاً منیراً»

۶- (۶) . نکـ: زیارت جامعه و ماده علم در میزان الحکمهٔ و نمونه، ج ۱۴، ص ۴۷۲

۷- (۷) . نمونه، ج ۱۴، ص ۵ - ۴۷۴ به نقل از توحید از امام رضا «ع» آورده است.

البته هدایتگری یکی از خواص نور الهی است اما منحصر در آن نیست. و هر کدام از تفسیرهای نور خدا، به یکی از ابعاد این نور اشاره دارد.

۶. واژه «مِشکاة» به معنای محفظه ای برای چراغ است که آن را در برابر باد و طوفان حفظ می کند و غالباً در دیوار ایجاد می شده تا نور چراغ را متمرکز ساخته و منعکس نماید.

و واژه «زُجاجَة» در اصل به معنای سنگ شفاف است و از آنجا که شیشه از سنگ ساخته می شود و شفاف است به آن نیز گفته می شود. و در اینجا مقصود حبابی است که بر روی چراغ می گذارند تا شعله را محافظت کند و گردش هوا را تنظیم نماید. و بر نور چراغ بیفزاید. و «مصباح» به معنای خود چراغ است.

۷. درخت زیتون درختی پربرکت است. که روغن آن یکی از بهترین روغن ها برای اشتعال است. بویژه که اگر درخت وسط باغ باشد و در طرف شرق و غرب باغ و کنار دیوارها نباشد. که نور آفتاب به همه جای درخت بتابد و برخی قسمت های آن نارس نگردد. و روغنش ناصاف نشود.

۸. نور خدا که به صورت شعله های ایمان در مصباح قلب مؤمن آشکار می شود و حباب قلب او ایمان را در درون خود تنظیم می کند و مشکوة سینه او که همان مجموعه شخصیت مؤمن است ایمانش را از گزند حوادث حفظ می کند. و درخت مبارک وحی الهی که عصاره آن قرآن است، ایمان مؤمنان را شعله ور و پر بار می سازد. و وجود مؤمنان را روشن می نماید. و هنگامی که با دلایل عقلی همراه می شود نور علی نور

می شود. (۱)

البته وقتی این نور الهی در قلب روشن می شود که قلب انسان با

ص:۵۶

۱- (۱) . نک: نمونه، همان، ص ۹ - ۴۷۸.

خودسازی و اخلاق آماده شود. و نور وحی از آلودگی گرایش های انحرافی شرقی و غربی بر کنار بماند.

۹. در احادیث اهل بیت «ع» مشکوهٔ را به نور علم پیامبر «ص» و زُجاجه را به سینه علی و نور علی نور را به امام معصوم که با نور علم تأیید می شود. و درخت مبارک را به ابراهیم خلیل که ریشه است و لا شرقیه ولا غربیه را به نفی گرایشهای یهود و مسیحیت تفسیر کرده اند.

در روایتی دیگر از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که می گوید: در مسجد کوفه داخل شدم در حالی که امیرالمومنین با انگشتان مبارک خود می نوشت و تبسم فرمود، گفتم یا امیرالمومنین چه چیز شما را به خنده آورد؟ فرمود عجب دارم از آن که این آیه را می خواند ولی به حق به آن معرفت ندارد، گفتم کدام آیه؟ فرمود: اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ... مثل نوره کمشکوهٔ مشکوهٔ محمد(صلی الله علیه و آله) است فیها مصباح منم مصباح زجاجهٔ الزجاجه حسن و حسین(علیه السلام) هستند کأنّها کوکب دُرّی علی بن الحسین(علیه السلام) است یوقد من شجره مبارکه محمد بن علی(علیه السلام) است زیتونه جعفر بن محمد(علیه السلام) است لاشرقیه موسی بن جعفر(علیه السلام) است لاغربیه علی بن موسی الرضا(علیه السلام) است یکاد زیتها یُضی محمد بن علی(علیه السلام) است ولو لم تمسه نارٌ علی بن محمد(علیه السلام) است نور علی نور حسن بن علی(علیه السلام) است و یهدی الله

ص:۵۷

لنوره من يشاء قائم مهدی(علیه السلام) است. (۱)

در این احادیث مصداق های کامل این آیه بیان شده است. اما این

ص:۵۸

۱- (۱) . نجم الثاقب، باب دوم، فرهنگ الفبایی مهدویت، ص ۷۴۳.

بدان معنا نیست که آیه منحصر به این موارد است. (۱)

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیه برای ما آن است که جهان از خدا روشن است.

۲. پیام دیگر آیه برای ما آن است که نور الهی چند لایه است.

۳. آموزه آیه آن است که بدنبال نور الهی باشید که هدایت به سوی نور الهی، بدست خداست.

خلافت زمین بدست مهدی(علیه السلام):

قرآن کریم در آیه پنجاه و پنجم سوره نور به مؤمنان نوید حکومت جهانی، پیروزی اسلام، آرامش و توحید می دهد و می فرماید:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُواْ مِنكُمْ وَعَمِلُواْ الصَّلِحَتِ لَيَستَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِى لَا يُشْرِكُونَ بِى شَيْئاً وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْفَسِقُونَ

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد،

ص:۵۹

۱- (۱) . نور الثقلین، ج ۳، ص ۶۰۲ و نمونه، ج ۱۴، ص ۴۸۰ و ۴۸۵.

همـان گونه که کسـانی را که پیش از آنان بودنـد، جانشـین کرد؛ و مسـلماً دینشان را که برای آنان پسـندیده است، به نفعشان مسـتقر خواهـد کرد، و البته بعد از ترسـشان (وضـعیت) آنان را به آرامش مبدّل می کند، در حالی که مرا می پرسـتند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمانبردارند.

شأن نزول:

داسـتان نزول آیه فوق اینگونه حکایت شـده که مسـلمانان هنگامی که به مـدینه مهاجرت کردند، قبایل جزیرهٔ العرب و مکه بر ضـد آنان شوریدنـد، و با مخالفت ها و تهدیـدهای فراوانی رو برو شدنـد، و زنـدگی ناامنی داشـتند بطوری که دائماً در حالت آمـاده باش نظامی بودنـد و بایـد شب و روز اسـلحه را از خود دور نمی کردنـد، این حالت بر مسـلمانان سـخت آمـده و برخی گفتند: تا کی این حالت ادامه دارد آیا زمانی فرا می رسد که ما با آرامش زندگی کنیم.

آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به آنان مژده داد که زمان پیروزی و آرامش فرا خواهد رسید. (۱)

نکات و اشارات:

۱. خدا در این آیه به مؤمنان شایسته کردار، چهار وعده داده است:

نخست آنکه آنان صاحب حکومت جهانی می شوند.

۱- (۱) . نک: اسباب النزول، سیوطی، مجمع البیان، طبرسی، فی ظلال، تفسیر قرطبی و نمونه، ذیل آیه.

دوم آنکه دین حق در همه جا امکانات نشر می یابد.

سوم آنکه نگرانی های آنان به آرامش و امنیت تبدیل می شود.

و چهارم آنکه در نهایت توحید خالص و خدا پرستی تحقق می یابد.

۲. در این آیه بیان شده که گروهی از مردم قبل از مسلمانان بر زمین حکومت و خلافت کردند. (۱) مقصود از این گروه، یا افرادی همچون آدم، داود و سلیمان و بنی اسرائیل هستند که قرآن به خلافت و حکومت آنان اشاره کرده است. و یا مقصود گروهی از اقوام مؤمن و صالح است که بر زمین یا بخشی از آن حکومت کردند. (۲)

البته مانعی ندارد که حکومت همه این افراد و گروهها مقصود آیه باشد.

۳. مقصود از «اَرض» در این آیه یا کل جهان و حکومت جهانی است و یا بخشی از زمین است. البته با توجه به اینکه حکومت های پیشینیان که در این آیه به آنها اشاره شده شامل بخشی از زمین می شد، مانعی ندارد که مقصود از «ارض» بخشی از زمین باشد.

۴. وعده الهی در مورد حکومت و خلافت که در این آیه وعده داده شد، مخصوص چه کسانی است؟ برخی از مفسران آن را مخصوص صحابه پیامبر «ص» می دانند که در عصر رسول خدا به حکومت بخشی از زمین دست یافتند.

۱- (۱) . نک: بقره / ۳۰، ص / ۲۶، نمل / ۶ و اعراف / ۱۲۷

۲- (۲) . نک: نمونه، ج ۱۴، ص ۵۲۸ و المیزان، ذیل آیه.

و برخی آن را اشاره به همه مسلمانانی می دانند که مؤمن و شایسته کردارند و به حکومت الهی دست می یابند.

و برخی دیگر از مفسران این آیه را اشاره به حکومت جهانی امام

مهدی «ع» می دانند. (۱)

البته مانعی ندارد که این آیه اشاره به همه این موارد باشد. و هر کدام مصداقی از آیه باشند. و مصداق کامل آن در زمان حضرت مهدی(عج) تحقق یابد که جهانی سازی مثبت انجام می گیرد.

۵. در احادیث اسلامی حکایت شده که این آیه اشاره به مهدی آل محمد«ص» است. و در حدیثی از امام سجاد «ع» حکایت شده که فرمودند: «بخدا سوگند مقصود از این افراد شیعیان ما هستند، خدا این کار را بدست مردی از ما انجام می دهد که او مهدی این امت است. و زمین را پر از عدل و داد می کند همانگونه که پر از ظلم و جور شده باشد. و اوست که پیامبر «ص» در مورد او فرمود: «اگر از عمر دنیا، جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، زمین را پر از عدل و داد کند. همانگونه که پر از ظلم و جور شده است.» (۲)

۶. در این آیه اشاره شده که هدف نهایی توحید، نفی شرک و عبادت خالص خداست. یعنی حکومت جهانی، آرامش و استقرار آیین حق، همه

۱- (۱) . نمونه، همان، ص ۵۳۰

۲- (۲) . نک: مجمع البیان، روح المعانی و نمونه، ذیل آیه.

مقدمه آن است که توحید در جامعه پیاده شود. و مردم به پرستش خدا روی آورند که مایه تکامل و رشد آنهاست.

۷. در این آیه اشاره شده که اگر حکومت جهانی الهی نیز تشکیل شود، بازهم برخی افراد نافرمانبردار و فاسق هستند که به کژ راهه

می روند و راه کفر می پیمایند.

آری تا انسان دارای آزادی و اختیار است، در هر جامعه ای افراد مؤمن و منحرف پیدا خواهند شد. و این لازمه حرکت تکاملی و آزادانه انسان است.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای ما آن است که به آینده امیدوار باشید که آینده بشریت روشن و نوید بخش است.

۲. پیام این آیه برای ما آن است که سرانجام خلافت و حکومت از آن مؤمنان شایسته کردار است.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در نهایت دین اسلام بر جهان حاکم می شود و جهانی سازی مثبت تحقق می یابد.

۴. پیام دیگر آیه آن است که در آینده، آرامش و امنیت در انتظار مؤمنان است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که نتیجه حکومت مؤمنان صالح، پیاده شدن توحید در جامعه است.

۶. پیام دیگر آیه آن است که حتی در حکومت عدل الهی، افراد منحرفی پیدا می شوند.

مهدی(عج) مضّطر حقیقی:

قرآن کریم در آیه شصت و دوم سوره نمل به نشانه های دیگر خدا در رفع مشکلات اشاره می کند و می فرماید:

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الأَرْضِ أإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلاً مَا تَذَكَّرُونَ

بلکه آیا (معبودان شما بهترند یا) کسی که درمانده را، به هنگامی که او را می خواند، اجابت می کند، و (گرفتاری) بد را برطرف می سازد، و شما را جانشینان (خود یا گذشتگان در) زمین قرار می دهد؛ آیا معبودی با خداست؟! چه اندک متذکّر می شوید.

نکات و اشارات:

۱. در این آیه اشاره شده که هرگاه تمام درها و اسباب جهان به روی انسان بسته شود و از هر نظر درمانده گردد، تنها کسی که می تواند مشکلات را برطرف سازد، و نور امید دردل ها بتاباند و دعای انسان های گرفتار را مستجاب کند، ذات پاک خداست.

رحم آر بر دلِ من کز مهر روی خوبت شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی

(حافظ)

۲. مقصود از «جانشینان زمین» یا همان ساکنان زمین هستند که خدا آنان را حکمران و صاحب اختیار نعمت های زمین قرارداده است و وسایل رفاه و آرامش آنان را فراهم کرده است.

ص:۶۴

و یا منظور جانشین شدن اقوام به جای همدیگر در زمین است. (۱)

و یا مقصود جانشین شدن نوع انسان بجای خدا در زمین است که در آیات دیگر قرآن بدان اشاره شده است. (۲)

البتّه معنای اول و سوم قابل جمع است و ممکن است مقصود آیه هرسه معنا باشد.

۳. در برخی احادیث از امام باقر و امام صادق«ع» حکایت شده که: «مقصود از مُضطرّ در این آیه قائم آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم است. که خدا دعای اورا مستجاب می سازد و مشکلات او را. برطرف می سازد و اورا خلیفه زمین می گرداند.» (۳)

البتّه اینگونه احادیث مصداق روشن مضطرّ را بیان می کند و گرنه مفهوم آیه شامل هرفرد مُضطرّ که دعاکند، می شود. (۴)

۴. سالک اضطرار خود را در نظر بگیرید:

امام عارفان در این مورد می نویسند: «پس بهتر است که سالک الی اللّه پای سلوک خود را بشکند و از اعتماد به خود و ارتیاض (ریاضت کشیدن) و عمل خود یکسره برائت جوید و از خود و قدرت و قوت خود فانی شود، و فنا و اضطرار خود را همیشه در نظر گیرید تا مورد عنایت شود و راه صد ساله را با جذبه ربوبیّت یک شبه طی نماید و لسان باطن و

۱- (۱) . نمونه، ج۱۵، ص ۵۱۸

۲- (۲) . نک: بقره / ۳۰

۳- (۳) . نور الثقلین، ج۴، ص ۹۴ و صافی، ج ۴، ص ۷۱

۴- (۴) . در مورد دعا و شرایط استجابت آن به ذیل آیه ۵۶ / اعراف مراجعه کنید.

حالش در محضر قدس ربوبیّت با عجز و نیاز عرض کند:

«امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء.» (۱)

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه برای ما آن است که هنگام بر آورده شدن دعاها و رفع مشکلات، نشانه های خدا را ببینید.

۲. پیام دیگر آیه آن است که یکی از سرچشمه های شرک غفلت و پند ناآموزی است.

۱- (۱) . آداب الصلوة، امام خمینی قدس سره، ص ۶۷.

حکومت مهدوی حکومت مستضعفان:

قرآن کریم درآیات پنجم و ششم سوره قصص به قانون پیروزی مستضعفان در زمین و سرکوبی مستکبران اشاره می کند و می فرماید:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

و می خواهیم که برکسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم وآنان را وارثان (آن) قرار دهیم. * و در زمین به آنان امکانات دهیم، و به فرعون وهامان و لشکریانشان، آنچه را همواره از آن (بنی اسرائیلی)ان بیم داشتند بنمایانیم.

نکات و اشارات:

۱. هرچند که این آیات درمورد پیروزی موسی و بنی اسرائیل و نابودی فرعونیان فرود آمده است، اما یک قانونی کلی و امید بخش را

درمورد همه مستضعفان و مستکبران جهان بیان میکند؛ (۱) که موسی و فرعون یکی از مصادیق آن و پیروزی پیامبر اسلام«ص» مصداق دیگر و حکومت جهانی امام مهدی«ع» مصداق کامل آن است.

۲. دربرخی از احادیث از امام علی«ع» حکایت شده که: «آیه فوق در مورد آل محمد«ص» است که خدا مهدی آنان را بعد از زحمات و فشارهایی که برآنان وارد می شود، بر می انگیزد و آنان را عزّت می دهد و دشمنانشان را ذلیل می سازد.» (۲)

البتّه روشن است که حکومت جهانی امام مهدی(عج) مصداق کامل آیه است ولی موجب انحصار معنای آیه نمی شود چون آیه فوق یک قانون کلی را بیان می کند. که در هر زمان مصداقی دارد.

۳. واژه «منّت» به معنای بخشیدن نعمت بزرگ و سنگین است. و اگر درمورد مردم استعمال شود به معنای بازگوکردن نعمت است که کار ناپسندی است اما درمورد خدا به معنای بخشیدن نعمت است. (۳)

۴. واژه «مُستَضعف» به معنای فرد ضعیف و ناتوان نیست بلکه به معنای کسی است که به ناتوانی کشیده شده وضعیف گردیده است.

یعنی فرد نیرومندی که از طرف ستمکاران تحت فشار قرارگرفته است و نمی تواند استعدادها و نیروهای خود را آشکارسازد. (۴)

ص:۶۸

۱- (۱) . از این رو بصورت فعل های مضارع (نرید - نمن - نجعلهم - نمکن) آمده است و خود واژه «نرید» دلالت بر اراده الهی وقانون و سنت او دارد

۲- (۲) . نور الثقلین، ج۴، ص ۱۱۰

۳- (۳) . نمونه، ج۱۶، ص ۱۶

۴- (۴) . همان، ص ۱۹.

۵. مستضـعفان گاهی از ناحیه فکری، فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی یا سیاسـی ضـعیف نگاه داشته شده اند. اما چیزی که قرآن بر آن تاکیـد بیشـتری دارد استضـعاف سیاسـی و اخلاـقی اسـت. (۱) آری اسـتعمارگران و اسـتثمارگران، نخسـت مردم راگرفتـار استضـعاف فرهنگی و سیاسـی می کننـد، سـپس منابع اقتصادی آنان را غارت می کنند و به استضـعاف اقتصادی می کشانند. و قدرت قیام را از آنان می گیرند.

۶. مسـتکبران برای نـابودی مستضـعفان برنـامه هایی طراحی می کننـد که در آیات قبل اشاره شـد، از راه تفرقه افکنی، نابودی نسل جوان و فساد وارد می شونـد، همانطور که در جهان کنونی آثار آن را در توسـعه فحشاء، شـراب، مواد مخـدّر وبی بنـد و بـاری فرهنگی و سـرگرمی هـای ناسـالم می بینیم. امـا پیـامبران الهی و بویژه قرآن کریم در همه جـا به حمـایت از مستضـعفان برخاسته اند و خطرات مستکبران فسادگر و برتری طلب را به آنان گوشزد نموده اند.

۷. قرآن کریم در آیات فوق پنج مرحله قانون پیروزی مستضعفان را اینگونه بیان کرده است: نخست خدا به آنان نعمت بزرگ (همچون دین و رهبری الهی) می دهد.

در مرحله دوّم مستضعفان را پیشوایان اهل زمین می گرداند.

در مرحله سوم مستضعفان را وارث اموال و زمین های دشمنان می گرداند.

ص:۶۹

۱- (۱) . همان.

در مرحله چهارم مستضعفان را به حکومت جهانی زمین می رساند.

و در مرحله پنجم مستکبران را مجازات می کند و به سزای اعمالشان می رساند.

تحمل کن ای ناتوان از قوی که روزی تواناتر از وی شوی

لب خشک مظلوم را گو بخند که دندان ظالم بخواهند کند

(سعدی)

۸. «هامان» وزیر معروف فرعون بود که در دستگاه او نفوذ زیادی داشت، بطوری که قرآن لشکریان مصر را به او و فرعون نسبت می دهد. (۱)

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که جهان فرجام امید بخشی دارد و پیروزی نهایی از آن مستضعفان است.

۲. آموزه آیات آن است که مستضعفان بدنبال پیشوایی، حکومت جهانی و وراثت زمین باشند.

۳. پیام دیگر آیه ششم آن است که مستکبران از آنچه می ترسند به سرشان می آید.

نورانی شدن زمین با نور مهدوی:

قرآن کریم در آیات شصت و نهم و هفتادم سوره زمر به شش و یژگی رستاخیز اشاره می کند و می فرماید:

۱- (۱) . نک: ذیل آیه ۳۸ / قصص.

وَأشْرَقَتِ الأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الكِتَابُ وَجِیءَ بِالنَّبِیِّینَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالحَقِّ وَهُمْ لا یُظْلَمُونَ * وَوُفِّیَتْ کُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أعْلَمُ بِمَا یَفْعَلُونَ

و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و نامه (اعمال) نهاده می شود، و پیامبران و گواهان آورده می شوند، و بینشان به حق داوری می شود درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی شوند. * و به هر شخص آنچه انجام داده است بطور کامل داده شود؛ و او نسبت به آنچه انجام دهند داناتر است.

نکات و اشارات:

۱. مقصود از روشن شدن زمین با نور پروردگار چیست؟

مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده اند:

اول آنکه منظور از نور پروردگار، همان حق و عدالت است که در رستاخیز همه جا را پرمی کند.

دوم آنکه نوری غیر از نور خورشید است که خدا در رستاخیز می آفریند.

و سوم آنکه مقصود کنار رفتن حجاب ها و ظاهرشدن حقایق امور است.

البته این تفسیرها با هم منافاتی ندارد و ممکن است همه آنها مقصود آیه باشد.

۲. هرچند که نور الهی همه جهان را فرا می گیرد ولی در این آیه به زمین اشاره شده، چراکه هدف اصلی بیان حال مردم روی زمین است.

۳. در برخی احادیث این آیه را به قیام امام عصر(عج) تفسیر کرده اند (۱) که نوعی تطبیق و تشبیه است، چراکه قیام امام مهدی«ع» نمونه ای از صحنه رستاخیز است که عدالت درهمه جاگسترده می شود. و نور الهی امامت همه جا را روشن می کند.

۴. برخی مفسران برآنند که مقصود ازگواهان رستاخیز نیکان ، پاکان عادل همه امت ها و شهیدان و امامان معصوم و فرشتگان و اعضای بدن و حتی مکان و زمان هستند ، که شاهد اعمال انسان ها بوده و در محضر خدا گواهی می دهند. (۲)

۵. هرچند که خدا از همه اعمال بندگان آگاه است اما با این حال گواهانی را در رستاخیز می آورد تا تاکیدی به عدالت او باشد و این نوعی لطف و اتمام حجّت است.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیات برای ما آن است که رستاخیز روز نورانی شدن جهان است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که در دادگاه رستاخیز، پرونده اعمال و گواهان و قاضی عادل و حق طلب، آماده (رسیدگی به اعمال شما) است.

۳. پیام دیگر آیات آن است که در رستاخیز هرکس نتیجه اعمال خود را (بصورت پاداش یا کیفر) دریافت می کند.

۴. آموزه آیات آن است که رستاخیز داوری عادل و آگاه دارد (پس مراقب اعمال خود باشید.)

ص:۷۲

۱- (۱) . نکث: صافی، نور الثقلین و نمونه ذیل آیه و بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۳۰

۲- (۲) . نمونه، ج۱۹، ص ۵۴۶ .

قیام مهدی(عج) تاویل حروف مقطعه:

قرآن کریم در آیات اول تا چهارم سوره شوری به حروف مقطعه و مسأله وحی و صفات خدای متعال اشاره می کند و می فرماید:

حم * عسق * کَذلِکَ یُوحِی إِلَیْکَ وَإِلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکَ اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ* لَهُ مَا فِی السَّماوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ

حا، میم. * عین، سین، قاف. * این چنین خدای شکست ناپذیر فرزانه به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی می کند. * آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست؛ و او بلند مرتبه [و]بزرگ است.

نکات و اشارات:

۱. حروف مقطعه، عبارت است از رموزی بین خدا و پیامبر«ص» که تفسیرهای متعددی برای آنها شده است. این حروف می تواند اشاره به آن

ص:۷۳

باشد که این قرآن معجزه آسا از همین حروف معمولی ساخته شده است اگر می توانید مثل آن را بیاورید. (۱)

۲. برخی مفسران برآنند که سوره هایی که با حروف مقطعه مشابه همدیگر شروع می شوند محتوای آنها شبیه همدیگر است یعنی ارتباطی بین حروف مقطعه و محتوای سوره وجود دارد. بطوری که محتوای سوره هایی که «الم» دارد مشابه است و محتوای سوره ای که «المص» دارد جامع میان محتوای سوره های «الم» و سوره «ص» است. (۲)

۳. حروف «حم» در هفت سوره قرآن آمده است، یعنی سوره های: مؤمن، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف.

در برخی احادیث حکایت شده که: حاء اشاره به رحمان و میم اشاره به مجید و عین اشاره به علیم و سین اشاره به قدوس و قاف اشاره به قاهر از صفات و نام های خداست. (۳)

۴. یکی دیگراز تفاسیر حروف مقطعه در ابتدای این سوره مربوط به امام مهدی(علیه السلام) می باشد. چنانچه از امام باقر(علیه السلام) روایت شده که فرمودند حم به معنای حتمی بودن است و عین عذابست و بین قحطی است از قبیل قحطی زمان حضرت یوسف(علیه السلام) و قاف عبارت است از قذف و مسخ و خسف که در آخرالزمان واقع می شود بسبب سفیانی و اصحاب او و جمع کثیری از کلب که عدد آنها سی هزار نفر است و با سفیانی خارج

۱- (۱) . در مورد حروف مقطعه ذیل آیه اول سوره بقره مطالب مبسوطی بیان کردیم

۲- (۲) . المیزان، ج ۱۸، ص ۵ - ۶

۳- (۳) . قرطبی، ج ۹، ص ۵۸۲۲ و نمونه، ج ۲۰، ص ۳۴۸.

می شوند و این قضیه در زمان قائم(عج) ما اهل بیت در مکه واقع می گردد و او مهدی این امت است. (1)

۵. خدا قرآن و همه کتاب های آسمانی را از سرچشمه قدرت و حکمت خویش نازل کرد همان خدایی که مالکیت و حاکمیت مطلق آسمان ها و زمین را دارد و بر اساس همین مالکیت سرنوشت موجودات را مشخص می سازد با حکمت خویش از طریق وحی به آنها برنامه می دهد، آری او بلند مرتبه و بزرگ است.

۶. در این آیات به پنج صفت خدا اشاره شده است که عبارتند از:

عزیز، حکیم، مالک هستی، بلند مرتبه، عظیم.

که همه این صفات با نزول وحی و قرآن در ارتباط است.

۷. واژه «کذلک» به معنای «اینچنین» است و این اشاره به حروف مقطعه است که قرآن و کتاب های آسمای دیگر با همین حروف معمولی نازل شده است یا اینکه اشاره به محتوای سوره و مطالب بلند آن است که همه جا سرچشمه وحی خداست.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیات این است که قرآن از همین حروف معمولی ساخته شده است (اگر می توانید مثل آن را بیاورید.)

۲. پیام دیگر آیات آن است که وحی جلوه ای از عزّت، حکمت، مالکیت، بلند مرتبه گی و بزرگی خداست.

۱- (۱) . تأویل الآیات الباهرات، ص ۲۶۳.

۳. پیام دیگر آیات آن است که وحی به پیامبر اسلام و پیامبران قبلی همگون بوده است.

۴. آموزه آیات آن است که وحی و صفات الهی را بشناسید (و حرکت خود را در آن راستا قرار دهید.)

ص:۷۶

جهانی سازی مهدوی:

قرآن کریم در آیه بیست و هشتم سوره فتح به پیروزی نهایی اسلام بر همه ادیان و جهانی سازی اسلامی اشاره می کند و می فرماید:

هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ كُلِّهِ وَكَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً

او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین [ها]پیروز گرداند؛ و گواهی خدا کافی است.

نکات و اشارات:

۱. در این آیه وعده پیروزی دراز مدت اسلام برجهان را می دهد، پیروزی هایی که بدنبال صلح حدیبیه یکی پس از دیگری تحقق می یابد و روشن می سازد که این صلح فتح المبین اسلام بود.

۲. در اینجا پرسشی مطرح است که پیروزی اسلام چگونه خواهد بود و چه زمانی تحقق می یابد؟!

مفسران در این مورد دوگونه پاسخ داده اند:

اول آنکه مقصود پیروزی منطقی و استدلالی اسلام برادیان دیگر است که هم اکنون تحقق یافت است.

ص:۷۷

دوم آنکه پیروزی نظامی وظاهری برادیان دیگر است که تاکنون مناطق وسیعی از جهان و بیش از یک میلیارد نفر تحت پرچم اسلام قرارگرفته اند و در آینده تمام جهان وجهانیان زیر پرچم اسلام می آیند همانطور که درآیات قرآن مکرر براین مطلب تاکید شده است. (۱) این کار در زمان امام مهدی(عجل اللّٰه تعالی فرجه الشریف) تکمیل خواهد شد و نوعی جهانی سازی اسلامی تحقق می یابد که برای بشریت نتایج مثبتی به بار می آورد.

۳. درحدیثی از پیامبر اسلام«ص» حکایت شده که: «درروی زمین خانه ای و خیمه ای باقی نمی ماند مگر آنکه خدا اسلام را در آن وارد می کند.» (۲)

۴. آیه فوق نوعی پیشگوئی پیروزی نهایی اسلام است و هر پیشگوئی نیاز به گواه وشاهد صدق دارد، ودر اینجا خدای متعال خود شاهد و گواه است. و نیاز به شاهد دیگری ندارد.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام این آیه آن است که پیروزی نهایی از آنِ اسلام است.

۲. آموزه آیه برای مسلمانان آن است که به آینده پیروزمند خویش امیداوار باشید.

۳. پیام دیگر آیه آن است که در عصر کنونی پیامبر اسلام صاحب هدایت و دین حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که گواه پیروزی اسلام، خداست.

۵. آموزه دیگر آیه آن است که بدنبال جهانی سازی اسلامی باشید.

۱- (۱) . نک: ذیل آیه ۳۳ / توبه

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۵، ص ۲۵، وقرطبی، ج۷، ص ۴۶۹۲، ونمونه، ج۲۲، ص ۱۱۲.

ندای آسمانی در هنگام قیام مهدی(عج):

قرآن کریم در آیات چهل و یکم تا چهل و چهارم سوره ق به بانگ بیـدار باش رسـتاخیز و حالات مردم در آن روز اشاره می کند و می فرماید:

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَكَانٍ قَرِيبٍ* يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ* إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ* يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعاً ذلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

و گوش فرا ده روزی که دعوت گر از مکانی نزدیک نـدا می دهد، * (همان) روزی که بانگ (بزرگ سـتاخیز) را به حق می شنونـد؛ آن روز خروج (از قبرها) است. * در حقیقت فقط ما زنـده می کنیم و می میرانیم، و فرجام (همه) تنها به سوی ماست. * روزی که زمین برآنان بشکافد، بسرعت (از آن بیرون می آیند)؛ این گرد آوری است که برای ما آسان است.

ص:۷۹

نکات و اشارات:

۱. در این آیات خطاب به پیامبر اسلام«ص» است که گوش به منادی رستاخیز دهد، ویا انتظار آن روز را بکشد (۱) ولی در حقیقت مقصود آیات همه انسان ها هستند، که منتظر حادثه وحشتناك رستاخیز باشند و دائماً گوش دهند تا صدای بانگ آسمانی رستاخیز را بشنوند.

۲. منادی روز رستاخیز یا خدای متعال است و یا اسرافیل آن فرشته بزرگ الهی است که در شیپور بیدار باش رستاخیز می دمد و بانگ آسمانی او در فضا می پیچد و از نزدیک به گوش همگان می رسد.

۳. مقصود از مکان نزدیکی که منادی رستاخیز از آن ندا می دهد، آن است که صدای او (همچون امواج رادیویی) چنان نزدیک است که گوئی در گوش انسان سخن می گوید. (۲)

۴. مقصود از بانگ آسمانی در این آیات همان بانگ دوم است که برای زنده شدن مردگان وخروج آنها از زمین به سوی صحنه رستاخیز است، آری در آن روز همه انسان ها به سوی خدا بازمی گردند.

۵. یکی از مصادیق این ندا قیام و خروج حضرت مهدی است چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر منسوب به امام صادق(علیه السلام) می گوید: امام فرمودند: «منادی صیحه حضرت قائم و نام پدرش را ندا می کند و اینکه

۱- (۱) . مقصود از گوش فرادادن در این آیات انتظار کشیدن است. (نمونه، ج۲۲، ص ۲۹۶)

۲- (۲) . البته برخی مفسران نیز گفته اند که آن مکان نزدیک، صخره بیت المقدس است (همان، ص۲۹۷)

خداوند فرموده: «یوم یسمعون الصیحهٔ بالحق ذلک یَوم الخروج» منظور صیحه از سوی آسمان بنام قائم است و آن روز خروج و ظهور است. (۱)

۶. واژه «حَشْر» به معنای گردآوری از هرسو است که دراینجا مقصود جمع کردن مردم در رستاخیز است و این کار برای خدا آسان است چون علم و قدرت بی نهایت دارد و جای همه را می داند و می تواند همگان را جمع کند.

۷. در احادیث حکایت شده که اولین کسی که زنده می شود و از قبر خارج گشته و وارد صحنه رستاخیز می شود، پیامبر اسلام«ص» است و امام علی«ع» همراه اوست. (۲)

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه چهل و یکم برای ما آن است که منتظر و گوش به بانگ رستاخیز باشید.

۲. پیام آیه آن است که ندای رستاخیز را از نزدیک خواهید شنید.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که بانگ رستاخیز حق است.

۴. پیام دیگر آیه آن است که مردم با بانگ رستاخیز زنده و از زمین خارج می شوند.

۱- (۱) . تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۳۲۷

۲- (۲) . نور الثقلین، ج۵، ص ۱۱۹.

۵. پیام آیه چهل و سوم آن است که زندگی، مرگ و بازگشت شما به سوی خداست.

۶. پیام آیه چهل و چهارم آن است که رستاخیز روز شکافته شدن زمین و شتاب مردم و جمع آوری آنان است.

۷. پیام دیگر آیه آن است که رستاخیز شما، بر خدا سخت نیست.

ص:۸۲

مهدی(علیه السلام) تکمیل کننده نور الهی:

قرآن کریم درآیه هشتم و نهم سوره صف به تلاش بیهوده کافران برای خاموش ساختن نور خدا و پیروزی نهایی دین حق اشاره می کند و می فرماید:

یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ کَرِهَ الْکَافِرُونَ* هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ

[کافران] می خواهند تا نور خدا را بادهان هایشان خاموش سازند؛ درحالی که خدا کامل کننده نور خویش است، و گرچه کافران ناخشنود باشند. * او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین[ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند.

نکات و اشارات:

۱. مضمون آیه هشتم سوره صف، در سوره توبه آیه ۳۲ و مضمون آیه نهم سوره صف در سوره توبه آیه ۳۳ و سوره فتح آیه ۲۸ تکرار شده است، هرچند که برخی نکات ریز این آیات با هم تفاوت دارد ولی پیام اصلی آیات همگون است و این مطلب نشان دهنده اهمیت این پیام است

ص:۸۳

که پیروزی نهایی اسلام برجهان و شکست نهایی کافران و مشرکان است.

آری همه توطئه های کافران همچون تهمت های آنان بر پیامبر، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه های ایجاد انحراف در جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد برمسلمانان با شکست رو بروخواهد شد و سرانجام دین حق اسلام بر جهان سایه می افکند.

۲. تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر اینکه سرانجام این دین برهمه ادیان پیروز می شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل است و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد، بنابراین یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و همه ادیان در یک زمان حق نیستند. (۱)

البته ادیان الهی هرکدام در مقطع زمانی خاص خود حق و قابل پیروی هستند اما هنگامی که پیامبر بعدی با دین کامل تر می آید، دین قبلی نسخ می شود و پیروی از دین جدید موجب نجات خواهد بود تا اینکه کامل ترین دین یعنی اسلام ظاهر شد. که دین حق نهایی است و برهمه ادیان پیروز خواهد شد.

۱- (۱) . این مطلب دیدگاه پلورالیسم دینی و صراطهای مستقیم را ردّ می کند. ذیل آیه ۸۵ / آل عمران مطالبی در این مورد بیان شد.

۳. در آیه فوق راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنائی تشبیه شده که منشأ حیات زیبائی و رشد و حرکت و آبادانی در زمین

است.

آری اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می برد وسرچشمه هر خیر و برکت است.

۴. در آیه فوق تلاش دشمنان اسلام به «فوت کردن بادهان» تشبیه شده است. یعنی آنان می خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند. و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی پایان الهی نشان می دهد.

چراغی را که ایزد برفروزد هر آنکس پُف کند ریشش بسوزد

۵. تعبیر «یُطفِئُوا» در آیه فوق در آیه ۳۲ / توبه هم آمده است اما در سوره صف همراه با«لام» آمده است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در اینجا اشاره به خاموش کردن بدون مقدمه است و در آیه هشتم سوره صف اشاره به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب است. (۱) که در هر دو صورت این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبروخواهد شد.

۶. از اینکه تعبیر «یُریدُون» در آیه فوق بصورت مضارع آمده است، نشان می دهد که خواست و توطئه های دشمنان بر ضد اسلام

۱- (۱) . مفردات، راغب اصفهانی.

ادامه خواهد داشت. (۱)

۷. مقصود از هـدایت، همان دلایل روشـنی است که در آیین اسـلام وجود دارد و مقصود از دین حق اسـلام است که اصول و فروعش حق و

تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است.

۸. اشـاره آیه فوق به همراهی پیـامبر اسـلام بـا هـدایت و دین حق، گویا اشاره به دلیل پیروزی اسـلام بر ادیان دیگر است، زیرا هنگامی که محتوای دعوت پیامبر«ص» هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می گردد.

۹. هر چنـد که دانش بشـر پیشـرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسـموم نشان می دهد، و موانع مخالفان حق برطرف می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند.

آری حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۱۰. برخی مفسران بر آنند که مقصود از پیروزی اسلام در آیه فوق پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است.

و برخی دیگر از مفسـران با استفاده از موارد استعمال ماده «اِظهار» در قرآن، برآنند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است.

۱- (۱) . ر.ک: نور، ج ۵، ص ۴۱.

اما بنظر می رسد که آیه فوق شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می شود. که درتمام جهان تحقق خواهد یافت. و این واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان بتدریج در حال تحقق است.

۱۱. در احادیث متعددی حکایت شده: وقتی محتوای آیه فوق تحقق می یابد که امام عصر و مهدی آل محمد«ص» ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق«ع» حکایت شده که: «به خدا سوگند هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم خروج کند، و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» (۱) - (۲).

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و بتدریج در حال پیشرفت و تحقق است. اما مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه فوق و پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی«ع» خواهد بود.

آموزه ها و پیام ها:

۱. پیام آیه هشتم آن است که تلاش های دشمنان اسلام نافرجام است.

۲. پیام دیگر آیه آن است که فروغ اسلام هر روز پرنورتر می شود.

۳. پیام دیگر آیه آن است که مسیر تاریخ بشریت به نفع اسلام و

۱- (۱) . عن الصادق«ع»: و اللّه ما نزل تأویلها بعد و لا ینزل تأویلها حتی یخرج القائم فاذا خرج القائم لم یبق کافر باللّه العظیم. (نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۱۱)

۲- (۲) . ر.ک: صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ و مجمع البیان، ذیل آیه و نمونه، ج ۷، ص ۳۷۳.

برخلاف اراده کافران در حرکت است.

۴. پیام آیه نهم آن است که دین حق یکی است و هر دینی غیر از اسلام باطل است.

۵. پیام دیگر آیه آن است که پیروزی نهائی و غلبه برجهان در انتظار مسلمانان است.

۶. آموزه این آیات آن است که کفر و شرک مورزید که نهایت آنها

شکست است.

ص:۸۸

امام مهدی آب حیات ملت ها:

قرآن کریم در آیات بیست و هشتم تا سی ام سوره مُلک به بی پناهی، گمراهی و ناتوانی کافران، و عدم تاثیر فوت پیامبر در سرنوشت آنان اشاره می کند و می فرماید:

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ * قُلْ هُوَ الرَّحْمنُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ * قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْراً فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَعِينٍ

بگو: «آیا به نظر شما اگر خدا من و کسانی را که با من هستند هلاک کند، یا بر ما رحم کند، پس چه کسی کافران را از عذاب دردناک پناه می دهد؟!». * بگو: «او (خدای) گسترده مهر است، به او ایمان آوردیم و فقط بر او توکّل کردیم؛ پس بزودی خواهید شناخت کسی را که او در گمراهی آشکار است!». * بگو: «آیا به نظر شما اگر آب (سرزمین) شما [در زمین] فرو رود، پس چه کسی آب روانی برای شما می آورد؟!»

نکات و اشارات:

۱. در برخی روایات تاریخی حکایت شده که کافران مکه به پیامبر اسلام«ص» و مسلمانان نفرین می کردند و تقاضای مرگ او را داشتند،

ص:۸۹

چون می پنداشتند که اگر آن حضرت از دنیا رود بساط اسلام بر چیده می شود.

اما آیه فوق به اینگونه پندارها قاطعانه پاسخ داد که مرگ و زندگی پیامبر در فرجام عذاب آلود کافران تاثیری نخواهد داشت. (۱) و سرانجام اسلام بر همه جهان پیروز می شود. آری: «گر بمیرد مصطفی هرگز نمیرد نام حق».

۲. در این آیات اشاره شده که تنها پناهگاه جهانیان خداست که باید به او ایمان آوریم و بر او تکیه و توکّل نماییم، چرا که او رحمان است و رحمتش بر تمام موجودات سایه افکنده است و همه از فیض وجودش و نعمت هایش استفاده می کنند.

۳. این آیات از طرفی نوعی دلداری به پیامبر«ص» و مسلمانان است که بدانند در مبارزه حق و باطل تنها نیستند و خدا با آنهاست. و در نهایت پیروز می شوند. و از طرف دیگر هشداری به کافران است که منتظر مرگ پیامبر یا مسلمانان نباشند چون این مطلب تاثیری در فرجام عذاب آلود آنان ندارد.

۴. در این آیات از طرفی کافران را افرادی ناتوان معرفی می کند که اگر اراده خدا مانع آبرسانی به آنها شود حتی نمی توانند آب آشامیدنی خود را تأمین سازند، و از طرف دیگر آنان را افرادی گمراه معرفی می کند

ص:۹۰

۱- (۱) . در مورد آیه ۲۸ / ملک برخی مفسران تفسیر دیگری کرده اند که به پیامبر می فرماید: بگو: ما با داشتن ایمان بین خوف و رجا هستیم پس شما کافران در مورد خود چه می اندیشید. ولی تفسیر بالا مناسب تر است (نمونه، ج ۲۴، ص ۳۵۶).

که عذاب دردناکی در انتظار آنهاست.

۵. پوسته زمین دارای دو قشر نفوذپذیر و نفوذناپذیر است که آب های سطحی و باران ها از قشر نفوذپذیر عبور می کند و در سفره های آب زیر زمینی می ماند سپس انسان ها بوسیله حفر چاه آنها را استخراج کرده و مورد استفاده قرار می دهند.

اما اگر اراده الهی چنین نبود و قشر نفوذ ناپذیری در زمین بوجود نمی آمد همه آبها به عمق زمین می رفت و قابل دسترسی نبود و هیچ آبی در سطح زمین جاری نمی شد و حیات انسان و موجودات زنده به خطر می افتاد. آری دسترسی به آب یکی از نعمت های الهی و از مظاهر رحمت اوست.

۶. در برخی احادیث از امام باقر«ع» حکایت شده که: «مقصود از آیه (آخر سوره ملک)، امام عصر(عج) است که می گوید: اگر آن امام از شما پنهان شود، نمی دانید کجاست؟ پس چه کسی برای شما امامی می فرستد که اخبار جهان و حلال و حرام الهی را برای شما بیان کند. ولی به خدا سوگند تأویل این آیه هنوز نیامده است و سرانجام خواهد آمد». (۱) البته در برخی دیگر از احادیث نیز آب جاری در آیه به معنای علم امام«ع» تأویل شده است.

البته اینگونه احادیث تأویل و باطن آیه را بیان می کند، یعنی معنای آب را به مادی و معنوی گسترش می دهد و اشاره می کند که همانطور که آب مادی مایه حیات موجودات است آب معنوی نیز مایه حیات علمی و

۱- (۱) . نک: نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۸۷.

معنوی انسان هاست.

از این رو وجود امام و علم او آب معنوی بشر است.

البته بیان تأویل و باطن آیه در روایات به معنای نفی معنای ظاهری آیه نیست.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه بیست و هشتم برای مخالفان اسلام آن است که منتظر مرگ رهبر اسلام نباشید که در سرنوشت عذاب آلود شما تاثیری ندارد.

۲. پیام آیه بیست و نهم آن است که ایمان به خدای رحمان و تکیه بر او انسان را از گمراهی آشکار نجات می دهد.

۳. پیام دیگر آیه آن است که آینده روشنگر حقایق است و گمراهی کافران را آشکار می سازد.

۴. پیام آیه سی ام آن است که انسان در برابر خدا ناتوان است بطوری که اگر خدا اراده کند نمی تواند آب آشامیدنی خود را تامین کند.

۵. پیام دیگر آیات آن است که کافران افرادی گمراهند که در برابر خدا ناتوان و بی پناه هستند.

ص:۹۲

روز قیام مهدی، روز موعود:

قرآن کریم در آیات چهلم تا چهل و چهارم سوره معارج با سوگند و تاکید به کافران در مورد تغییر اقوام در دنیا و روز هولناک رستاخیز هشدار می دهد و می فرماید:

فَلاَ أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ * عَلَی أَن نُبَدِّلَ خَیْراً مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِینَ * فَذَرْهُمْ یَخُوضُوا وَیَلْعَبُوا حَتَّی یُلاَقُوا یَوْمَهُمُ الَّذِی یُوعَدُونَ * یَوْمَ یَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعاً کَأَنَّهُمْ إِلَی نُصُبٍ یُوفِضُونَ * خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذلِکَ الْیَوْمُ الَّذِی کَانُوا یُوعَدُونَ

و سوگند یاد می کنم به پروردگار خاوران و باختران که قطعاً ما تواناییم، * بر اینکه بهتر از آنان را جایگزین کنیم؛ و ما پیشی گرفته شده (و مغلوب) نیستیم. * پس آنان را رهاکن تا (در باطل) فرو روند و بازی کنند تا اینکه روز (رستاخیز)شان را که وعده داده می شوند، ملاقات کنند. * (همان) روزی که از قبرها بسرعت خارج می شوند چنانکه گویی آنان به سوی بت های سنگی روانه می شوند؛ * در حالی که چشم هایشان (از

ص:۹۳

وحشت) فروتن است، [و]خواری آنان را فرا گرفته است! این روزی است که همواره وعده داده می شوند.

نکات و اشارات:

۱. این آیات نوعی هشدار به کافران است از این رو قدرت خدا را به رخ آنان می کشد که ما می توانیم شما را از بین ببریم و گروه بهتری را بجای شما قرار دهیم ولی نمی خواهیم بلکه خدا می خواهد شما را رها سازد تا به گناه و سرکشی ادامه دهید تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار عذاب خوار کننده شوید.

۲. طبق بعضی از روایات یکی از مصادیق روز موعود که چشمهای آنها از شدت وحشت به زیر افتاده می شود و خاضعانه نگاه می کنند و پرده ای از ذلّت بر وجود آنها احاطه پیدا می کند روز ظهور و خروج حضرت مهدی(عج) می باشد. چنانچه از امام باقر(علیه السلام) حکایت شده که می فرمایند: «منظور از یوم وعده داده شده در آیه روز خروج و ظهور حضرت قائم است.» (۱)

۳. سوگند خدا به مشرق ها و مغرب ها، برای تاکید بر مطلب است همانطور که نشان دهنده اهمیت مشرق ها و مغرب های متعدد است و به نوعی توجه انسان را به وجود مشرق ها و مغرب های متفاوت جلب می کند

ص:۹۴

۱- (۱) . تأویل الآیات الظاهره، ص ۷۲۶.

تا در مورد آنها مطالعه کند و نشانه های خدا را دریابد.

۴. مشرق به مکان طلوع خورشید و مغرب به مکان غروب آن گفته می شود که براساس حرکت زمین به دور خود بوجود می آید که هر بار یک نیمکره زمین در برابر نور خورشید قرار می گیرد از این رو با توجه به حرکت مداوم زمین، مغرب ها و مشرق های زیادی داریم که در هر سرزمین متفاوت است و نیز در طول سال تغییر می کند.

اما دو مشرق و مغرب ممتاز وجود دارد که یکی در آغاز تابستان یعنی حد اکثر اوج خورشید در مدار شمالی و یکی در آغاز زمستان در حد اقل پایین آمدن خورشید در مدار جنوبی است. از این رو گاهی قرآن به مشرق و مغرب اشاره می کند (۱) و گاهی به مشرق ها و مغرب ها، که هر دو اشاره ای علمی در بردارد.

۵. از این آیات استفاده می شود که اگر گروهی از انسان ها اهل منطق و استدلال نباشند و بر کفر و شرک لجاجت ورزند، خدا آنان را رها می کند تا در غفلت و باطل گرائی فرو روند و به بازی دنیا مشغول شوند تا رستاخیز فرا رسد و گرفتار گردند.

آری این یکی از انواع عذاب های الهی است که به نام سنت و روش مهلت دادن (امهال یا استدراج) نامیده می شود.

۶. در این آیات بیان شده که هنگام بیرون آمدن کافران از قبرها،

۱- (۱) . نک: بقره / ۱۱۵ البته این احتمال نیز هست که هرگاه مغرب و مشرق مفرد آمده است بعنوان جنس آمده است.

چند اتفاق جالب می افتد: اول آنکه آنان با سرعت می دوند، چنانکه گویی به سوی بت ها یا پرچم هایشان روان هستند. (۱)

دوم آنکه چشم هایشان (از وحشت) فروتن شده است.

سوم آنکه ذلت و خواری آنان را فرا گرفته است.

آری کسانی که در دنیا متکبر بودند و دیگران را خوار می کردند و در راه خدمت به بت ها تلاش می کردند در آخرت نیز همان راه را ادامه می دهند.

آموزه ها و پیام ها:

۱. آموزه آیه چهلم آن است که وجود مشرق ها و مغرب های متعدد با اهمیت (و قابل مطالعه) است.

۲. پیام هشدارآمیز آیه چهلم و چهل و یکم آن است که در برابر خدا سرکشی نکنید که او می تواند بهتر از شما را جایگزینتان کند.

۳. پیام آیه چهل و دوم آن است که یکی از عذاب های الهی رها کردن افراد به حال خوداست.

۴. آموزه آیه آن است که مراقب باشید در باطل فرونروید و مشغول بازی دنیا نشوید که گرفتار عذاب رستاخیز می شوید.

۵. پیام آیه چهل و سوم و چهارم آن است که رستاخیز روز شتابزدگی و خواری کافران و معاد ناباوران است.

ص:۹۶

۱- (۱) . واژه «نُصُب» به معنای چیزی است که نصب شده و از آنجا که بت های سنگی را نصب می کردند به آن نُصُب گویند و نیز به پرچم لشکر و کاروان گفته می شود (نمونه، ج ۲۵، ص ۴۹).

فصل سوم:روش شناسی روایات تفسیری آیات مهدویت

اشاره

ص:۹۷

پرسش:

در روایات تفسیری آیات مهدویت از چه روشهایی استفاده شده است؟

پاسخ: (۱)

مقدمه:

آیات مهدویت را تا حدود ۲۵۰ آیه شمرده اند، که روایاتی از شیعه و اهل سنت در مورد آنها حکایت شده است، این روایات از سه جنبه قابل بررسی است:

اول: از دیدگاه روش های تفسیری.

دوم: از دیدگاه گرایش های تفسیری.

ص:۹۹

۱- (۱) . این مبحث توسط دکتر رضائی اصفهانی در مرکز تخصصی مهدویت، تدریس شد، سپس بصورت مقاله ای در مجله «انتظار» منتشر شد و اینک با تغییراتی عرضه می شود.

سوم: از دیدگاه قواعد تفسیری.

این نوشتار بر آن است که روایات تفسیری آیات مهدویت را از دیدگاه اول مورد بررسی قرار دهد.

واژگان:

واژه های اساسی در باب «روش ها و گرایش های تفسیر قرآن» عبارتند از:

الف) روش: مقصود از «روش» استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخّصی را به دست می دهد.

به عبارت دیگر: چگونگی کشف و استخراج معانی و مقاصد آیات قرآن را، روش تفسیر قرآن گویند.

ب) تفسیر: کشف و پرده برداری از ابهامات کلمات و جمله های قرآن و توضیح مقاصد و اهداف آنهاست.

و به عبارت دیگر: مقصود از تفسیر، تبیین مراد استعمالی آیات قرآن و آشکار کردن مراد جدّی آن براساس قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است. (۱)

ج) گرایش: در اینجا مقصود از «گرایش»، تأثیر باورهای مذهبی،

ص:۱۰۰

۱- (۱) . تعریف تفسیر معمولاً در مبانی روش های تفسیری بیان می شود. و در اینجا حاصل سخن مفردات راغب اصفهانی، تاج العروس، قاموس قرآن، علّامه طباطبایی (المیزان، ج ۱، ص ۴) و سیوطی (الاتقان، ج ۲، ص ۱۹۲) و طبرسی (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳) بیان شد. در کتاب درآمدی بر تفسیر قرآن، ص ۳۵ تا ص ۳۹ دیدگاه های آنان و نیز جمع بندی آن آمده است.

کلامی، جهت گیری های عصری و سبک های پردازش و در تفسیر قرآن

است که براساس عقاید، نیازها و ذوق و سلیقه و تخصّص علمی مفسّر شکل می گیرد.

اساسی ترین تفاوت های گرایش ها و روش های تفسیری چنین است:

۱. مبحث روش ها براساس چگونگی روش کشف معنا و مقصود آیه استوار است.

۲. مبحث روش ها براساس منبع و ابزار تفسیری (همچون کاربرد عقل و روایات) شکل می گیرد.

۳. در مبحث «گرایش»ها بیشتر شخص مفسّر مطرح است؛ یعنی باورها و سلیقه ها و جهت گیری های شخص مفسّر است که به تفسیر جهت می دهد و متنی متناسب با آنها پدید می آید.

۴. در مبحث «گرایش»، متن تفسیر مطرح است که با چه اسلوبی نگارش یافته و بیشتر چه مطالب کلامی ، ادبی یا... در آن راه یافته است.

تاریخچه روش شناسی تفسیر:

الف) پیدایش و رشد :

دانش تفسیر از صدر اسلام شروع شد و خاستگاه آن وحی الهی بود که پیامبر(صلی الله علیه و آله) را مفسّر قرآن معرّفی کرد. (۱)

پیامبر(صلی الله علیه و آله) در تفسیر قرآن گاهی از خود قرآن کمک می گرفت و از

۱- (۱) . «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ». (نحل / ۴۴)

اینجا روش تفسیر قرآن به قرآن به وجود آمد. (۱) سپس اهل بیت(علیه السلام) و

صحابه به تفسیر قرآن پرداختند ، آنان علاوه بر استفاده از روش تفسیر قرآن به قرآن، از روش تفسیر روایی نیز استفاده می کردند؛ یعنی گاهی با استناد به روایات پیامبر(صلی الله علیه و آله) به تفسیر آیات قرآن می پرداختند. (۲)

در این میان گروهی نیز براساس خواسته های شخصی یا گروهی و بدون ضوابط و قراین به تفسیر و تأویل قرآن پرداختند و روش تفسیر به رأی پدید آمد که در احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) به شدّت با این روش برخورد شد و آن را ممنوع اعلام کردند. (۳)

کم کم از قرن دوم به بعد با ترجمه ی آثار و نفوذ افکار و علوم یونانیان و ایرانیان در بین مسلمانان، روش ها و گرایش های دیگری نیز پدید آمد.

از اینجا بود که مبحث های کلامی و فلسفی پیدا شد و کم کم گرایش های تفسیری کلامی شکل گرفت (۴) و هر کدام از فرقه های اسلامی مانند اشاعره و معتزله و... آیات قرآن را براساس دیدگاه ها و عقاید خود تفسیر می کردند.

در همین راستا اختلافات مذهبی که از قرن اوّل شروع شده بود با اختلافات مذاهب فقهی همراه شد و در تفسیر آیات فقهی قرآن تأثیر گذاشت.

۱- (۱) . نک: مبحث روش تفسیر قرآن به قرآن در همین نوشتار

۲- (۲) . نک: مبحث روش تفسیر روایی در همین نوشتار

۳- (۳) . نک: مبحث روش تفسیر به رأی در همین نوشتار

۴- (۴) . نک: المیزان، ج ۱، ص ۵.

سپس عرفا و متصوّفه نیز گرایش های خاصّ تفسیری پیدا کردند و روش تفسیر اشاری از قرن سوم به بعد رشد کرد.

محدّثان شیعه و اهل سنت که به نقل احادیث اکتفا می کردند روش و گرایش تفسیر روایی را شکل دادند که در مرحله ی اوّل در قرن های سوم و چهارم، تفاسیری همچون: عیّاشی ، قمی و طبرسی شکل گرفت و در مرحله ی دوم در قرن دهم تا یازدهم، تفاسیری همچون درّالمنثور سیوطی ، البرهان و نورالثقلین ظهور کرد.

در این میان بعد از مرحله ی اوّل تفسیرهای روایی، تفاسیر فقهی شروع شد که نوعی تفسیر موضوعی قرآن با گرایش آیات الاحکام بود. و پس از شکل گیری تفاسیری همچون: احکام القرآن حصّاص حنفی (... - ۳۷۰ ق) و احکام القرآن منسوب به شافعی (... - ۲۰۴ ق) تفسیر نویسی فقهی در قرن های بعدی ادامه یافت که احکام القرآن راوندی (... - ۵۷۳ ق) از آن نمونه است. در قرن پنجم و ششم تفاسیر جامع و اجتهادی همچون: تبیان و مجمع البیان شکل گرفت که با استفاده از اجتهاد و عقل و توجّه به همه ی جوانب تفسیر، شیوه ی جدیدی در تفسیر بنیان نهاده شد که هنوز هم این شیوه متداول است.

پس از این مرحله، برخی از فلاسفه نیز اقدام به نگارش تفسیر کردند و در یک قرن اخیر نیز روش ها و گرایش های دیگری همچون روش تفسیر علمی و گرایش اجتماعی، به وجود آمد و رشد کرد. (۱)

ص:۱۰۳

۱- (۱) . در مورد هر یک از این گرایش ها و روش ها به مبحث مورد نظر در همین نوشتار مراجعه شود.

ب) نگارش در زمینه ی روش ها و گرایش ها:

از قدیمی ترین کتاب ها در این زمینه کتاب «طبقات المفسّرین»

جلال الدّین سیوطی (۸۸۹-۹۱۱ ق) است که شرح حال مفسّران و آثار آنان است و هر چند که مستقیم به بحث روش ها و گرایش های تفسیری نپرداخته است ولی برای این بحث مفید و قدیمی ترین منبع آن به شمار می آید.

سپس کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» از مستشرق مشهور، «گلدزیهر» به رشته ی تحریر در آمده، توسط دکتر «عبدالحلیم النجار» به عربی ترجمه شده است. پس از آن، کتاب «التفسیر و المفسّرون» دکتر ذهبی از مهم ترین منابع این بحث به شمار می رود، گرچه بیشتر به گرایش های تفسیری پرداخته است.

دیگر آثار مدوّن در زمینه ی روش ها و گرایش های تفسیری، کتاب ارزشمند: «التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب» از آیت اللّه معرفت است، که تحت عنوان «الوان» تفسیری مطالب متنوعی در زمینه ی گرایش ادبی، اجتماعی، علمی و... آورده اند.

و بالاخره کتاب «مبانی و روش های تفسیر قرآن» از استاد عمید زنجانی، حاوی مطالبی در موضوع روش های تفسیری است ولی به بحث گرایش ها توجّه چندانی نشده است و نیز کتاب منطق تفسیر قرآن (روشها و گرایشهای تفسیر قرآن) از نگارنده و کتاب روشها و گرایشهای تفسیری از حسین علوی مهر و کتاب روشهای تفسیری دکتر مودب قابل ذکر است.

ص:۱۰۴

البته برخی کتاب ها هم از زاویه ی خاص به بحث روش ها یا گرایش ها پرداخته اند:

همچون: «اتجاهات التفسیر فی مصر الحدیث، دکتر عفت محمد

شرقاوی مصری؛ کتاب «طبرسی و مجمع البیان» از دکتر حسین کریمیان؛ کتاب «روش تفسیری علّامه طباطبایی (ره) در المیزان» از علی آلوسی؛ کتاب «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» از دکتر احمد عمر ابو حجر؛ کتاب «در آمدی بر تفسیر علمی قرآن» از نگارنده که در مورد روش تفسیر علمی و معیارهای آن مطالبی بیان شده است و نیز کتاب های دیگری در مورد روش تفسیری شیخ محمد عبده ، رشید رضا ، فخر رازی و زمخشری نوشته شده است.

تقسیمات روش های تفسیر قرآن:

صاحب نظران در مورد روش ها، تقسیمات متعددی ارائه کرده اند، از جمله گلدزیهر مستشرق مجارستانی (۱۸۵۰ - ۱۹۲۱ م) در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی، و دکتر ذهبی در کتاب التفسیر و المفسرون و آیت الله معرفت در کتاب التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب و نیز استاد عمید زنجانی در کتاب مبانی و روش های تفسیر قرآن و خالد عثمان السبت در کتاب قواعد التفسیر و محمد حسین علی الصغیر در کتاب دراسات قرآنیه، المبادی العامهٔ لتفسیر القرآن الکریم، و خالد عبدالرحمن العک در

ص:۱۰۵

کتاب اصول التفسیر و قواعده. (۱)

اما در اینجا ما روش های تفسیری را براساس منابع مورد استفاده در تفسیر به شش روش تقسیم می کنیم تا جایگاه روش و گرایش در روایات تفسیری مهدویت بخوبی روشن شود.

اول: روش های تفسیری:

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن.

۲. روش تفسیر روایی.

۳. روش تفسیر علمی.

۴. روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی ...)

۵. روش تفسیر عقلی.

۶. روش تفسیر به رأی (باطل و غیرصحیح)

۷. روش تفسیر جامع اجتهادی (که شامل همه روش های تفسیری غیر از تفسیر به رأی است)

روایات تفسیری مهدویت از میان روش های تفسیری به روش تفسیر اشاری (باطنی و عرفانی) توجه ویژه ای داشته است که این جهت گیری در روایات بخوبی نمایان است البته در این روایات از روش های دیگر تفسیری نیز استفاده شده است. (نمونه های آنها بزودی ذکر می شود)

ص:۱۰۶

۱- (۱) . نک: کتاب های فوق و نیز کتاب درسنامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از نگارنده، ص ۳۹ - ۴۶ که این تقسیمات را نقد و بررسی کرده ایم.

پیشینه روایات تفسیری مهدویت:

اشاره

در مورد احادیث مربوط به آیات مهدویت، کتاب های زیادی نگارش یافته که گاهی یک سوره (مثل والعصر) و گاهی تا ۲۶۰ آیه را در مورد امام عصر(عج) دانسته اند و روایات مربوط به آنها را جمع آوری کرده اند. (مثل معجم الاحادیث الامام المهدی، شیخ علی کورانی)

از قدیمی ترین کتاب ها در این زمینه المحجهٔ فی ما نزل فی القائم

الحجهٔ، سید هاشم بحرانی (م ۱۱۰۷ ق) و جلد ۱۳ بحارالانوار علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ق) است.

اینک تعدادی از این کتاب ها را معرفی می کنیم:

۱. المحجهٔ فیما نزل فی القائم الحجهٔ، سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق)، ترجمه / سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، مهدی حائری قزوینی، تهران، ۱۳۷۴، آفاق.

*** ۱۲۰ آیه را به ترتیب نزول جمع کرده و روایات آنها ***

۲. امام مهدی از دیدگاه قرآن و عترت و علائم بعد از ظهور، محمدباقر مجلسی (۱۰۳۷)، قم، قلم، ترجمه علی دوانی.

*** گزیده کتاب مهدی موعود (جلد ۱۳ بحار) است ***

۳. ملاحم القرآن، ابراهیم انصاری زنجانی، ۱۴۰۰ ق، عربی، چاپ مولف.

*** پیش گویی های قرآن در مورد نشانه های ظهور و روایات... ***

۴. طریق الی المهدی(عج) المنتظر، سعید ایوب، بیروت / الغدیر، ۱۹۹۸ م، عربی.

*** آینده و ظهور مهدی و اخبار غیبی قرآن در این مورد ***

ص:۱۰۷

۵. المهدی فی القرآن (موعود قرآن)، سید صادق حسینی شیرازی، موسسه امام مهدی(عج)، تهران، ۱۳۶۰ ه- . فارسی و عربی.

*** ۱۹۰ آیه در مورد امام عصر(عج) از منابع اهل سنت ***

۶. سوره و العصر، حضر امام زمان(عج) است، عباس راسخی نجفی، قیام قم / ۱۳۷۲ فارسی.

۷. المهدی الموعود فی القرآن الکریم، محمدحسین رضوی،

دارالهادی، ۲۰۰۱ عربی.

۸. حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) از دیدگاه قرآن و عترت، محمود شریعت زاده خراسانی، ۱۳۷۹، فارسی، دارالصادقین.

*** مجموعه آیات قرآن درباره مهدی(عج) با روایات آمده است ***

۹. مصلح مقتدر الهی کیست؟، سید علی اکبر شعفی، ۱۳۴۲، اصفهان.

۱۰. پور پنهان در افق قرآن حضرت مهدی(عج)، جعفر شیخ الاسلامی، تهران، یکان، ۱۳۷۸ ش.

۱۱. غریب غیبت در قرآن، محمدحسین صفاخواه، تهران، آمه.

۱۲. اثبات مهدویت از دیدگاه قرآن، علی صفئی کاشانی، ۱۳۷۶، تهران، مفید.

۱۳. قاطع البیان فی الایات الموولهٔ بصاحب الزمان(عج)، فضل الله عابدی خراسانی، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.

*** ۲۰۲ آیه را تاویل و تطبیق کرده است ***

۱۴. القرآن یتحدث عن الامام المهدی(عج)، مهدی حسن علاء الدین، دارالاسلامیه، بیروت.

ص:۱۰۸

۱۵. ثورة المواطئن للمهدی(عج)، مهدی حمد فتلاوی، ۱۹۹۳ م، دارالبلاغه، بیروت.

*** بشارت های قرآنی و نبوی در مورد انقلاب مهدی(عج) ***

۱۶. مهدی(عج) در قرآن، رضا فیروز، ۱۳۷۸، تهران، رایحه.

۱۷. مهدویت از نظرقرآن و عترت، خیرالله مردانی، تهران، آیین جعفری، ۱۴۰۱.

۱۸. چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضایل حضرت ولی عصر(عج)،

مسجد جمکران، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۸.

*** چهل آیه و روایات مربوطه ***

۱۹. سیمای مهدویت در قرآن، محمدجواد مولوی نیا، قم، امام عصر(عج)، ۱۳۸۱.

۲۰. الآیات الباهرة فی بقیـة العترة الطاهرة او تفسـیر آیات القرآن فی المهدی صاحب الزمان(عج)، تهران، بعثت، ۱۴۰۲ ق، سید داود میرصابری.

۲۱. سیمای امام زمان(عج) در آیینه قرآن، علی اکبر مهدی پور.

*** ۱۴۰ آیه را جمع کرده است ***

۲۲. موسوعة المصطفی و العترة (۱۶) المهدی المنتظر، حسین شاکری، نشر الهادی، ۱۴۲۰.

*** ۱۴۴ آیه را با روایات آورده است ***

۲۳. الامام المهدی فی القرآن و السنة، سعید ابومعاشر، ۱۴۲۲ ق، آستان قدس.

ص:۱۰۹

*** کل آیات طبق سوره ها تا آخر قرآن مع روایات ***

۲۴. معجم احادیث الامام المهدی(عج)، موسسه المعارف الاسلامیه، الجزء الخامس، الآیات المفسر.

*** تحت اشراف شیخ علی الکورانی، ۱۴۱۱ ق، ۲۶۰ آیه را جمع کرده است ***

۲۵. مهدی در قرآن، محمد عابدین زاده، بنیاد تهران.

*** ۴۰ آیه ***

۲۶. سیمای نورانی امام زمان(عج) در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری.

۲۷. سیمای حضرت مهدی(عج) در قرآن، سید جواد رضوی، چاپ موعود.

۲۸. جلد سیزدهم بحارالانوار، علامه مجلسی، (م ۱۱۱۱ ق) که به فارسی نیز ترجمه شده و بسیاری از آیات و روایات مهدویت را جمع آوری کرده است.

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن:

روش تفسیر قرآن به قرآن عبارت است از «تبیین معانی آیات قرآن و مشخص ساختن مقصود و مراد جدی از آنها به وسیله و کمک آیات دیگر» به عبارت دیگر «قرآن را منبعی برای تفسیر آیات قرآن قرار دادن.»

تفسیر قرآن به قرآن یکی از کهن ترین روش های تفسیر قرآن است و

ص:۱۱۰

سابقه ی آن به صدر اسلام و زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) باز می گردد. سپس این روش توسط اهل بیت (علیه السلام) ادامه یافت و برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استفاده کرده اند. اینک به مثال های زیر توجّه کنید:

۱. از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در مورد مقصود از «ظلم» در آیه «لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُم بِظُلْم» (۱)پرسش شد، و حضرت با استناد به آیه «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (۲)پاسخ دادند که مقصود از ظلم در آیه اول همان شرک است که در آیه دوم بیان شده است. (۳)

این حدیث و احادیث مشابه نشان می دهد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کرده و عملاً آن را به پیروان خود می آموخته اند.

۲. امام علی (علیه السلام) با استناد به آیه «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» (۴)و آیه «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْراً» (۵)نتیجه گرفتند که کوتاه ترین مدت بارداری زنان شش ماه است. (۶) یعنی اگر شیر خواری کودک دوسال است (یعنی ۲۴ ماه) و مدت حمل و شیر خواری با همدیگر سی ماه است. و این دو آیه را

۱- (۱) . انعام / ۸۲.

۲- (۲) . لقمان / ۱۳

۳- (۳) . فقالوا: أیّنا لم یظلم نفسه ، ففسّره النّبی - صلی الله علیه وآله - بالشرک و استدلّ بقوله تعالی «ان الشرک لظلم عظیم» صحیح بخاری، کتاب تفسیر قرآن، و تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۹۵

۴- (۴) . لقمان / ۱۴

۵- (۵) . احقاف / ۱۵

۶- (۶) . تفسیر صافی، ج ۵، ص ۱۴ (ذیل آیات ۱۵ - ۱۶، سوره ی احقاف): تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۲، ص ۴۴۵ از صحابه نقل می کند.

کنار همدیگر بگذاریم، روشن می شود که کوتاه ترین مدت بارداری شش ماه است. و این نوعی تفسیر قرآن به قرآن است.

۳. دکتر ذهبی با بیان مثالی از ابن عباس بیان می کند که صحابه پیامبر از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده می کردند. (۱)

۴. مرحوم طبرسی در مجمع البیان مطالبی از تفسیر قرآن به قرآن

تابعین را آورده است. (۲)

در دوره های بعدی با پیدایش تفاسیری همچون تبیان و مجمع البیان، مفسّران از این روش استفاده کردند، و در میان اهل سنت نیز مفسّران متعددی به سوی این روش رفتند بطوری که برخی از آنان نوشتند: «اگر کسی بپرسد که بهترین روش تفسیر چیست؟ جواب آن است که صحیح ترین روش تفسیر قرآن به قرآن است. پس آنچه که در جایی مجمل آمده در جای دیگر تفسیر شده است و آنچه در موضعی مختصر آمده است در موضع دیگر توسعه داده شده است.» (۳)

برخی محدّثان بزرگ شیعه همچون علّامه مجلسی(ره) در بحارالانوار با آوردن آیات قرآن که در ابتدای هر فصل، متناسب با موضوع آن، دسته بندی شده، در حقیقت از روش موضوعی تفسیر قرآن به قرآن استفاده نموده است. سپس در میان مفسّران قرن اخیر، این روش جایگاه

۱- (۱) . التفسیر و المفسّرون، ج ۱، ص ۴۱

۲- (۲) . نک: مجمع البیان، ج ۱ ، ص ۴۷۸، ذیل آیه ی ۱ سوره غاشیه (چاپ قاهره ۱۳۷۹)

۳- (۳) . مقدمهٔ فی اصول التفسیر، ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸ ه-) ، ص ۹۳، «فالجواب إنّ أصح الطرق فی ذلک، أن یفسّر القرآن بالقرآن».

ویژه ای پیدا کرد به طوری که برخی تفسیرها همچون المیزان (علّامه طباطبایی) و تفسیر الفرقان (دکتر محمد صادقی تهرانی) و تفسیر القرآنی للقرآن (عبدالکریم خطیب) و آلاء الرحمن (بلاغی) این روش را روش اصلی خود قرار دادند.

علّامه طباطبایی معتقد است که قرآن بیان همه چیز است پس نمی تواند بیان خودش نباشد. پس در تفسیر آیات باید به سراغ خود آیات

قرآن برویم و در آنها تدّبر کنیم و مصادیق آنها را مشخص سازیم و تفسیر قرآن به قرآن کنیم.

و نیز ایشان بر آن است که تفسیر قرآن به قرآن همان روشی است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیه السلام) در تفسیر پیموده اند و تعلیم داده اند و در روایاتشان به ما رسیده است. (۱)

در کتاب هایی که در مورد شیوه ی تفسیر نگارش یافته، به روش تفسیر قرآن به قرآن پرداخته و آن را تبیین کرده و نسبت به آن سفارش کرده اند.

از جمله این افراد آیهٔ الله معرفت، استاد عمید زنجانی و عبدالرحمن العک را می توان نام برد. (۲)

در احادیث تفسیری مهدویت نیز در موارد متعددی از شیوه تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است از جمله:

۱- (۱) . نک: تفسیر المیزان، ج ۱، صص ۱۴-۱۵ (از مقدمه تفسیر نقل به مضمون کردیم و کلام ایشان را به طور کامل در دیدگاه ها خواهیم آورد)

۲- (۲) . نک: التفسیر و المفسّرون فی ثوبهٔ القشیب، ج ۲؛ مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۲۸۷؛ و اصول التفسیر و قواعده، ص ۷۹.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ * وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَاللَّیْلِ إِذَا یَغْشَاهَا * وَالسَّماءِ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا * وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَن زَکَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا * کَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا * إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا * فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْیَاهَا * فَکَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَیْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا * وَلَا یَخَافُ عُقْبَاهَا؛ (۱)به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز، سوگند

به خورشید و (تابش) نیمروزش! سوگند به ماه هنگامی که در پی آن در آید! سوگند به روز هنگامی که آن را آشکار سازد! سوگند به شب هنگامی که آن را فراگیرد! سوگند به آسمان و آنکه آن را بنا کرد! سوگند به زمین و آنکه آن را گستراند! سوگند به نفس و آنکه آن را مرتب ساخت! و بد کاریش و پارسایی اش را به او الهام کرد، که بیقین کسی که آن را [پاک کرد و] رشد داد رستگار (و پیروز) شد. و بیقین کسی که آن (نفس را با گناه آلوده کرد و) پوشاند، نومید شد! (قوم) «ثمود» بخاطر طغیانش (پیامبرش را) تکذیب کردند، آنگاه که بدبخت ترین شان برانگیخته شد؛ و فرستاده خدا به آنان گفت: «ماده شتر (معجزه آسای) خدا و آبشخور آن را (واگذارید.)» و او را تکذیب کردند و آن را پی کردند؛ پس پروردگارشان به سبب پیامد [گناه] شان آنان را هلاک ساخت و آنها را (با خاک) یکسان کرد! در حالی که از فرجام آنها نمی ترسد.»

الامام الصادق(علیه السلام): «والشمس وضحیها: الشمس، أمیر المؤمنین(علیه السلام)، و

ص:۱۱۴

۱- (۱) . شمس / ۱ - ۱۵.

ضحیها: قیام القائم(علیه السلام)، لأن الله سبحانه قال: و أن یحشر الناس ضحی.

والقمر اذا تلیها: الحسن والحسین(علیه السلام).

والنهار اذا جلیها: هو قیام القائم(علیه السلام).

واللیل اذا یغشیها: حبتر (و دولته قد غشی) علیه الحق.

و أما قوله: والسماء و ما بنیها، قال: هو محمد علیه و آله السلام، هو السماء الذی یسموا الیه الخلف فی العلم.

و قوله: کذبت ثمود بطغویها، قال: ثمود رهط من الشیعه، فان الله سبحانه یقول: و أما ثمود فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی فأخذتهم صاعقهٔ العذاب الهون، و هو السیف اذا قام القائم(علیه السلام).

و قوله تعالی: فقال لهم رسول الله، هو النبی(صلی الله علیه و آله).

ناقهٔ الله و سقیاها: قال الناقهٔ الامام الذی (فهم عن الله و فهم عن رسوله) و سقیاها: أی عنده مستقی العلم.

فکذبوه فعقروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها: قال: فی الرجعهٔ. و لا یخاف عقبیها: قال: لایخاف من مثلها اذا رجع.» (۱)

ص:۱۱۵

۱- (۱) . تأویل الآیات: ج- ۲ ص- ۸۰۳ ح- ۱ - ما وراه علی بن محمد، عن أبی جمیلهٔ، عن الحلبی، ورواه (أیضاً) علی بن الحکم، عن أبان بن عثمان، عن الفضل بن العباس، عن أبی عبدالله(علیه السلام)، أنه قال: - إثبات الهداهٔ: ج- ۳ ص- ۵۶۶ ب- ۳۲ ف- ۳۹ ح- ۶۶۰ - مختصراً عن تأویل الآیات. الإیقاظ من الهجعهٔ: ص- ۲۹۸ - ۲۹۹ ب- ۹ ح- ۱۳۰ - بعضه، کما فی تأویل الآیات عن الکراجکی فی کنز الفوائد، و لعل مراده کنز جامع الفوائد الذی هو مختصر تأویل الآیات. البرهان: ج- ۴ ص- ۴۶۷ ح- ۱۱ - عن تأویل الآیات. المحجهٔ: ص- ۲۵۱ - کما فی تأویل الآیات عن محمد بن العباس. البحار: ج- ۲۴ ص- ۷۲ ب- ۳۰ ح- ۶ - عن تأویل الآیات بتفاوت یسیر. و فی: ج- ۵۳ ص- ۱۲۰ ب- ۲۹ ح- ۱۵۵ - بعضه عن تأویل الآیات. مقدمهٔ تفسیر مرآهٔ الانوار و مشکوهٔ الأسرار: ص- ۲۰۰ - بعضه، مرسلاً عن الحلبی. و فی: ص- ۳۱۶ - بعضه، مرسلاً عن الحلبی، و الفضل بن العباس.

تـذکر: این روایت در بـاب تفسـیر قرآن به قرآن بسـیار جالب است و به چنـد شـیوه فرعی تفسـیر قرآن به قرآن که در عصـر ما مفسران از آنها استفاده می کنند اشاره کرده است، از جمله:

۱. اسـتفاده از شـیوه عام تفسیر قرآن به قرآن برای تفسـیر آیه «وَالشَّمْسِ وَضُـحَاهَا» (شمس / ۱) که با اسـتناد به آیه «أَن یُحْشَرَ النَّاسُ ضُـحیً» (طـه / ۵۹) تفسـیر شـده است. یعنی برای آنکه ثـابت کنـد مقصـود از نـور خورشـید در این آیه نـور قیـام امـام عصر(عج) است که پرتوی از نور

خورشـید ولایت امام علی(علیه السلام) است، به آیه «۵۹ / طه» اسـتناد کرده است که مردم در روزی گرد می آینـد که نورانی است.

هر چند ممکن است این آیه اشاره به باطن آیه باشد ولی برای بیان آن از روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده شده است.

۲. استفاده از شیوه تطبیق بر مصادیق جدید:

در این روایت مکرر ظواهر آیه بر مصادیق جدید استفاده شده است یعنی با استفاده از قاعده «جری و تطبیق» (۱) «قوم ثمود» را بر گروهی از شیعه تطبیق کرده و «رسول الله» را که در ظاهر آیه مقصود حضرت صالح(علیه السلام) است بر پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) تطبیق کرده است.

ص:۱۱۶

۱- (۱) . قاعده جری و تطبیق را در روایات تفسیری مهدویت در قسمت سوم این سلسله مقالات توضیح خواهیم داد.

۳. در این روایت آسمان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) و شمس را به حضرت علی(علیه السلام) و قمر را به امام حسن و امام حسین(علیه السلام) معرفی کرده است که نوعی بیان بطن آیه است که در بخش تفسیر اشاری (باطنی) توضیح خواهیم داد. که، براساس برخی معانی بطن قرآن، نوعی اخذ قاعده کلی و بیان مصادیق جدید آن است.

البته نکات این سوره و این بسیار است که به همین اندازه اکتفا می کنیم.

«اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلاَ غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ؛ (۱)خدا نورِ آسمان ها و زمین است؛ مثال نور او همانند چراغدانی است که در آن چراغی باشد، که [آن] چراغ در بلوری است - [آن] بلور چنانکه گویی سیاره ای درخشان است - (و این چراغ با روغنی) از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی و نه غربی است، افروخته می شود؛ نزدیک است روغنش روشنی بخشد، و گر چه هیچ آتشی بدان نرسیده باشد. (این) نوری است بر فراز نور، خدا هر کس را بخواهد (و شایسته بداند) به نور خود راهنمایی می کند؛ و خدا برای مردم مَثل ها می زند و خدا به هر چیزی داناست.»

ص:۱۱۷

۱- (۱) . نور / ۳۵.

أمیر المؤمنین: «النـور: القرآن، والنـور اسم من أسـماء الله تعـالی، و النـور النوریـة، و النور ضوء القمر، والنور ضوء المؤمن و هو الموالات التی یلبس لها نورا یوم القیامـة و النور فی مواضع من التوارة و الإنجیل و القرآن حجة الله علی عباده، و هو المعصوم... فقـال تعـالی «وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُوْلئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» فالنور فی هـذا الموضع هو القرآن، و مثله فی سورة التغابن قوله تعالی: «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنزَلْنَا» یعنی سـبحانه القرآن و جمیع الأوصـیاء المعصومین، من حملـة کتاب الله تعالی، و خزانه، و تراجمته، الـذین نعتهم الله فی کتابه فقال: «وَمَا یَعْلَمُ تَأْوِیلَهُ إِلَّا اللّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ یَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ کُلٌّ مِنْ عِندِ رَبِّنَا» فهم المنعوتون الـذین أنـار الله بهم البلاد، و هـدی بهم العباد، قال الله تعالی فی سورة النور «اللَّهُ نُورُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْـکَاةٍ فِیهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِی زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ کَأَنَّهَا کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ...» إلی آخر الآیة، فالمشـکاة رسول الله(صلی الله علیه و آلـه) و المصـباح الوصـی، و الأوصـیاء(علیه السـلام) و الزجاجـة فاطمـة، و الشـجرة المبارکـة رسـول الله(صـلی الله علیه و آله) و الکوکب الدری القائم المنتظر(علیه السلام) الذی یملأ الأرض عدلا» (1)

ص:118

1- (1) . تفسـیر النعمـانی: - علی مـا فی المحکم و المتشابه. المحکم و المتشابه: ص- 4 والمتـن فی ص- 25 - قال أبو عبـدالله محمـد بن إبراهیم بن جعفر النعمانی فی کتابه فی تفسـیر القرآن:] حدثنا [أحمد بن محمد بن سـعید بن عقدة قال: حدثنا جعفر بن أحمد بن یوسف بن یعقوب الجعفی، عن إسـماعیل بن مهران، عن الحسین بن علی بن أبی حمزة، عن أبیه، عن إسماعیل بن جابر قال: سـمعت أبا عبـدالله جعفر بن محمد الصادق(علیه السـلام) یقول: - فی حدیث طویل، عن أنواع آیات القرآن یبلغ نحو 128 صفحه، روی فیه الإمام الصادق(علیه السلام)، مجموعة أسئلة لأمیر المؤمنین(علیه السلام)، عن آیات القرآن و أحکامه، جاء فیها. و سألوه صـلوات الله علیه، عن أقسام النور فی القرآن، فقال: - البحار: ج- 93 ص- 3 ب- 128 و المتن فی ص- 20 - عن المحکم و المتشابه بتفاوت یسیر.

بررسی: در این روایت «نور» را به خدا تفسیر کرده که ظاهر آیه است سپس با کمک آیات دیگر آن را به «قرآن» و «معصومین» تفسیر کرده است یعنی از نوعی تفسیر قرآن به قرآن برای روشن کردن معنای آیه استفاده شده است.

البته نور دارای مراتبی است که بالاترین مرتبه آن نور الهی، سپس نور قرآن و اهل بیت(علیه السلام) هستند که پرتوی از نور الهی و مایه روشنی راه و هدایت مردم هستند.

البته اینگونه احادیث برای جلوگیری از تجسیم نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی و حتی علمی نیز دارد که در مباحث بعدی روشن می شود.

تذکر: البته اینگونه احادیث تفسیر قرآن به قرآن در روایات مهدویت متعدد است از جمله ذیل آیه نازعات / ۶ و ۷ (۱) و...

۲. روش تفسیر روائی:

مقصود از روش تفسیر روائی آن است که مفسر قرآن از سنت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) (که شامل قول، فعل و تقریر آنها می شود) برای روشن کردن مفاد آیات و مقاصد آنها استفاده کند. (۲)

سیر تاریخی تفسیر روایی را می توان به چند دوره تقسیم کرد:

۱- (۱) . نک: معجم احادیث الامام المهدی(علیه السلام)، ج ۵، ص ۴۷۶

۲- (۲) . البته گاهی از روش تفسیر روائی با عنوان «تفسیر نقلی و مأثور» یاد می شود و آن را اعم از تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن براساس سخنان صحابه و تابعین می شمارند. (نک: التفسیر و المفسرون، معرفت، ج ۲، ص ۲۱)

الف) دوران پیامبر(صلی الله علیه و آله):

تفسیر روایی قرآن، همزاد وحی است. چرا که اولین مفسّر قرآن پیامبر(صلی الله علیه و آله) است که خدای متعال به او دستور بیان و تفسیر قرآن داد و فرمود: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (۱)

«و این ذکر (قرآن) را به سوی تو فرستادیم تا برای مردم آنچه را که به سوی آنان فرو فرستاده شده است، روشن بیان کنی.»

البته سنّت پیامبر(صلی الله علیه و آله) و بیان او نیز ریشه در وحی داشت، چنان که از آن حضرت حکایت شده که فرمود: «آگاه باشید که به من قرآن داده شده و نیز مثل آن همراه آن» (به من داده شده است). (۲)

و صحابیان با رجوع به ایشان تفسیر قرآن را می آموختند. گاهی پای سخنان او می نشستند و معانی و تفسیر قرآن را فرا می گرفتند.

از ابن مسعود حکایت شده که: «همیشه هر فرد از ما هنگامی که ده

آیه قرآن را می آموخت، از آنها عبور نمی کرد تا این که معانی و (روش) عمل بدانها را آموخت». (۳)

گاهی اصحاب پیامبر(صلی الله علیه و آله) از ایشان مطالب را می پرسیدند و حتی دوست داشتند که عرب های بیابانی بیایند و پرسشی بکنند و آنان گوش دهند. (۴)

گاهی هم عمل پیامبر (صلی الله علیه و آله) را مفسّر آیات قرآن قرار می دادند ، همان

۱- (۱) . نحل / ۴۴

۲- (۲) . ألا وانّی أوتیت القرآن و مثله معه»؛ الاتقان، ج ۴ ص ۱۷۴

۳- (۳) . تفسیر طبری، ج ۱، ص ۲۷-۲۸ و ص ۳۰

۴- (۴) . المعیار والموازنهٔ، اسکافی، ص ۳۰۴؛ التفسیر و المفسّرون، آیهٔ الله معرفت، ج ۱، ص ۱۷۵.

طور که خود ایشان حکایت شده که در مورد نماز فرمودند: «نماز بگذارید همان طور که می بینید من نماز می گزارم». (۱)

یا در مورد حج حکایت شده که فرمود: «مناسک و اعمال خود را از من بگیرید.» (۲)

که در این صورت افعال پیامبر(صلی الله علیه و آله) در نماز و حج تفسیر جزییات آیات صلوة و حج بود.

از امام صادق(علیه السلام) حکایت شد که فرمود:

«إنّ اللّه انزل علی رسوله الصلوة و لم یسمّ لهم: ثلاثاً و لا أربعاً، حتّی کان رسول اللّه(صلی الله علیه و آله) هوالذی فسّر ذلک لهم».

«خدا (دستور) نماز را بر رسولش نازل کرد ولی برای مردم مشخص نکرد که سه یا چهار رکعت است تا این که پیامبر(صلی الله علیه و آله) این مطلب را برای مردم تفسیر کرد.» (۳)

آری پیامبر(صلی الله علیه و آله) مطالب کلی قرآن (همچون نماز، روزه، حج و...) را

توضیح می دادند. و نیز موارد تخصیص عمومات و تقیید مطلقات آیات را تبیین، و اصطلاحات جدید، لغات قرآن، و ناسخ و منسوخ آیات را توضیح می دادند. و همه ی اینها تفسیر قرآن بود که در روایات و سنّت پیامبر(صلی الله علیه و آله) برای ما حکایت شده است و به عنوان منابع تفسیر روایی باقی مانده است. (۴)

۱- (۱) . صلّوا کما رأیتمونی اصلّی؛ بحار الانوار، علّامه مجلسی، ج ۸۵، ص ۲۷۹

۲- (۲) . خذوا عنّی مناسککم» (این روایت را با این لفظ نیافتیم اما مضمون آن در بحار، ج ۲۸، ص ۹۵ و ج ۳۷ ص ۱۱۵ آمده است)

۳- (۳) . کافی، ج ۱، ص ۲۸۶؛ عیّاشی، ج ۱ ص ۲۴۹ - ۲۵۱؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۴۹؛ التفسیر و المفسّرون، معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱

۴- (۴) . برای اطلاع از احادیث تفسیری پیامبر(صلی الله علیه و آله) نک: الاتقان، ج ۴، ص ۱۸۰ و ص ۲۱۴ - ۲۵۷ و نیز التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب، آیت الله معرفت، ج ۱، ص ۱۸۱ - ۱۹۹.

ب) دوران اهل بیت(علیه السلام):

شیوه ی تفسیر روایی در عصر امامان(علیه السلام) نیز ادامه داشت.

امام علی(علیه السلام) که شاگرد ارشد پیامبر(صلی الله علیه و آله) در تفسیر بود، (۱) سخنان و توضیحات آن حضرت را شنیده بود و حکایت می کرد.

همان طور که امامان اهل بیت(علیه السلام) نیز همین روش را دنبال کرده، احادیث تفسیری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و امام علی(علیه السلام) را برای مردم حکایت نموده، و بدان ها استدلال می کردند. تعداد این احادیث که با واسطه اهل بیت(علیه السلام) حکایت شده، به هزاران روایت می رسد. (۲)

البته اهل بیت(علیه السلام) از آنجا که آگاه به علوم الهی بودند خود نیز اقدام به تفسیر قرآن می کردند و سخنان و سنّت آنان نیز منبعی برای تفسیر است. و این احادیث جزیی از تفسیر روایی به شمار می آید.

شخصی در مکه، خدمت امام رضا(علیه السلام) رسید و گفت: شما از کتاب خدا چیزی تفسیر می کنی، که تاکنون شنیده نشده باشد؛

امام فرمود: قرآن قبل از این که بر مردم نازل شود بر ما نازل شده و قبل از این که برای مردم تفسیر شود، برای ما تفسیر شده است؛ حلال و

ص:۱۲۲

۱- (۱) . این مطلبی است که دکتر ذهبی، در التفسیر و المفسّرون ، ج ۱ ، ص ۸۹ ، بدان اعتراف دارد

۲- (۲) . آیت الله معرفت در التفسیر والمفسّرون، ج ۱، ص ۱۸۱ از نوه ی سید هاشم بحرانی نقل می کند که روایت پیامبر و روایات ایشان که از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل شده را جمع آوری کرده و تاکنون به چهار هزار حدیث رسیده است.

حرام و ناسخ و منسوخ قران را ما می شناسیم و...» (۱)

و درحدیث دیگری فرمود: «بر مردم است که قرآن را همان طور که نازل شده بخوانند و هنگامی که نیاز به تفسیر قرآن پیدا کردند، هدایت به وسیله ی ما و به سوی ماست.» (۲)

بنابر این اهل بیت(علیه السلام) نیز در زمینه ی مطالب کلی قرآن و آیات الاحکام، مخصّص ها، مقیّدها، لغات، ناسخ و منسوخ، اصطلاحات جدید قرآن و نیز در مورد بطن و تأویل و مصادیق آیات، مطالب متنوّعی را بیان کرده اند که به عنوان سنّت آنان بر جای مانده است.

ج) دوران صحابه و تابعان:

روایات تفسیری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) مورد توجّه صحابیان پیامبر و تابعان آنان قرار گرفت و حتی صحابه ی بزرگ پیامبر(صلی الله علیه و آله) همچون ابن عباس و ابن مسعود خود را از تفسیر قرآن امام علی (علیه السلام) بی نیاز نمی دانستند و از آن استفاده می کردند. و بسیاری از احادیث

تفسیری ابن عباس از علی(علیه السلام) است. (۳)

البته صحابیان و تابعان خود نیز قرآن را تفسیر می کردند و روایات

ص:۱۲۳

۱- (۱) . قال له رجل انّک لتفسّر من کتاب اللّه ما لم یسمع، فقال: علینا نزل قبل الناس و لنا فسّر قبل أن یُفَسّرُ فی الناس، فنحن نعرف حلاله و ناسخه و منسوخه و...؛ نورالثقلین، ج ۴، ص ۵۹۵، ح ۱۹

۲- (۲) . تفسیر فرات کوفی، ص ۲۵۸، ح ۳۵۱

۳- (۳) . قال ابن عباس: «جلّ ما تعلّمت من التفسیر ، من علیّ بن أبی طالب»؛ بحار، ج ۸۹، ص ۶ - ۱۰۵.

تفسیری زیادی از ابن عباس و دیگران باقی مانده است. (۱)

در این دوره، کم کم روایات تفسیری در مجموعه هایی گرد آوری شد که به نام کتاب های تفسیر روایی مشهور است.

ح) دوران جمع آوری و تألیف روایات تفسیری:

اوّلین رساله از این مجموعه ها در شیعه، کتاب تفسیر منسوب به امام علی(علیه السلام) است که طی یک روایت مفصّل در آغاز تفسیر نعمانی آمده است. (۲)

و نیز یکی دیگر از آنها، «مصحف علیّ بن أبی طالب» است که علاوه بر آیات قرآن، تأویل و تفسیر و اسباب نزول را بیان کرده است. هر چند که این کتاب اکنون در دسترس ما نیست. (۳)

و نیز تفسیر منسوب به امام باقر(علیه السلام) (۵۷ - ۱۱۴ ق) که ابوالجارود آن را حکایت کرده است. (۴) و نیز تفسیر منسوب به امام صادق(علیه السلام) (۸۳ - ۱۴۸ق) که به طور پراکنده در کتاب حقایق التفسیر القرآنی آمده است. (۵)

سپس از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۳۰۷ ق) و فرات کوفی (زنده در سال ۳۰۷ ق) و تفسیر عیّاشی (م بعد از ۳۲۰ق) و تفسیر نعمانی

۱- (۱) . نک: التفسیر و المفسّرون، دکتر ذهبی و آیة الله معرفت، (مبحث ابن عباس)

۲- (۲) . این رساله گاهی تحت عنوان «رسالة المحکم و المتشابه»، به سید مرتضی نسبت داده می شود و در مجلدات قرآن بحارالانوار نقل شده است. نک : تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، سید حسن صدر، ص ۳۱۸

۳- (۳) . نک: بحارالانوار، مجلسی، ج ۸۹، ص ۴۰؛ التمهید فی علوم القرآن، معرفت، ج ۱، ص ۲۹۲؛ سیر تطوّر تفاسیر شیعه، سید محمد علی ایازی ، ص ۲۸

۴- (۴) . الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۶

۵- (۵) . سیر تطوّر تفاسیر شیعه، ص ۳۹.

(م بعد از ۳۲۴ ق) و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (م ۲۵۴) می توان نام برد.

البته روایات فقهی پیامبر و اهل بیت(علیه السلام) نیز که نوعی تفسیر برای آیات الاحکام قرآن است در مجموعه هایی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و تهذیب و استبصار گردآوری شد.

در همین دوران، تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابن جریر طبری (م ۳۱۰) را داریم. همان طور که مجموعه های حدیثی صحاح سته ی اهل سنّت در این دوره تدوین شد. سپس تفسیر روایی از قرن پنجم تا نهم با رکود نسبی مواجه شد و تفاسیر عقلی و اجتهادی شد. اما در قرن دهم تا دوازدهم با رشد اخباری گری در شیعه تفاسیر روایی دیگری همچون: تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم حسینی بحرانی (م۱۱۰۷ق) و تفسیر نورالثقلین، الحویزی (م ۱۱۱۲ ق) نوشته شد.

همان طور که مجموعه های حدیثی بزرگ همچون وسایل الشیعهٔ، وافی و بحارالانوار نوشته شد که بسیاری از روایات آنها تفسیر قرآن به شمار می آید.

در اهل سنّت نیز در این دوران تفسیر درّالمنثور، جلال الدین سیوطی

(م ۹۱۱۱ ق) گردآوری شد.

اکنون نیز در تفاسیر جدید به روایات تفسیری پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) توجّه می شود و معمولاً در لابه لای تفسیر یا در بخش جداگانه ای این روایات آورده می شود و مورد نقد و بررسی قرار می گیرد؛

همانند علّامه طباطبایی در المیزان که در ذیل هر دسته از آیات «بحث روایی» می آورد.

در احادیث تفسیری آیات مهدویت نیز در موارد متعددی از روش تفسیر روائی استفاده شده است و برای توضیح آیات مهدویت به احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) استناد کرده اند از جمله:

«یَاحَسْرَةً عَلَی الْعِبَادِ مَا یَأْتِیهِم مِن رَّسُولٍ إِلَّا کَانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُونَ؛ (۱) ای افسوس بر بندگان که هیچ فرستاده ای به سراغ آنان نیامد، مگر اینکه همواره او را ریشخند می کردند!»

الإمام الصادق(علیه السلام): «خبر تدریه خیر من عشر ترویه. إن لکل حق حقیقهٔ، و لکل صواب نورا، ثم قال: إنا والله لا نعد الرجل من شیعتنا فقیها حتی یلحن له فیعرف اللحن، إن أمیر المؤمنین(علیه السلام) قال: علی منبر الکوفهٔ: إن من ورائکم فتنا مظلمهٔ عمیاء منکسفهٔ لا ینجو منها إلا النومهٔ، قیل یا أمیر المؤمنین و ما النومهٔ؟ قال: الذی یعرف الناس و لا یعرفونه.

واعلموا أن الأرض لا تخلو من حجهٔ الله عزوجل و لکن الله سیعمی خلقه عنها بظلمهم و جورهم و إسرافهم علی أنفسهم، ولو خلت الأرض

ساعهٔ واحدهٔ من حجهٔ الله لساخت بأهلها، ولکن الحجهٔ یعرف الناس و لا یعرفونه، کما کان یوسف یعرف الناس و هم له منکرون، ثم تلا: یا حسرهٔ

۱- (۱) . یس / ۳۰.

علی العباد ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزؤن» (۱)

بررسی: در روایات تفسیری مهدویت گاهی اهل بیت(علیه السلام) از روایات امام علی(علیه السلام) برای توضیح آیات استفاده کرده انـد از جمله در روایت فـوق امـام صـادق(علیـه السـلام) از سـخنان امـام علی(علیـه السـلام) برای توضـیح پیرامـون امـام مهدی(علیه السـلام) و نقش ایشان در جهان هستی یاری جسته است سپس به آیه ۳۰ / یس استشـهاد کرده انـد و آنها را نقل کرده است و این گونه ای از تفسیر روائی آیات قرآن است.

و نیز در ذیل آیه ۱۱ / غافر در روایتی که از امام صادق(علیه السـلام) حکایت شده است به حدیث سخنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مورد مسخ و رجعت دشمنان اهل بیت(علیه السلام) استناد شده است. (۲)

۳. روش تفسیر عقلی:

عقل در لغت به معنای امساک، نگهداری و منع چیزی است.

عقل در دو مورد کاربرد دارد:

نخست به قوّه ای که آماده ی قبول دانش است. این، همان چیزی است

ص:۱۲۷

۱- (۱) . النعمـانی: ص- ۱۴۱ ب- ۱۰ ح- ۲ - أخبرنـا محمـد بن همـام و محمـد بن الحسن بن محمـد بن جمهور جمیعاً، عن الحسن بن محمـد بن جمهور قال: حدثنا أبی، عن بعض رجاله، عن المفضل بن عمر قال: قال أبو عبدالله(علیه السـلام): - إثبات الهداة: ج- ۳ ص- ۵۳۲ ب- ۳۲ ف- ۲۷ خ- ۴۶۳ - آخره، عن النعمـانی بتفـاوت یسـیر، و فیه «... وجهلهم بـدل و جـورهم». البحار: ج- ۵۱ ص- ۱۱۲ ب- ۲ ح- ۸ - عن النعمانی

۲- (۲) . نک: معجم احادیث الامام المهدی(علیه السلام)، ج ۵، ص ۳۸۳.

که اگر در انسان نباشد تکلیف از او برداشته می شود، و در احادیث از این عقل تمجید شده است.

دوم به علمی که انسان به وسیله ی این قوّه کسب می کند، عقل گویند.

این همان چیزی است که قرآن کافران را بخاطر تعقّل نکردن مذمّت کرده است». (۱)

در این مورد به احادیث پیامبر(صلی الله علیه و آله) (۲) و اشعار امام علی(علیه السلام) استناد کرده است. (۳)

روش تفسیر عقلی قرآن، پیشینه ای کهن دارد وبرخی معتقدند که پیامبر(صلی الله علیه و آله) به اصحاب خویش کیفیّت اجتهاد عقلی در فهم نصوص شرعی (از قرآن یا سنّت) را تعلیم داده است. (۴) ولی ریشه ها و نمونه های تفسیر عقلی را می توان در احادیث تفسیری و اهل بیت(علیه السلام) یافت.

مثال: عن عبدالله بن قیس عن أبی الحسن الرضا(علیه السلام) قال: سمعته یقول:

«بل یداه مبسوطتان» (۵)

فقلت: له یدان هکذا – و اشرت بیدی الی یدیه – ؟

فقال : لا، لو کان هکذا کان مخلوقاً. (۶)

ص:۱۲۸

۱- (۱) . نک: مفردات راغب اصفهانی ، ماده ی عقل

۲- (۲) . عن رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم: ماکسب احد شیئاً افضل من عقل یهدیه الی هدی او یردّه عن ردی». رأیت العقل عقلین فمطبوع و مسموع و لاینف--ع مس-موع اذا ل-م یک مطبوع

۳- (۳) . نک: دیوان امام علی(علیه السلام)، ص ۱۲۱؛ احیاء علوم الدین: ۱ / ۸۶

۴- (۴) . تطوّر تفسیر القرآن، محسن عبدالحمید، ص ۹۸؛ المفسّرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، ص ۴۰

۵- (۵) . مائده / ۶۴

۶- (۶) . نورالثقلین ، ج ۱، ص ۶۵۰ (حدیث ۲۷۹).

در این حدیث، حضرت با استفاده از نیروی عقل آیه ی قرآن را تفسیر کرده اند و دست مادّی داشتن خدا را نفی کرده اند؛ چرا که دست داشتن خدا، مستلزم جسم بودن و مخلوق بودن اوست و ساحت الهی از این صفات منزّه است. (پس مقصود از دستان خدا همان قدرت اوست).

در احادیث دیگری نیز در مورد شیء بودن خدا و عرش و کرسی و مکان داشتن خدا و... تفاسیری عقلی از اهل بیت(علیه السلام) به ما رسیده است. (۱)

و امام علی(علیه السلام) نیز در برخی خطبه های نهج البلاغه از مقدمات عقلی برای تفسیر آیات بهره برده است. (۲)

البته برخی آیات قرآن خود در بردارنده ی برهان های عقلی است مثل آیه ی: «لوكان فيهما آلهةٌ الاّ اللّه لفسدتا» (۳)

خودِ قرآن نیز انسان ها را به تفکّر و تعقّل و تدبّر در آیات فرا می خواند. (۴)

از این رو، مفسّران قرآن لازم دیده اند که از نیروی فکر و استدلال ها و قراین عقلی در تفسیر آیات قرآن استفاده کنند.

از اینجا بود که روش اجتهادی (عقلی) در تفسیر قرآن از دوره ی تابعان شروع شد. (۵) و در قرون بعدی به ویژه به وسیله ی معتزله اوج گرفت

ص:۱۲۹

۱- (۱) . نک: نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۰۶ و ص ۴۹۴؛ ج ۳، ص ۳۸۳؛ ج ۴، ص ۶۰۸

۲- (۲) . نک: نهج البلاغه، خطبه های ۱۵۲، ۱۸۴، ۲۲۸

۳- (۳) . انبیاء / ۲۲

۴- (۴) . نک: ص /۲۹؛ محمد / ۲۴؛ نساء/ ۸۲؛ یوسف /۲؛ نحل / ۴۴... (این گونه آیات را در مبحث دلایل موافقان تفسیر عقلی قسمت جایگاه عقل در قرآن، مورد بررسی قرار می دهیم)

۵- (۵) . التفسیر و المفسّرون، آیة اللّه معرفت، ج ۲، ص ۳۵۰؛ ج ۱، ص ۴۳۵.

و در شیعه تفاسیری همچون تفسیر تبیان شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق)، مجمع البیان شیخ طبرسی (م ۵۴۸ ق) به وجود آمد. در اهل سنّت تفسیر کبیر فخررازی حاصل توجّه به این روش بود.

سپس این شیوه در دو قرن اخیر رشد بیشتری کرد و در شیعه تفسیر المیزان، علّامه طباطبایی و... به وجود آمد. و در اهل سنّت نیز تفسیر روح المعانی از آلوسی (م ۱۲۷۰) و المنار از رشید رضا (۱۸۶۵ - ۱۹۳۵ م) و... حاصل آن بود.

و در این رابطه از تفسیر «القرآن و العقل» نورالدین اراکی و «تفسیر قرآن کریم» ملاصدرا نیز می توان یاد کرد.

روش تفسیر عقلی قرآن عبارت است از:

الف) استفاده ی ابزاری از برهان و قراین عقلی در تفسیر برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن. که در این صورت عقل منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان های عقلی قراینی برای تفسیر آیات قرار می گیرد.

از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می شد.

ب) استفاده از نیروی فکر در جمع بندی آیات (همراه با توجّه به روایات، لغت و...) و استنباط از آنها برای روشن ساختن مفاهیم و مقاصد

آیات. حاصل این مطلب همان تفسیر اجتهادی قرآن است.

و در این صورت عقل مصباح و کاشف است.

از این عقل با عنوان عقل فطری یا نیروی فکر و قوّه ی ادراک یاد می شد.

ص:۱۳۰

البته بنابر دیدگاه مشهور هر دو قسم فوق جزیی از روش تفسیر عقلی قرآن است. امّا با دقّت در مطالب روشن شد که قسم دوم (ب) به طور تسامحی به نام تفسیر عقلی خوانده می شود و در حقیقت تفسیر عقلی همان قسم اول (الف) است. (۱)

« وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ؛ (۲) و هنگامی که گفتار (فرمان عذاب) برآنان واقع شود، (و در آستانه رستاخیز قرار گیرند)، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با آنان سخن می گوید، (در مورد این) که مردم همواره به نشانه های ما یقین نداشتند.»

الإمام أميرالمومنين(عليه السلام) «و أى آيـة هى؟، قال: قول الله: و إذا وقع القول عليهم أخرجنا لهم دابـة من الارض. الآيـة، فأى دابـة هى؟، قال عمار: والله ما أجلس و لا آكل و لا أشرب حتى أريكها، فجاء عمار مع الرجل إلى أميرالمؤمنين(عليه السلام) و هو يأكل تمراً وزبـدا، فقال له: يا أبا اليقظان هلم، فجلس عمار و أقبل يأكل معه، فتعجب الرجل منه، فلما قام عمار قال له الرجل: سبحان الله يا أبا اليقظان، حلفت أنك لا تأكل و لا تشرب و لا تجلس حتى

۱- (۱) . نک: التفسير و المفسرون فى ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۳۴۹ و تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۳۸ و روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان، علی آلوسی، ص ۲۴۶ و المفسرون حیاتهم و منهجهم، ایازی، ص ۴۰ و اصول التفسیر و قواعده، شیخ خالد عبدالرحمن العک، ص ۱۶۷ و التفسیر والمفسرون، دکتر ذهبی، ج ۱، ص ۲۵۵ و مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۳۳۱ و تسنیم، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۶۹ - ۱۷۱

۲- (۲) . نمل / ۸۲.

ترینیها؟!، قال عمار: قد أریتکها إن کنت تعقل.» (۱)

«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ؛ (۲)بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می کند؛ بیقین نشانه های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید.»

ابن عباس: «إعلموا أن الله یحیی الأرض بعد موتها: یعنی یصلح الأرض بقائم آل محمد من بعد موتها، یعنی من بعد جور أهل مملکتها.

قد بینا لکم الآیات: بقائم آل محمد، لعلکم تعقلون» (۳)

ص:۱۳۲

۱- (۱) . العیاشی: علی ما فی مجمع البیان. القمی: ج- ۲ ص- ۱۳۱ - قال أبو عبدالله(علیه السلام)، قال رجل لعمار بن یاسر: یا أبا الیقظان آیة فی کتاب الله قد أفسدت قلبی، و شککتنی، قال عمار: - مجمع البیان: ج- ۷، ص- ۲۳۴ - عن القمی و قال: وروی العیاشی هذه القصة بعینها عن أبی ذرّ رحمه الله أیضاً. الصافی: ج- ۴ ص- ۷۴، عن القمی و مجمع البیان. الإیقاظ من الهجعة: ص ۳۳۶ ب- ۱۰ ح- ۵۹ - عن القمی. البرهان: ج- ۳ ص- ۲۱۰ ح- ۵ - عن القمی. البحار: ج- ۳۹ ص- ۲۴۲ ب- ۸۶ ح- ۳۰ - عن القمی. نور الثقلین: ج- ۴ ص- ۹۸ ح- ۱۰۵ - عن القمی. و فیها: ح- ۱۰۶ - نقل ما قاله الطبرسی عن العیاشی

۲- (۲) . حدید / ۱۷

۳- (۳) . غیبة الطوسی: ص- ۱۰۹ - ۱۱۰ - روی إبراهیم بن سلمة، عن أحمد بن مالک الفزاری، عن حیدر بن محمد الفزاری، عن عباد بن یعقوب، عن نصر بن مزاحم، عن محمد بن مروان الکلبی، عن أبی صالح، عن ابن عباس فی قوله: - الأنوار المضیئة: علی ما فی البحار.منتخب الأنوار المضیئة: ص- ۱۸ ف- ۲ - بالطریق المذکور (محمد بن أحمد الأیادی رحمه الله) یرفعه إلی ابن عباس، کما فی غیبة الطوسی، بتفاوت یسیر، و فیه «بالحجة من آل محمد». إثبات الهداة: ج- ۳ ص- ۵۰۱ ب- ۳۲، ف- ۱۲ ح- ۲۸۷ - عن غیبة الطوسی بتفاوت یسیر. و فی ص- ۵۸۱ ب- ۳۲ ف- ۵۹ ح- ۷۶۲ - عن البحار.المحجة: ص- ۲۲۱ - عن غیبة الطوسی.البحار: ج- ۵۱ ص- ۵۳ ب- ۵ ح- ۳۲ - عن غیبة الطوسی. و فی: ص- ۶۳ ح- ۶۵ - عن الأنوار المضیئة. منتخب الأثر: ص- ۲۴۸ ب- ۲ ف- ۲۵ ح- ۵ - عن البحار.

«وَلَنُذِيقَنَّهُم مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ (۱)و قطعاً غیر از عـذاب بزرگ تر (اخروی)، از عـذاب نزدیک تر (دنیوی) به آنان می چشانیم، باشد که آنان باز گردند.»

الامامان الباقر و الصادق(علیه السلام):

«إن العذاب الأدنی الدابۀ والدجال» (۲)

بررسی: در این احادیث چند نکته قابل توجه وجود دارد:

۱. در حدیث تفسیری یکی از آیات فوق «دابّه» به امام علی(علیه السلام) تفسیر شده است و در حدیث تفسیری دوم «دابّه» به عذاب تفسیر شده است. که جمع اینها نیاز به فقه الحدیث و تفکر و تعقّل دارد یعنی باید از روش تفسیر عقلی برای فهم این احادیث استفاده کرد.

و شاید بتوان گفت که امام علی(علیه السلام) مایه عذاب کافران است پس

مصداق دابّه می تواند امام علی(علیه السلام) و عذاب برای مخالفان باشد.

ص:۱۳۳

۱- (۱) . سجده / ۲۱

۲- (۲) . مجمع البیان: ج- ۴، ص- ۳۳۲ - و فی الروایۀ عن أبی جعفر و أبی عبدالله(علیه السلام): - منهج الصادقین: ج- ۷ ص- ۲۷۲ - کما فی مجمع البیان مرسلًا. الصافی: ج- ۴ ص- ۱۵۸ - عن مجمع البیان، مرسلًا. البرهان: ج- ۳، ص- ۲۸۸ ح- ۶ - عن مجمع البیان. نور الثقلین: ج- ۴ ص- ۲۳۲ ح- ۴۵ - عن مجمع البیان.

۲. در پایان روایت نخست و دوم به صورت صریح از لزوم تعقّل در اینگونه احادیث سخن گفته شده است.

تذکر: برخی دیگر از احادیث تفسیری نیز، نیازمند تفسیر عقلی و اجتهادی است از جمله:

آیه ۳۵ / نور که خدا و قرآن و معصومین(علیه السلام) را نور معرفی کرده است که برای جلوگیری از تشبیه و تجسیم نور الهی (که نور وجود و معنوی است) به نور جسمانی، لازم است تفسیر عقلی و اجتهادی شود.

تذکر:

برخی دیگر از مواردی که نیاز به تفسیر عقلی و اجتهادی دارد عبارتند از:

مبحث نور پروردگار که در آیه ۶۹ / زمر مطرح شده و در احادیث به نور امام عصر(علیه السلام) تفسیر شده است. (۱) (در مبحث تفسیر علمی مطالبی در این مورد خواهد آمد) و مشابه آن ذیل آیه ۳۵ / نور آمده است که امام را به «نور و کوکب» تشبیه کرده است. (۲)

۴. روش تفسیر علمی:

مقصود از علم در اینجا «علوم تجربی» اعم از علوم طبیعی و انسانی است، و از آنجا که بیش از هزارآیه در قرآن به مطالب علوم تجربی اشاره

ص:۱۳۴

۱- (۱) . نک: المعجم الاحادیث المهدی، ج ۵، ص ۳۷۹

۲- (۲) . همان، ص ۲۷۵ - ۲۷۴.

کرده است، ناچاریم برای فهم برخی آیات یا رفع تعارض ها به یافته های علوم تجربی مراجعه کنیم.

این شیوه ی تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دوره ی نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود که با ترجمه ی آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان ، سعی کردند آیات قرآن را، با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). (۱)

دوره ی دوم از حدود قرن ششم ، شروع شد ؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه ی علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم مختلف را، از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می پرداختند.

دوره ی سوم از تفسیر علمی که موجب اوج گیری و رشد فوق العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعد علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد، و کتاب های مختلف در زمینه ی علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان شناسی به عربی ترجمه گردید؛ این دوره ی

۱- (۱) . البتّه در برخی احادیث أهل بیت علیهم السلام نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است.مثلا در مورد تعداد ۳۶۰ مشرق و مغرب در معارج /۴۰ (معانی الاخبار ، شیخ صدوق ، ص ۲۲۱) و نام سیارات در تفسیر تکویر/ ۱۶-۱۵ (مجمع البیان ، ج ۱ ، ص ۶۷۷) و ... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت علیهم السلام بشمار می آید ، ولی تفسیر علمی مصطلح نیست چون از یافته های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است، بلکه اهل بیت علیهم السلام اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده اند که این جزیی از تفسیر روایی می شود.

جدیـد، به ویژه در یـک قرن اخیر، که در جهان اسـلام، اثرات خود را در مصـر و هندوسـتان بر جای گـذاشت، موجب شـد تا دانشـمندان مسـلمان، در صـدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآینـد. این مسأله آن موقع أهمیّت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقـدّس، به خاطر تعارضات آن با علوم جدید هر روز عقب نشـینی تازه ای می کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می شد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی و تفوّق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می گشت.

در این میان عدّه ای از دانشمندان مسلمان ، از سر درد و برای دفاع از قرآن و با توجّه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میـدان آمدنـد تـا نشان دهنـد که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدیـد، در تعارض نیست بلکه بر عکس، یافته های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می کند؛ از این رو، به اسـتخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد؛ هر چند در این میان بعضـی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند – و از آنجـا که مبـانی تفسـیری این روش بررسـی کامل نشـده بوده – دچار انحراف شدنـد یا عـدّه ای از مغرضان آن ها، برای اثبات افکـار انحرافی خود دست به تفسـیر علمی و تأویلات نابه جا زدنـد و همین مطلب موجب شـد تا احساسات بعضـی مسـلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسـیر علمی موضع گیری کنند و آن رایک سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند؛ در این میان بسیاری از عالمان، و

دانشمندان و مفسّران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن ، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند.

البته در این میان دانشمندان و مفسران متعددی به اظهار نظر در مورد تفسیر علمی پرداخته و با آن موافقت یا مخالفت کرده اند (۱) و یا اعجاز علمی قرآن را از آن اثبات کرده اند (۲) که ذکر آنها از حوصله این نوشتار خارج است.

اقسام تفسیر علمی از جهت شکل و شیوه ی تفسیر:

تفسیر علمی، نوعی از روش تفسیری است که خود دارای روش های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می شود و همین مطلب موجب شده تا برخی تفسیر علمی را رد کنند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل بنامند، و گروهی آن را قبول نمایند و بگویند: تفسیر علمی، یکی از راه های اثبات حقّانیت قرآن است.

ما در اینجا شیوه های فرعی تفسیر علمی را مطرح می کنیم ، تا هر کدام جداگانه به معرض قضاوت، گذارده شود و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

الف) استخراج همه ی علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن أبی الفضل المرسی، غزالی

۱- (۱) . نک: التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابوحجر، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده

۲- (۲) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده.

و... کوشیده اند تا همه ی علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل، می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علومی که در نظر داشتند، بر می گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند.

برای مثال، از آیه ی شریفه ی «وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشْفِینِ» (۱)ابراهیم(علیه السلام) نقل می کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند (۲) و علم جبر را از حروف مقطعه ی اوایل سوره ها استفاده کردند (۳) و از آیه ی شریفه ی «إِذَا زُلْزِلَتِ الأَرْضُ زِلْزَالَهَا» زمین لرزه ی سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند. (۴)

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن ها می شود.

از همین رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند (۵) که البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلاً، این مسأله (وجود همه ی علوم در ظواهر قرآن) را بررسی

۱- (۱) . شعراء / ۸۰

۲- (۲) . ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم

۳- (۳) . التفسیر و المفسّرون ، ج ۲ ، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی

۴- (۴) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱ - ۱۸۲

۵- (۵) . ر.ک : التفسیر و المفسّرون، ج ۲، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.

کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این کلام، مبانی صحیحی ندارد.

ب) تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلّم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردنـد تـا آیـاتی موافق آنهـا در قرآن بیابنـد و هر گاه آیه ای موافق با آن نمی یافتنـد ، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می کردند.

برای مثال، در آیه ی شریفه ی «هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا»؛ (۱)«اوست خدایی که همه ی شما را از یک تن آفریـد و او نیز جفتش را مقرر داشت.» کلمه ی «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردنـد و گفتند: منظور قرآن، این است که همه ی شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم. در این تفسیر، حتّی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند. (۲)

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یک سره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید برقرآن طرد کردند، چنان که علّامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. (۳)

۱- (۱) . اعراف / ۱۸۹، ترجمه ی الهی قمشه ای

۲- (۲) . عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶

۳- (۳) . ر.ک: مقدمه ی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.

البتّه در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسّر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه ی علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده ی عذاب به آن داده شده است.

ج) استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسّر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر ، اقدام به تفسیر علمی قرآن می کند.

او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم – که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می شود – و با ظاهر آیات قرآن – طبق معنای لغوی و اصطلاحی – موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان های تشنه ی حقیقت قرار دهد. این شیوه ی تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد، اما در این جا تأکید می کنیم که در این شیوه ی تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص ، و مبنای ابطال پذیری که اساس آن هاست، نمی توانند نظریات قطعی بدهند.

ص:۱۴۰

برای مثال، آیه ی شریفه ی «الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا»؛ (۱)«خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسّی و روزمرّه ی خورشید را می دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره ی ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه ی شمسی و حتّی کهکشان راه شیری در حرکت است. (۲) پس می گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه ی قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و ...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن ، و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می شود (۳) و در فضا جریان دارد و همچون گلوله ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.

۱- (۱) . یس ، ۳۸

۲- (۲) . دکتر اریک - اوبلاکر، فیزیک نوین، ترجمه ی بهروز بیضایی، صص ۴۵ - ۴۸

۳- (۳) . همان، صص ۴۵ - ۴۸.

در ضـمن از این نوع تفسیر علمی، اعجاز علمی قرآن نیز اثبات می شود؛ برای مثال، قانون زوجیت تمام گیاهان در قرن هفدهم میلادی

کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن ، از زوج بودن تمام گیاهان، بلکه همه ی موجودات سخن گفته است. (۱)

«وَلَوْ تَرَى إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن مَكَانٍ قَرِيبٍ؛ (۲)و اگر (برفرض) ببینی هنگامی را که (کافران) وحشت زده اند، چراکه هیچ (راه) گریزی نیست، و از مکانی نزدیک (به عذاب) گرفتار شده اند. (تعجب خواهی کرد!)»

الإمام الباقر(علیه السلام): «من الصوت، و ذلک الصوت من السماء و أخذوا من مکان قریب قال: من تحت أقدامهم خسف بهم» (۳)

ابن عباس: «هو جیش السفیانی، قال: من أین أخذ؟ قال: من تحت أرجلهم» (۴)

ص:۱۴۲

۱- (۱) . یس / ۳۶

۲- (۲) . سبأ / ۵۱

۳- (۳) . القمی: ج- ۲ ص- ۲۰۵ - و فی روایـۀ أبی الجارود، عن أبی جعفر(علیه السـلام) فی قوله: ولو تری إذ فزعوا، قالوا : - الصافی: ج- ۴ ص- ۲۲۶ - عن القمی. البرهـان: ج- ۳ ص- ۳۵۵ ح- ۳ - عن القمی، بتفاوت یسیر. البحار: ج- ۵۲ ص- ۱۸۵ ب- ۲۵ ح- ۱۱ - عن القمی. نور الثقلین: ج- ۴ ص- ۳۴۴ ح- ۹۹ - عن القمی

۴- (۴) . الطبری - علی ما فی الدر المنثور، ولم نجده فی تفسـیره. ابن المنذر - علی ما فی الدر المنثور. ابن أبی حاتم - علی ما فی الـدر المنثور. الدر المنثور: ج- ۵ ص- ۲۴۰ - و قال وأخرج ابن جریر، و ابن المنـذر، و ابن أبی حاتم، عن ابن عباس رضـی الله عنهما فی قوله: ولو تری إذ فزعوا فلا فوت و أخذوا من مکان قریب، قال: - منهج الصادقین: ج- ۷ ص- ۴۲۱ - کما فی الدر المنثور، مرسلا عن ابن عباس.

«قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثُونَ * قَالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنظَرِینَ * إِلَی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم؛ (۱)(ابلیس) گفت: «پروردگارا، پس مرا تـا روزی که (مردم) برانگیخته خواهنـد شـد مهلت ده.» (خـدا) فرمـود: «پس در واقع تو از مهلت داده شـدگانی، تـا روز زمـان معلوم.»

الإمام الرضا(علیه السـلام) «لا دین لمن لا ورع له، ولا إیمان لمن لا تقیـة له إن أکرمکم عنـد الله أعملکم بالتقیهٔ، فقیل له: یا ابن رسول الله إلی متی؟ قال: إلی یوم الوقت المعلوم، و هو یوم خروج قائمنا أهل البیت فمن ترک التقیهٔ قبل خروج قائمنا فلیس منا.

فقیل له: یا ابن رسول الله و من القائم منکم أهل البیت؟ قال الرابع من ولدی، ابن سیدهٔ الإماء، یطهر الله به الأرض من کل جور، و یقدسها من کل ظلم.

(وهو) الذی یشک الناس فی ولادته، و هو صاحب الغیبهٔ قبل خروجه، فإذا خرج أشرقت الأرض بنوره، و وضع میزان العدل بین الناس فلا یظلم أحد أحداً.

وهو الذی تطوی له الأرض، و لا یکون له ظل.

وهو الـذی ینادی مناد من السـماء یسـمعه جمیع أهل الأرض بالدعاء إلیه یقول: ألا إن حجهٔ الله قد ظهر عند بیت الله فاتبعوه، فإن الحق معه و

ص:۱۴۳

۱- (۱) . ص / ۷۹ – ۸۱.

فیه، و هو قول الله عزوجل: «إِن نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِم مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» (۱)

بررسی:

احادیث متعددی در مورد امام مهدی و آیات مهدویت حکایت شده که نیاز به تفسیر علمی دارد. از جمله احادیث فوق در مورد خروج سفیانی و صیحه آسمانی که در احادیث شیعه و اهل سنت آمده است.

در مورد اینگونه احادیث دو گونه می توان برخورد کرد:

اول آنکه آنها را تعبداً بپذیریم و بگوییم اعجاز است.

دوم آنکه با توجه به اکتشافات جدید علمی این احادیث را تحلیل علمی کنیم. به عبارت دیگر در عصری که این احادیث صادر شده بود هنوز رادیو و تلویزیون و ماهواره و... کشف و ساخته نشده بود تا مردم بخوبی معنای صدای آسمانی (صیحه) را درک کنند و اهل البیت(علیه السلام) به اندازه عقول و علوم مردم سخن گفته اند و حتی ممکن بود این سخنان برای برخی مردم آن عصر قابل هضم نباشد.

اما در عصر ما که اکتشافات جدید شده است به راحتی می توانیم این احادیث را تحلیل کنیم یا حداقل احتمال دهیم که صدای آسمانی (صیحه) چیزی شبیه امواج رادیویی و تلویزیونی یا شکستن دیوار صوتی

۱- (۱) . کمال الدین: ج- ۲ ص- ۳۷۱ ب- ۳۵ ح- ۵ - حدثنا أحمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی رضی الله عنه قال: حدثنا علی بن إبراهیم بن هاشم، عن أبیه، عن علی بن معبد، عن الحسین بن خالد قال: علی بن موسی الرضا(علیه السلام): -

است که از یـک نقطه جهـان صـادر می شود و همه مردم می شـنوند و حجت بر آنـان تمام می شود و این همان چیزی که در تفسیر عصـر حاضر از آن با عنوان تفسیر علمی یاد می شود یعنی توضیح آیات و روایات بوسیله استخدام علوم در فهم قرآن و احادیث.

«وَأَشْـرَقَتِ الْـأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَـا وَوُضِعَ الْكِتَـابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَـدَاءِ وَقُضِـیَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛ (۱)و (در رستاخیز) زمین به نور پروردگـارش روشن می شود، و نـامه (اعمـال) نهـاده می شود، و پیامبران و گواهان آورده می شونـد، و بینشان به حق داوری می شود درحالی که آنان مورد ستم واقع نمی شوند.»

الامام الصادق(علیه السـلام): «إن قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، و استغنی العباد عن ضوء الشمس، و صار اللیل و النهار واحـداً، و ذهبت الظلمهٔ، و عاش الرجل فی زمانه ألف سنهٔ، یولد فی کل سنهٔ غلام لا یولد له جاریهٔ، یکسوه الثوب فیطول علیه کلما طال، و یتلون علیه أی لون شاء» (۲)

ص:۱۴۵

۱- (۱) . زمر / ۶۹

۲- (۲) . دلائل الإمامهٔ: ص- ۲۴۱ - و أخبرنی أبو الحسن بن هارون بن موسی، قال: حدثنی أبی قال: حدثنی أبو علی محمد بن همام قال: حـدثنا أبو عبـدالله جعفر بن محمـد الحمیری قال: حـدثنا احمـد بن میثم قال: حدثنا سـلیمان بن صالح، قال: حدثنا أبو الهیثم القصاب، عن المفضل بن عمر الجعفی قال: سـمعت أبا عبدالله(علیه السـلام) یقول: - و فی: ص- ۲۶۰ - ۲۶۱ - و أخبرنی أبو عبـدالله الخرقی، عن أبی محمـد، عن ابن همام قال: حدثنا سـلمان بن صالح، قال: حدثنی ابن الهیثم القصاب، عن مفضل بن عمر، قال: سمعت أبا عبدالله(علیه السلام) یقول: - کما فی روایته الاولی، بتفاوت یسیر. الارشاد: ص- ۳۶۲ - مرسلاً مختصراً عن المفضل بن عمر: قال: - سـمعت أبا عبدالله یقول إذا قام قائم آل محمد(علیه السـلام) بنی فی ظهر الکوفهٔ مسجداً له ألف باب و اتصـلت بیوت أهل الکوفـهٔ بنهری کربلاء. و فی: ص- ۳۶۳ - مرسـلاً عن المفضل بن عمر قال: سـمعت أبا عبدالله(علیه السـلام) یقول: - کمـا فی دلائـل الإمامـهٔ، بتفاوت، و فیه «إن قائمنا إذا قام... و یعمر الرجل فی ملکه حتی یولـد له ألف ولـد ذکر لا یولد فیهم أنثی، و تظهر الأرض من کنوزها حتی یراها الناس علی وجهها، و یطلب الرجل منکم من یصله بماله و یأخذ منه زکاته، فلا یجد أحداً یقبل منه ذلک، واستغنی الناس بما رزقهم الله من فضله». غیبهٔ الطوسی: ص- ۲۸۰ - (أخبرنا جماعهٔ)، عن التلعکبری، عن علی بن حبشی، عن جعفر بن مالک، عن أحمد بن أبی نعیم، عن ابراهیم بن صالح، عن محمد بن غزال، عن مفضل بن عمر قال: - «إن قائمنا اذا قام أشرقت الأرض بنور ربها، واستغنی الناس، و یعمر الرجل... و یبنی فی ظهر الکوفهٔ مسجداً له ألف باب و تتصل بیوت الکوفـهٔ بنهر کربلاء و بالحیرهٔ، حتی یخرج الرجل یوم الجمعـهٔ علی بغلـهٔ سـفواء، یریـد الجمعهٔ فلا یدرکها». روضـهٔ الواعظین: ج- ۲ ، ص- ۲۶۴ - کما فی الإرشاد، بتفاوت یسیر، مرسلاً عن الصادق(علیه السلام). اعلام الوری: ص- ۴۳۴ ، ب- ۴، ف- ۳ - کما فی الإرشاد، بتفاوت یسیر، مرسلاً عن المفضل بن عمر، عن الصادق(علیه السلام). الخرائج: ج- ۳ ، ص- ۱۱۷۶ ، ب- ۲۰ - آخره، کما فی غیبهٔ الطوسی، مرسلاً عن الصادق(علیه السلام). الشفاء والجلاء: علی ما فی الصراط المستقیم. کشف الغمهٔ: ج- ۳ ، ص- ۲۵۳ - مختصـراً عن الإرشاد. و فی: ص- ۲۵۴ - عن الارشاد. المسـتجاد: ص- ۵۵۵ - ۵۵۶ - عن الارشاد. السـید علی بن عبدالحمیـد - علی مـا فی البحار. منتخب الأنوار المضـیئهٔ: ص- ۱۹۰ ، ف- ۱۲ - کما فی غیبـهٔ الطوسـی، قال: و

بالطريق المذكور «ما صح لی روايته عن أحمد بن محمد الأيادی» يرفعه إلی المفضل بن عمر. الصراط المستقيم: ج- ۲ ، ص- ۲۵۱ ، ب- ۱۱، ف- ۹ - بعضه عن الإرشاد. و فی: ص- ۲۵۳، ب- ۱۱، ف- ۹ - بعضه، عن الإرشاد. و فی: ص- ۲۶۲، ب- ۱۱، ف- ۱۳ - بعضه، كما فی الإرشاد، بتفاوت يسير، عن كتاب الشفاء والجلاء. الصافی: ج- ۴، ص- ۳۳۱ - أوله عن الإرشاد، مرسلًا. إثبات الهداة: ج- ۳، ص- ۵۱۵، ب- ۳۲، ف- ۱۲، ح- ۳۶۳، أوله، عن غيبة الطوسی. و فی: ص- ۵۲۷، ب- ۳۲، ف- ۳۱، ح- ۵۹۱ - أوله، عن الإرشاد. و فی: ص- ۵۷۳، ب- ۳۲، ف- ۴۸، ح- ۷۰۲ - كما فی دلائل الإمامة، أوله، عن مناقب فاطمة و ولدها(عليه السلام). و فی: ص- ۶۱۶، ب- ۳۲، ف- ۱۵، ح- ۱۶۸ - عن رواية الصراط المستقيم الثانية. حلية الأبرار: ج- ۲، ص- ۶۳۴، ب- ۴۰ - كما فی رواية دلائل الإمامة الأولی، عن مسند فاطمة(عليه السلام). المحجة: ص- ۱۸۴ - كما فی دلائل الإمامة عن محمد بن جرير الطبری. البحار: ج- ۵۲، ص- ۳۳۰، ب- ۲۷، ح- ۵۲ - عن غيبة الطوسی. و فی: ص- ۳۳۷، ب- ۲۷، ح- ۷۶ - عن الإرشاد. و فی: ج- ۱۰۰، ص- ۳۸۵، ب- ۶، ح- ۳ - قال: و بإسناده (السيد علی بن عبدالحميد) من كتاب فضل بن شاذان، عن مفضل بن عمر، عن أبی عبدالله(عليه السلام) قال: إن قائمنا إذا قام يبنی له فی ظهر الكوفة مسجداً له ألف باب، و تتصل بيوت الكوفة نهر كربلاء، حتی يخرج الرجل يوم الجمعة علی بغلة سفواء يريد الجمعة فلا يدركها». نورالثقلين: ج- ۴، ص- ۳۵۶، ح- ۵۲ - بعضه، عن الإرشاد. و فی: ص- ۵۰۴، ح- ۱۲۲ - أوله، عن الإرشاد.

بررسی:

مقصود از نور امام عصر(علیه السلام) در این روایت چیست که با وجود آن مردم نیازی به نور خورشید ندارند؟

مسلماً مراد آن نیست که امام عصر(عج) مثل یک راکتور هسته ای عمل می کند و نوری قوی تر از خورشید ارائه می کند.

پس لازم است تحلیل علمی و عقلی از آیه و روایت ارائه شود. یعنی گفته شود نور امام عصر(علیه السلام) نور معنوی است که راه مردم را روشن می کند

ص:۱۴۷

که بهتر از نور خورشید است. یعنی تعبیر روایت کنایی است و یا علوم بشری در زمان امام عصر(علیه السلام) به برکت وجود ایشان آنقدر پیشرفت می کند و روشنایی هسته ای و غیر آن آنقدر زیاد می شود که مردم نیازی به نور خورشید نخواهند داشت.

به هر حال این آیه و روایت ذیل آن نیاز به تفسیر علمی یا عقلی و اجتهادی دارد.

تذکر: از همین نمونه است:

۱. روایات مسخ (۱) ذیل آیه غافر / ۱۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۲. روایات رجعت (۲) ذیل آیه غافر / ۵۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۳. روایات انشقاق قمر (۳) ذیل آیه قمر / ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

۴. روایات خروج آتش از مغرب (۴) ذیل آیه معارج / ۱ که نیازمند توضیح علمی و عقلی برای نسل جوان است.

یادآوری: تذکر این مطالب بدان معنا نیست که ما همه معجزات اهل بیت(علیه السلام) را توجیهات علمی افراطی (آن هم به صورت تحمیل نظریه های

۱- (۱) . نک: معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۳۸۵ - ۳۸۲

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . همان، ص ۴۳۲ - ۴۳۳

۴- (۴) . همان، ص ۴۹۵.

علمی یا استخراج علوم و...) بکنیم بلکه منظور آن است که تا حدی که ممکن است علوم تجربی را برای توضیح روایات تفسیری مهدویت به کار ببندیم البته با رعایت قواعد صحیح تفسیر.

۵. روش تفسیر اشاری (عرفانی – باطنی)

مفهوم شناسی: «اشاره» در لغت به معنای علامت و نشانه دادن به عنوان انتخاب چیزی (از قول، عمل یا نظر) است. (۱)

واژه ی «اشارت» در قرآن نیز به کار رفته است که مریم(علیه السلام) به سوی عیسی(علیه السلام) در گاهواره اشاره کرد تا مردم از او پرسش کنند. «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» (۲) یعنی چیزی را در پاسخ مردم انتخاب کرد و به آن ارجاع داد.

اشاره در اصطلاح، به معنای چیزی است که از کلام استفاده می شود بدون این که کلام برای آن وضع شده باشد.

اشاره گاهی حسّی است، همان طور که در الفاظ اشاره، مثل هذا، می آید و گاهی اشاره ی ذهنی است مثل اشارات کلام به معنای زیاد، که اگر گوینده می خواست به آن ها تصریح کند باید سخنان زیادی می گفت.

البته اشاره گاهی ظاهر و گاهی خفی است. (۳)

مقصود از تفسیر اشاری چیست؟

«تفسیر اشاری به اشارات مخفی گفته می شود که در آیات قرآن کریم

۱- (۱) . نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۴۹، ماده ی «شور»

۲- (۲) . مریم / ۲۹

۳- (۳) . اصول التفسیر و قواعده ، شیخ خالد عبدالرحمن العك ، ص ۲۰۵ - ۲۰۶.

موجود است، و بر اساس عبور از ظواهر قرآن و اخذ به باطن استوار است. یعنی از طریق دلالت اشاره و با توجه به باطن قرآن مطلبی از آیه برداشت و نکته ای روشن شود، که در ظاهر الفاظ آیه بدان تصریح نشده است. به عبارت دیگر، اشارات آیه لوازم کلام هستند که از نوع دلالت التزامی به شمار می آیند».

البتّه از آنجا که تفسیر اشاری دارای گونه های مختلف همچون تفسیر رمزی، عرفانی، صوفی، باطنی و شهودی است، تعریف های متعدّدی از آن ارایه شده است که در مبحث دیدگاه ها و دلایل، نقل و نقد و بررسی خواهد شد.

تاریخچه:

تاریخچه ی برخی از اقسام تفسیر اشاری همچون تفسیر باطنی را می توان در صدر اسلام پیدا کرد. یعنی ریشه های این تفسیر در سخنان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) است که فرموده اند: قرآن ظاهر و باطنی دارد (۱) و در برخی احادیث به باطن آیات اشاره کرده اند. (۲)

و در برخی احادیث از امام علی بن الحسین(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) حکایت شده که:

«کتاب اللّه عزّوجلّ علی أربعة أشیاء علی العبارة و الإشارة و اللطایف و الحقایق، فالعبارة للعوام و الاشارة للخواص و اللطایف

۱- (۱) . نک: بحار الانوار ، ج ۹۲ ، ص ۹۵؛ نهج البلاغه، خطبه / ۱۸؛ کنزالعمال ، ج ۱ ، ص ۲۴۶۱

۲- (۲) . در مبحث گونه های تفسیر اشاری (تفسیر باطنی) برخی از این موارد ذکر خواهد شد.

للأولياء و الحقايق للأنبياء ». (۱)

«کتاب خدای عزوجلّ برچهار چیز استوار است: بر عبارت و اشارت و لطایف و حقایق.

پس عبارت های قرآن برای عموم مردم است و اشارات آن برای افراد خاص است و لطایف قرآن برای دوستان و اولیاست و حقایق قرآن برای

پیامبران است».

از آنجا که همه ی مسلمانان پذیرفته بودند که قرآن دارای باطنی عمیق و معانی دقیق و کنآیات و اشارات است، راه برای این گونه تفسیرها باز شد تا آنجا که ابن عربی نوشت : «همان طور که تنزیل اصل قرآن بر پیامبر(صلی الله علیه و آله) از پیش خدا بوده، تنزیل فهم آن نیز بر قلوب مؤمنان از ناحیه ی حضرت حق صورت می گیرد». (۲)

از این رو در اعصار بعدی، برخی عرفا و صوفیه به گونه هایی از تفسیر اشاری همچون تفسیر رمزی و شهودی و صوفی و عرفانی توجّه کردند. و کتاب های تفسیری متعدّدی در این زمینه به نگارش در آمد.

از جمله تفسیر تُستری از ابن محمد بن سهل بن عبدالله التستری (۲۰۰- ۲۸۳) و کشف الأسرار و عدّة الابرار، میبدی (زنده در سال ۵۲۰ ه-) و تفسیر ابن عربی (۵۶۰ - ۶۳۸ ه-) را می توان نام برد.

علامه طباطبایی و آیت اللّه معرفت تاریخچه ی این روش تفسیری را

۱- (۱) . بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰ و ص ۱۰۳ و ج ۷۸، ص ۲۷۸

۲- (۲) . الفتوحات المکیة، محی الدین ابن عربی ، ج ۱ ، ص ۲۷۹.

از قرن دوّم و سوّم هجری می دانند، یعنی پس از آن که فلسفه ی یونانی به عربی ترجمه شد. (۱)

این روش تفسیری در طول تاریخ، فراز و نشیب های گوناگون داشته است و مفسّران مذاهب مختلف اسلامی و نیز صوفیه و عرفا هر کدام به گونه ای به این تفسیر توجّه کرده اند، که نمی توان همه را یکسان انگاشت و داوری واحدی در مورد همه روا داشت؛ چراکه برخی در این راه افراط کرده به راه تفسیر به رأی و تأویل های بی دلیل افتاده اند ولی برخی از باطن قرآن بر اساس ضوابط صحیح استفاده کرده اند.

دیدگاه ها:

درباره ی روش تفسیر اشاری دیدگاه ها، تعریف ها و تقسیم بندی های متفاوتی وجود دارد. و هر مفسّر یا صاحب نظری که در این مورد قلم زده به یک یا چند گونه از تفسیر اشاری توجّه کرده و با آن موافقت یا مخالفت نموده است یا یک گونه ی دیگری را ردّ کرده است. اینک برای آشنایی با دیدگاه ها برخی آنان را ذکر می کنیم.

اول: دیدگاه موافقان تفسیر اشاری:

الف: دیدگاه امام خمینی(ره)

ایشان در مورد برداشت های عرفانی از قرآن می نویسد:

«یکی دیگر از حُجب که مانع از استفاده از این صحیفه نورانیه

ص:۱۵۲

۱- (۱) . المیزان، ج ۱، ص ۵ و ص ۷؛ التفسیر والمفسّرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۵۲۶ - ۵۲۷.

است اعتقاد به آن است که جز آن که مفسّران نوشته یا فهمیده اند کسی را حق استفاده از قرآن شریف نیست، و تفکّر و تدبّر در آیات شریفه را با تفسیر به رأی که ممنوع است اشتباه نموده اند و به واسطه ی این رأی فاسد و عقیده ی باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده عاری نموده و آن را به کلی مهجور نموده اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی به هیچ وجه، مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد...».

سپس با مثالی در مورد آیات پیروی موسی از خضر و استفاده ی

توحید افعالی از آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» می نویسد: «الی غیر ذلک» از اموری که از لوازم کلام استفاده می شود که مربوط به تفسیر به هیچ وجه نیست.

علاوه بر آن که تفسیر به رأی نیز کلامی است که شاید آن غیر مربوط به آیات معارف و علوم عقلیه که موافق موازین برهانیه است و آیات اخلاقیه که عقل را در آن مدخلیت است، باشد. زیرا که این تفاسیر مطابق با برهان متین عقلی یا اعتبارات واضحه عقلیه است که اگر ظاهری بر خلاف آن ها باشد لازم است آن ها را از ظاهر مصروف نمود.

... پس محتمل است بلکه مظنون است که تفسیر به رأی راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است. و به صرف تعبّد

ص:۱۵۳

و انقیاد از خازنان وحی و مهابط ملایکهٔ الله باید اخذ کرد». (۱)

بررسی: ایشان برداشت های عرفانی از آیات را از مقوله ی تفسیر نمی داند بلکه از باب لوازم کلام (که شاید مقصود ایشان بطون باشد) می داند.

بنابر این ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی شود.

همانطور که اشاره شد امام خمینی(قدس سره) از طرفداران روش تفسیر اشاری صحیح است و در موارد متعددی از تفاسیر خود از مطالب باطنی و عرفانی استفاده کرده است. ولی یادآوری کرده که لازم است تفسیر عرفانی به تفسیر به رأی منتهی نشود، از این رو نباید مفاد آیات و روایات منحصر در معنای عرفانی آن شود. ایشان در همین مورد

می نویسند:

«گمان نشود که مقصود ما از این بیانات از حدیث شریف به طریق مسلك اهل عرفان، قصر کردن مفاد حدیث است به آن، تا از قبیل رجم به غیب و تفسیر به رأی باشد. بلکه دفع توهم قصر معانی احادیث وارده در باب معارف است به معانی مبذوله عرفیه. و عارف به اسلوب کلمات ائمه(علیه السلام) می داند که اخبار در باب معارف و عقاید با فهم عرفی عامیانه درست نیاید بلکه ادق معانی فلسفیه و غایت معارف اهل معرفت را در آنها گنجانیده اند، و اگر کسی رجوع کند به اصول کافی و توحید شیخ صدوق(ره) تصدیق می کند این مطلب را.

۱- (۱) . پرواز در ملکوت، مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی(ره)، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۲.

و منافات نـدارد این معنی با آنکه آن ائمه اهل معرفت و علماء بالله کلام شـریف خود را طوری جامع ادا کنند که هر طایفه ای به حسب ملک خود خوشه ای از آن خرمن بچینـد، و هیچ یک از آنها حق ندارند منحصـر کنند معنی آن را به آنچه فهمیدند. مثلاً از این حدیث شریف می توان یک معنی عرفی عامیانه کرد که موافق با ظهور لفظ و استظهار عرف است، مثل آنکه معنی اعرفوالله بالله آنست که خداوند را به آثار صنع و اتقان آن که آثار الوهیت است بشناسید، چنانچه پیغمبر را به رسالت او و آثار متقنه دعوت او، و اولوالامر را به کیفیت اعمال او از قبیل امر به معروف و عـدالت بایـد شـناخت، پس از آثار هر یک پی باید برد به خود آنهـا. و این منافـات نـدارد بـا آنکه معنی لطیف تری داشـته باشـد که آن به منزله بطن آن باشـد، و از آن نیز معنی لطیف تری باشد که بطن آن باشد.» (۱)

ولی از طرف دیگر امام خمینی(قدس سـره) یادآور می شوند که نباید سـخنان پیامبران و ائمه(علیه السلام) را منحصر در معانی عرفی و ظاهری دانست و خود را از معارف عرفانی آن محروم سازیم:

«و از غرائب امور آن است که بعضـی در مقام طعن و اشـکال گوینـد که: ائمه هدی(علیه السـلام) فرمایشاتی را که می فرمایند برای ارشـاد مردم، بایـد مطـابق با فهم عرفی باشـد و غیر از آن از معانی دقیقه فلسـفیه یا عرفانیه از آنها صادر نبایـد شود. و این افترایی است بس فجیع و تهمتی است بسیار

ص:۱۵۵

۱- (۱) . چهل حدیث، ص ۵۲۶.

فظیع که از قلت تدبر در اخبار اهل بیت(علیه السلام) و عدم فحص در آن با ضمیمه بعض امور دیگر ناشی شده است. فواعجبا! اگر دقایق توحید و معارف را انبیاء و اولیاء(علیه السلام) تعلیم مردم نکنند پس کی تعلیم آنها کند؟ آیا توحید و دیگر معارف، دقایقی ندارد و همهٔ مردم در معارف یکسان هستند؟ معارف جناب امیرالمومنین(علیه السلام) با ما یکسان است؟ و همین معانی عامیانه است، یا آنکه فرق دارد؟ و تعلیم آن لازم نیست، سهل است حتی رجحان هم ندارد؟ یا هیچیک نیست و ائمه(علیه السلام) اهمیت به آن ندادند؟ کسانی که آداب مستحبه خواب و خوراک و بیت التخلیه را فروگذار ننمودند از معارف الهیه که غایت آمال اولیاء است غفلت کردند؟ عجب تر آنکه بعضی از همین اشخاصی که منکران معانی هستند، در اخباری که راجع به فقه است و مسلم است که فهم آن موکول به عرف است یک مباحثه دقیقه ای تشکیل می دهند که عقل از فهم آن عاجز است فضلاً از عرف، و آن را به ارتکاز عرف نسبت دهند! هر کس منکر است به مباحثی که در باب «علی الید» و امثال آن از قواعد کلیه خصوصاً در باب معاملات است رجوع کند.» (۱)

بنابراین ایشان به تفسیر عرفانی باطنی ضابطه مند اشاره دارد که متکی بر عقل است و منتهی به تفسیر به رأی نمی شود.

البته در مورد این که تفسیر اشاری باطنی به نوعی داخل در تفسیر نیز هست در پایان مبحث دلایل مخالفان و موافقان تفسیر اشاری ، مطالبی بیان خواهیم کرد.

۱- (۱) . چهل حدیث، ص ۵۲۷.

ب) دیدگاه استاد حسن عبّاس زکیّ:

ایشان به دفاع از صوفیه برخاسته و تفسیر اشاری آنان را توجیه کرده و آن را از تفسیر باطنیه که ظاهر قرآن را کنار می گذارند ، جدا می داند و می نویسد:

«مفسّران که از علمای شریعت هستند بر ظاهر الفاظ قرآن توقّف می کنند. ولی اهل تحقیق یا صوفیه این تفسیر ظاهری را قبول می کنند و آن را اصل می دانند، ولی نمی گویند تفسیر ظاهری تنها مراد است. چون این موجب محدویت کلام خدا می شود که نامحدود است.

بلکه مافوق ادراک عقلی چیزی به نام قلب است که ذوق خاص دارد که مثل کسی است که میوه ای می خورد ولی نمی تواند مزه ی آن را برای دیگری بگوید. از این رو سخن قلب در قالب الفاظ در نمی آید و از آن به «اشاره» تعبیر می شود. پس اشارات، ترجمان تجلّیات و مشاهدات قلبی است ، یعنی اسرار کلام خدا و پیامبر که خدا بر برگزیدگان و دوستان خود افاضه می کند و این، همان باطن قرآن است.

ولی این اشارات قلبی و تفسیر صوفیه نیز تنها مراد آیات قرآن نیست آن گونه که باطنیه می گویند و شریعت را باطل می دانند. و در برابر نصوص قرآن خاضع نمی شوند. (۱)

بررسی: سخن ایشان در باره ی جمع بین ظاهر و باطن قرآن نیکوست اما ایشان توضیح نداده که چگونه شهودهای قلبی را به عنوان باطن قرآن بپذیریم، و معیار و ضابطه آن چیست.

ص:۱۵۷

۱- (۱) . مقدمه تفسیر القشیری، ج ۱، ص ۴ - ۶.

به نظر می رسد که مشکل اصلی تفسیر عرفانی ، صوفی ، اشاری ، رمزی و باطنی در همین جاست. که در مباحث بعدی بدان می پردازیم.

ج) از دیگر طرفداران تفسیر اشاری (از نوعی صوفی) می توان از تفتازانی نام برد که می نویسد:

«اما آنچه که برخی محققان گفته اند که نصوص قرآن ظواهر آن باقی است اما در آن اشارات مخفی به امور دقیق است که برأی اهل سلوک کشف می شود، که ممکن است این اشارات را با ظاهر آیات که مقصود است جمع کرد، این مطلب از کمال ایمان و عرفان خالص است». (۱)

دوّم: دیدگاه مخالفان تفسیر اشاری:

دیدگاه استاد عمید زنجانی:

ایشان در کتاب مبانی و روش های تفسیری فصل هشتم را به این روش تفسیری اختصاص داده و آن را به سه گونه ی فرعی تقسیم کرد، و این گونه توضیح داده است:

الف) تفسیر رمزی:

صوفیه و باطنیه، که دین را از قید و بند ظواهر شرع و جهات خشک و تقیّدات مذهبی آزاد می دانستند، جهت استحکام تشکیلات مذهبی خود به دو مسأله ی باطن داشتن قرآن، و امثال و کنایات و اشارات موجود در آیات توجّه کردند.

۱- (۱) . اصول التفسیر و قواعده، عبدالرحمن العک، ص ۲۱۵.

آنان از این دو مسأله به منظور تأمین مقاصد مـذهبی خود اسـتفاده کردنـد و تعلیمات عرفانی و ذوقی و اسـرار و مبانی مـذهبی خویش را به عنوان تفسیر بطنی قرآن بیان کردند.

سپس ایشان این روش را تفسیر به رأی می خواند و مثال هایی از تفسیر قرآن ابن عربی می آورد. (۱)

سپس گروه «باطنیه» را معرّفی می کند و می نویسد:

«باطنیه، طایفه ای از شـیعیان بودند که منکر ظواهر شـرع و قرآن بودند و مقصود حقیقی قرآن را باطن آن می دانند. و هر کس به ظـاهر قرآن تمسّک جویـد گمراه است. آنان ظواهر عبادات و بهشت و جهنّم و...را رموز و اشاراتی حاکی از اسـرار مـذهب می دانند. حتی مفضّل یکی از یاران امام صادق علیه السلام در نامه ای به حضرت در مورد گروه باطنیّه کسب نظر می کند که حضـرت در پاسـخ می نویسـد: «در بـاره ی طـایفه ای سـخن گفته بودی که من آنان را می شـناسم ... به تو گفته انـد که آنان گمـان می کننـد شـناخت دین همان شـناخت اشخاصـی چنـد (همچون امامان باطنیّه) است، نوشـته بودی که آنان می پنـدارند مقصود از نماز، زکات، روزه، حج، عمره، مسجدالحرام و مشعرالحرام یک شخص معین است... .

آگاه باش که هر کس چنین عقیده ای داشته باشد در نظر من مشرك است... . این گونه افراد، سخنانی شنیده اند ولی نتوانسته اند آن

ص:۱۵۹

۱- (۱) . مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۱۴ - ۳۱۶.

را درک کنند». (۱)

و در پایان این شیوه را خارج از حدود دلالت لفظی دانسته، آن را تفسیر به شمار نمی آورد. (۲)

ب) تفسیر اشاری:

برخی به شیوه ی تفسیری صوفیه، تفسیر اشاری اطلاق کرده اند، از این رو که ظواهر آیات به معانی مورد نظر آنان اشاره دارد. این اصطلاح از روایت معروف که یکی از وجوه قرآن را اشاره، است اتخاذ گردیده است. (۳)

سپس شرایط تفسیر اشاری را می آورد و با بیان مثالی در دلالت

تفسیر اشاری (با فرض وجود شرایط) تشکیک می کند. (۴)

ج) تفسیر شهودی:

تفسیر شهودی یا تفسیر اشراقی بر اساس مکتب اشراق و شهود، در برخی از تفاسیر دیده می شود.

شهود حالتی روحی و احساسی درونی و شخصی است که با اذکار یا افعال یا تفکر در امر خاصی در انسان به وجود می آید ، و در مصادیق صحیح آن واقعیت هایی بر انسان مکشوف می شود.

سپس یاد آور می شود: راه مکاشفه یک منطق و طریقه ی احساس شخصی است و قابل انتقال به دیگری نیست و بر دیگران نمی تواند حجّت

ص:۱۶۰

۱- (۱) . بصایر الدرجات، محمد بن حسن صفّار، ص ۵۲۶؛ مقدمه تفسیر برهان ، ص ۱۲

۲- (۲) . مبانی و روش های تفسیر قرآن ، ص ۳۲۲

۳- (۳) . این روایت به نقل از امام سجاد علیه السلام و امام صادق علیه السلام در مبحث تاریخچه آورده شد

۴- (۴) . مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۲۵ - ۳۲۶.

باشد. و در پایان چنین آورده است: راه درک حقایق ، یعنی مکاشفه و شهود، حتّی اگر حق و قابل قبول هم باشد، رسیدن به معانی و مقاصد آیات قرآن از طریق مکاشفه و شهود نمی تواند مصداقی برای تفسیر باشد؛ زیرا در صدق تفسیر، استناد به دلالت لفظی شرط اساسی است در حالی که در مکاشفه و شهود استناد به امر دیگری است. (۱)

بررسی:

به نظر می رسد که جدا سازی تفسیر اشاری در بخش شهودی و رمزی مفید است. با توضیح این که مقصود از تفسیر رمزی همان تفسیر صوفی نظری و منظور از تفسیر شهودی همان تفسیر صوفی عملی یا

فیضی باشد. اما جدا سازی تفسیر اشاری از رمزی با توضیحاتی که نویسنده ی محترم آورده است روش مند مستدل نگردیده و در حقیقت دو نام برأی یک شیوه ی تفسیری است.

به هر حال ایشان روش تفسیر اشاری ، شهودی و رمزی یعنی تمام اقسام تفسیر عرفانی و صوفی را نمی پذیرد.

سوم: دیدگاه قایلان به تفصیل در تفسیر اشاری:

الف) دیدگاه علّامه طباطبایی:

ایشان در مقدّمه ی تفسیر المیزان با اشاره به روش تفسیر صوفی می نویسد: «اما اهل تصوّف به خاطر مشغول بودن به سیر باطنی در خلقت ،

ص:۱۶۱

۱- (۱) . مبانی و روش های تفسیر قرآن، ص ۳۲۷ - ۳۲۸ (با تلخیص).

و توجّه به آنان به آیات انفسی و توجّه کمتر به عالم ظاهر و آیات آفاقی ، فقط به تأویل قرآن پرداختند و تنزیل (و ظاهر قرآن) را کنار گذاشتند.

و این مطالب موجب جرأت مردم بر تأویل قرآن و تألیف سخنان شعری و استدلال از هر چیزی برأی هر چیز شد.

تا آن که در نهایت کار به تفسیر آیات بر اساس حساب جُمل و برگشت دادن کلمات به زُبر و بیّنات و حروف نورانی و ظلمانی و غیر آن شد». (۱)

سپس در انتقاد از این روش می نویسد: «واضح است که قرآن تنها برای اهل تصوّف نازل نشده است و مخاطب آن اهل علم اعداد و آفاق و حروف نیستند و معارف قرآن براساس حساب جُمل که اهل نجوم یونانی آن را قرار داده اند نیست».

در ادامه به روش تفسیر باطنی اشاره می کند و می نویسد : «بلی در احادیث از پیامبرصلی الله علیه وآله و ائمه علیه السلام وارد شده که قرآن ظاهر و باطنی دارد و باطن آن باطن دارد تا هفت یا هفتاد بطن دارد.

ولی اهل بیت علیه السلام با توجّه به ظاهر، به باطن نیز توجّه می کردند و به تأویل و تنزیل - هر دو - توجّه داشتند.» (۲)

بررسی: ایشان چند گونه از تفسیر اشاری را نام برده اند :

اول تفسیر صوفی که بر اساس تأویل های بدون دلیل پایه گذاری شده است.

۱- (۱) . المیزان، ج ۱ ، ص ۷

۲- (۲) . همان.

دوّم تفسیر باطنی صحیح که بر اساس توجّه به ظاهر و باطن قرآن استوار است.

ب) دیدگاه آیت اللّه معرفت:

ایشان در مورد تفسیر عرفانی (رمزی و اشاری) می نویسد: «در اینجا برای اهل عرفان باطنی تفاسیری هست که بر اساس تأویل ظواهر (آیات) و اخذ به باطن تعابیر (قرآن) بدون توجّه به دلالت های ظاهری آن ها، پایه گذاری شده است. و بر دلالت رمز و اشاره بر اساس اصطلاح خودشان، پایه گذاری شده است.

و از اطراف و جوانب کلام استفاده می کنند نه از صریح الفاظ و دلالت کلام.

آنان برأی ظواهر تعابیر باطن هایی را فرض کرده اند و آن ها را بر قرآن کریم حمل (تحمیل) می کنند و در این راه به ذوق عرفانی ویژه ای استناد

می کنند که ما ورای فهم معمولی مردم است). (۱)

سپس ایشان با بیان تاریخچه تفسیر عرفانی آن را تفسیر صوفیه می خواند و به مسأله ی تفسیر باطنی اشاره می کند و می فرماید : «هر چند که ما تأویلات غیر مستند این افراد را منکر هستیم، اما قبول داریم که قرآن ظاهر و باطن دارد، همان طور که از پیامبرصلی الله علیه وآله حکایت شده است.

ظاهر قرآن عبارت است از معنایی که از تنزیل (آنچه نازل شده است) استفاده می شود. و بر استفاده از ظاهر تعبیرات (آیات) بر اساس

۱- (۱) . التفسیر و المفسّرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۵۲۶.

اصول مقرّر در باب تفهیم و تفهّم استوار است.

اما باطن عبارت است از مفهوم عام شامل، که از فحوای آیه استنباط می شود. یعنی آیه به طوری تأویل می شود و به جایی باز می گردد که بر موارد مشابه در طول زمان منطبق شود.

البته تأویل (و به دست آوردن بطن) شرایطی دارد که بر اساس ذوق های مختلف و سلیقه ها نیست.» (۱)

سپس ایشان به تفسیر شهودی اشاره می کند و می نویسد: تفسیر صوفی بر مقدّمات علمی و برهآن های منطقی و سبب معقول تکیه نمی کند، بلکه تفسیر آنان چیزی است که به سبب اشراقات نوری که از محل بالاتر افاضه می شود. یعنی صوفی عارف به درجه ی کشف و شهود می رسد و معنا برای او کشف می شود. و به او اشارات قدسیّه می شود و به قلب او از غیب معارف الهی می رسد. (۲)

و در ادامه ایشان در مورد انواع تفسیر باطنی می نویسد: «تفسیر صوفی را به دو نوع تقسیم کرده اند: نظری و فیضی.

این تقسیم بر اساس تقسیم تصوّف به نظری و عملی است که تصوّف نظری بر اساس بحث و درس است اما تصوّف عملی بر اساس زهد و گذراندن مراحل سیر و سلوک عملی و اذکار و اوراد است». (۳) و در ادامه، ریشه ی تصوّف نظری را به یونانیان بر می گرداند و تعالیم آن ها را از روح

۱- (۱) . همان، ص ۵۲۷

۲- (۲) . باتلخیص، همان، ص ۵۲۸

۳- (۳) . همان، ص ۵۳۷.

قرآن دور می داند که آنان تلاش می کنند نظریات عملی خود را بر قرآن تحمیل کنند.

اما تصوّف فیضی آن است که قرآن را بر خلاف ظاهر آن براساس اشارات رمزی تفسیر می کند که برأی صاحبان سلوک و ریاضت ظاهر می شود ولی دلیل و برهان ندارد. (۱)

بررسی:

ایشان نیز چند قسم از تفسیر اشاری را بیان کرده اند:

اول تفسیر صوفی که براساس تأویل و باطن قرآن و تصوّف نظری قرآن استوار است، اما تأویلات آن ها دلیل ندارد.

دوّم تفسیر صوفی که براساس کشف و شهود و تصوّف عملی است.

سوّم تفسیر باطنی صحیح که براساس ضوابط صحیح تأویل و

بطن یابی استوار است.

مراحل به دست آوردن بطن و تأویل آیات:

مراحل صحیح پی بردن به بُطون (پیام های نهفته) قرآن عبارت است از:

۱- جویا شدن هدف آیه.

۲- سنجیدن آن هدف با خصوصیات ذکر شده در متن آیه.

۳- آنچه در تحقّق یافتن هدف دخالت دارد باقی گذارده شود و آنچه دخالت ندارد نادیده گرفته شود.

۱- (۱) . همان، ص ۵۳۸.

۴- مفهومی عام از متن آیه برداشت شود که مستقیما در راستای هدف آیه قرار داشته باشد و از خصوصیات ذکر شده پیرامون آیه فراتر بوده و بر موارد مشابه مورد نزول آیه در هر زمان و هر مکان قابل تطبیق باشد.

۵- معیار صحّت این برداشت در آن است که : مفهوم عام مُستَخرَج از بطن آیه به گونه ای باشد که مورد نزول آیه یکی از مصادیق شاخص آن مفهوم عام گردد. و اگر چنین نشد و با ظاهر تنزیل تناسب قریب نداشت، چنین استخراجی نادرست و از قبیل تأویل باطل و تفسیر به رأی خواهد بود. (۱)

در این مورد به مثال های سه گانه گذشته توجّه کنید تا مطلب روشن شود.

۲- معیارهای تفسیر اشاری صحیح:

از سخنان کسانی که تفسیر اشاری باطنی صحیح را پذیرفته اند استفاده می شود، که رعایت ضوابط و شرایط زیر در این تفسیر لازم است:

الف) توجّه به ظاهر و باطن قرآن هر دو؛ یعنی توجّه به بطن و اشارات قرآن، مفسِّر را از توجّه به ظاهر آیات و تفسیر ظاهری آن غافل نکند و نگوید که قرآن غیر از تفسیر اشاری باطنی تفسیر دیگری ندارد. این ضابطه از کلام علّامه ی طباطبایی و آیت اللّه معرفت و استاد حسن عباس زکی استفاده می شد. (۲)

ص:۱۶۶

۱- (۱) . این مطلب از مبحث تأویل و بطن از نوشته های نشر یافته ی آیهٔ الله معرفت استفاده شد که معظّم له از سرِ لطف در اختیار نگارنده قرار داده بود

۲- (۲) . نک: المیزان ج ۱، ص ۷؛ التفسیر و المفسّرون فِي ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۵۲۷؛ مقدّمه تفسیر القشیری، ج ۱، ص ۴-۶.

ب) رعـایت مناسـبت نزدیـک بین ظـاهر کلاـم و بـاطن آن، یعنی بین دلالت ظاهری و دلالت باطنی کلام، به طوری که بیگانه نسبت به همدیگر نباشد؛ یعنی مناسبت لفظی یا معنوی باشد به گونه ای که بتوان بطن را از ظاهر کلام انتزاع کرد. (۱)

همانطور که در مثال قتل و حیات دیدیم که حیات جسم و حیات معنوی و روحی (یعنی هدایت) مناسبت دارد.

ج) مراعات نظم و دقت در الغای خصوصیاتی که در کلام هست. تا بتوان اصل و مغز کلام را به صورت مفهوم عامی به دست آوریم.

همـان طور که در قانون «سبر و تقسـیم» در منطق گفته شـده و در علم اصول از آن با عنوان «تنقیـح مناط» یاد می شود که فقها برای به دست آوردن ملاک قطعی حکم شرعی از آن استفاده می کنند و حکم نفیا و اثباتا دایر مدار آن است و ملاک همان عموم فحوای کلام است نه خصوص عنوان وارد شده در زبان دلیل.

این دوشرط و ضابطه را آیت الله معرفت برای تأویل و بطن صحیح آورده اند. (۲)

د) تفسیر اشاری باطنی با آیات محکم قرآن و دلایل قطعی عقل منافات نداشته باشد.

ه-) تفسیر اشاری باطنی قرینه ی معتبر داشته باشد که این قرینه

۱- (۱) . التفسیر و المفسّرون، آیهٔ الله معرفت ، ج ۱، ص - ۱۵

۲- (۲) . همان، ص ۲۸.

گاهی عقلی و گاهی نقلی همچون آیات و روآیات است.یعنی گاهی از روش تفسیر عقلی و اجتهادی و گاهی از روش تفسیر روایی برای به دست آوردن از بطن و پیام آیه استفاده می شود.

و) مفهوم عام و قاعده ی کلی که از آیه استخراج می شود طوری باشد که مورد آیه یکی از مصادیق آن باشد.

بنابراین اگر شرایط عام تفسیر رعایت شود، تفسیر اشاری باطنی ضابطه مند و معتبر خواهد بود.

ج) دیدگاه دکتر ذهبی:

ایشان تفسیر اشاری را به دو قسم تقسیم می کند:

اوّل: تفسیر صوفی نظری که بر مقدمات علمی استوار است که در ذهن صوفی مشخّص شده است.

در این شیوه، مفسّر گمان می کند که تمام مقصود آیه را درک کرده و چیزی غیر از این تفسیر اشاری صوفی نظری نیست که آیه را بر آن حمل کنند.

سپس ایشان محی الدین ابن عربی را از بزرگان این شیوه می نامد.

دوّم: تفسیر صوفی فیضی، که بر اساس ریاضت های روحی صوفی استوار است تا این که او به درجه ی کشف می رسد و اشارات قدسی را دریافت می کند.

در این شیوه، مفسّر گمان نمی کند که تفسیر صوفی فیضی تمام

معنای آیه باشـد بلکه احتمال می دهـد که معنای دیگری نیز باشـد که همان معنای ظاهری است که قبل از هر چیز به ذهن می رسد. (۱)

د) دیدگاه شیخ خالد عبدالرحمن العک:

ایشان تفسـیر اشاری را این گونه تعریف می کند: «آن تأویل آیات قرآن کریم بر اساس چیزی غیر از ظاهر آیات و به مقتضای اشارات خفی است که برأی اهل علم و سلوک ظاهر می شود، که براساس تطابق بین آن اشارات و بین ظواهر مقصود از آیات قرآن به وجهی شرعی، بنا گذاشته می شود». (۲)

سپس ایشان با توضـیح معنای اشاره و تقسـیم آن به اشاره ی حسّـِی و ذهنی، تفسـیر اشاری ذهنی را به دو قسم مخفی و آشکار تقسیم می کند و می نویسد:

اوّل: اشارات خفی که اهل تقوی و صـلاح و علم هنگام تلاوت قرآن آن ها را درک می کنند. و اینها معانی اسرار قرآنی است که به قلب مؤمن

متقی و صالـح عالم القاء می شود، که یا بین خود و خـدایش می مانـد یا این که آن را برأی دیگران می گویـد، بـدون آن که کسی ملزم به پذیرش آن ها باشد.

دوّم: اشارات آشـکار که آیات طبیعت در قرآن آن ها را در بر دارد. یعنی آیاتی که اشارات واضح به علوم جدید و اکتشافات دارد که این

۱- (۱) . التفسیر و المفسّرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۳۳۹

۲- (۲) . اصول التفسیر و قواعده، ص ۲۰۵.

همان اعجاز علمی قرآن در عصر ما - یعنی عصر علم - است». (۱)

سپس شروط تفسیر اشاری را بیان کرده، (۲) یادآور می شود که تفسیر اشاری در حوزه ی اخلاق و کمال نفس و تقویت ایمان و یقین کاربرد دارد اما احکام شرعی از تفسیر اشاری گرفته نمی شود.

و در پایان مرز تفسیر اشاری را با تفسیر صوفی مشخص ساخته و می نویسد:

«تفسیر اشاری که با شروط مذکور بیان شد غیر از تفسیر به روش فلسفی نظری صوفی درباره ی تفسیرهای اشاری است که از دایره ی تفسیر مشروع خارج می شود».

سپس تفسیر صوفی را اینگونه توضیح می دهد : «صوفیه به علم «اشاره» قایل هستند و آن علمی به اسرار قرآن کریم است از طریق عمل به آن، صوفیه می گویند که تحت هر حرف از حروف قرآن، نکات قابل فهم زیادی است که برأی هر کس بهره ای از آن هست».

سپس برای این روش تفسیری مثال هایی آورده است.

بررسی:

ایشان سه قسم از تفسیر اشاری را بیان کرد:

اوّل: تفسیر اشاری مخفی به معنای اسرار قرآنی که به قلب عالمان اهل تقوی القا می شود.

۱- (۱) . همان، ص ۲۰۶ و ص ۲۰۹

۲- (۲) . شروط ایشان را در مبحث معیارهای تفسیر اشاری خواهیم آورد.

دوّم: تفسیر اشاری آشکار به معنای اشارات علمی قرآن به علوم جدید.

سوّم: تفسیر اشاری به معنای تفسیر فلسفی صوفی که براساس علم اشاره و اسرار حروف استوار است.

البته به نظر می رسد که قسم دوّم از تفاسیر اشاری به شمار نمی آید بلکه روش مستقلّی در تفسیر قرآن است که ما تحت عنوان روش تفسیر علمی قرآن بیان کردیم.

مثال های روایات تفسیری مهدویت در روش تفسیر اشاری:

«وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ (۱)و می خواهیم که برکسانی که در زمین مستضعف شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان (زمین) گردانیم وآنان را وارثان (آن) قرار دهیم.»

النبی(صلی الله علیه و آله): «إن الله تعالی لم یبعث نبیاً و لا رسولاً إلا جعل له اثنی عشر نقیباً... ثم ابنه محمد بن الحسن المهدی القائم بأمر الله ثم قال یا سلمان ... و ذلک تأویل هذه الآیة «وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ» قال فقمت من بین یدیه و ما أبالی لقیت الموت أو لقینی» (۲)

۱- (۱) . قصص / ۵

۲- (۲) . دلائل الإمامة: ص- ۲۳۷ - و عنه (أبو المفضل) قال: حدثنی علی بن الحسن المنقری الکوفی قال: حدثنی أحمد بن زید الدهان، عن مکحول بن إبراهیم، عن رستم بن عبدالله بن خالد المخزومی، عن سلیمان الأعمش، عن محمد بن خلف الطاطری، عن زاذان، عن سلمان قال: قال لی رسول الله: -

بررسی:

ظاهر آیه فوق در مورد بنی اسرائیل است که مستضعفان آن قوم با اراده الهی بر فرعونیان پیروز می شوند و جانشین آنها می گردند. (۱)

ولی تأویل و باطن آیه در مورد امام مهدی(علیه السلام) و پیروزی نهایی اوست همانطور که در روایت فوق تصریح شده بود.

البته این با یکی از معانی بطن و تاویل سازگار است که همان الغاء خصوصیت از آیه و اخذ قاعده کلی و تعیین مصادیق جدید در هر عصر و تعیین مصداق کامل آن در عصر امام عصر(علیه السلام) است.

«حم * عسق؛ (۲) حا، میم. عین، سین، قاف.»

الإمام الباقر(علیه السلام): «حم»: حتم، و «عین»: عذاب، و «سین» سنون کسنی یوسف، و قاف»: قذف و خسف و مسخ یکون فی آخر الزمان بالسفیانی و أصحابه، و ناس من کلب ثلاثون ألف ألف یخرجون معه. و ذلک حین یخرج القائم(علیه السلام) بمکة، و هو مهدی هذه الأمة» (۳)

۱- (۱) . نک: تفاسیر مشهور شیعه و اهل سنت ذیل آیه مثل مجمع البیان و ... المیزان، نمونه، تفسیر کبیر فخررازی، تفسیر الکشاف و..

۲- (۲) . شوری / ۱ و ۲

۳- (۳) . تفسیر الثعلبی، سورة الشوری الآیة ۱ - و قال بکر بن عبدالله المزنی: - العمدة: ص- ۴۲۹، ح- ۸۹۸ - عن الثعلبی. الطرائف: ص- ۱۷۶ - ح- ۲۷۶ - عن الثعلبی. منهج الصادقین: ج- ۸ - ص- ۲۰۲ - مرسلاً عن بکر بن عبدالله: - إثبات الهداة: ج- ۳، ص- ۶۰۴، ب- ۳۲، ف- ۴، ح- ۹۷ - عن الطرائف. البحار: ج- ۳۶، ص- ۳۶۷، ب- ۴۱ - عن العمدة. و فی: ج- ۵۱، ص- ۱۰۵ ، ب- ۵، ح- ۴۰ - عن الطرائف. العوالم: ج- ۱۵ / ۳، ص- ۳۰۴، ب- ۱۴، ح- ۳ - عن العمدة.

بررسی:

یکی از اقسام تفسیر اشاری، تفسیر رمزی است که حروف مقطعه قرآن در بسیاری از روایات تفسیری توضیح داده شده است. در روایت فوق نیز به برخی رموز «حم، عسق» اشاره شده است. صرف نظر از سند این احادیث و اقوال مختلفی که در مورد حروف مقطعه قرآن وجود دارد، (۱) این مطلب حائز اهمیت است که در روایات تفسیری مهدویت به تفسیر اشاری رمزی در مورد حروف مقطعه توجه شده که لازم است در چهارچوب تفسیر اشاری رمزی بدانها پرداخته و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد ولی باید بدانیم که معنای حروف مقطعه منحصر به این احتمالات نیست.

مثال دیگر: «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ؛ (۲)و بیقین هفت (آیه از سوره حمد با نزول) دوباره، و قرآن بزرگ را به تو دادیم.»

الإمام الصادق(علیه السلام):

«إن ظاهرها الحمد، و باطنها ولد الولد، و السابع

ص:۱۷۳

۱- (۱) . نک: المیزان، ج ۱، ذیل آیه اول سوره بقره

۲- (۲) . حجر / ۸۷.

منها القائم(علیه السلام)». (۱)

تـذکر: در روایت فوق ظاهر آیه «سـبعاً» به معنای هفت عـدد است که «سـبعاً من المثانی» یکی از نام های سوره حمـد است که هفت آیه دارد همـانطور که در روایت اشـاره شـده است. امـا بـاطن آیه هفتمین امـام از نسـل امـام صـادق(علیه السـلام) اسـت (حضرات صادق - کاظم - رضا - جواد - هادی - حسن عسگری - مهدی(علیهم السلام)

البته ارتباط ظاهر و باطن آیه فوق برای ما کاملاً روشن نیست ولی شایـد اشاره به آن باشـد که سوره حمـد هفت آیه ای دو بار نـازل شـد، معصومان در اسـلام نیز به دو دسـته هفت تایی تقسـیم می شونـد که از پیامبر(صـلی الله علیه و آله) تا امام باقر(علیه السـلام) گروه اول بودند و از امام صادق(علیه السـلام) تا امام عصـر(علیه السـلام) گروه دوم بودند که این مطلب با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلی و تطبیق بر مصادیق جدید می تواند سازگار باشد.

مثال دیگر: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتَابِ اللّهِ یَوْمَ

۱- (۱) . العیاشی: ج- ۲ ص- ۲۵۰ ح- ۳۷ - عن یونس بن عبدالرحمن، عمن ذکره رفعه قال: سألت أبا عبدالله(علیه السلام) عن قول الله (وَلَقَدْ آتَیْنَاکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثَانِی وَالْقُرْآنَ الْعَظِیمَ) قال: - إثبات الهداهٔ: ج- ۳ ص- ۵۵۱ ب- ۳۲ ف- ۲۸ ص- ۵۶۸ - عن العیاشـی، و قال «أقول تقـدم الوجه فی مثله، و الأقرب هنا أن یراد ولـد ولـد الحسـین(علیه السـلام) و هو الباقر(علیه السـلام) فإن السابع من أولاده القائم(علیه السلام)، و الصادق(علیه السلام) محسوب من السبعهٔ علی التوجیهین». البرهان: ج- ۲ ص- ۳۵۴ ح- ۸ - عن العیاشی. المحجهٔ: ص- ۱۱۳ - عن العیاشی. البحار: ج- ۲۴ ص- ۱۱۷ ب- ۳۹ ح- ۶ و ج- ۹۲ ص- ۲۳۶ ب- ۲۹ ح- ۲۶ - عن العیاشی. نور الثقلین: ج- ۳ ص- ۲۷ ح- ۱۰۱ - عن العیاشی.

خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلاَ تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَّةً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ؛ (۱) در حقیقت، تعداد ماه ها نزد خدا [از] روزی که آسمان ها و زمین را آفریده، در کتاب الهی، دوازده ماه است؛ که از آنها چهار [ماه] حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه] ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان] همگی با شما می جنگند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگهدار) است.»

الإمام الباقر(علیه السلام): «یا جابر أما السنة فهی جدی رسول الله(صلی الله علیه و آله). و شهورها اثنا عشر شهرا. فهو أمیرالمومنین وإلی، و إلی ابنی جعفر و ابنه موسی، و ابنه علی، و ابنه محمد، و ابنه علی، و إلی ابنه الحسن، و إلی ابنه محمد الهادی المهدی، إثنا عشر إماما حجج الله فی خلقه، و أمناؤه علی وحیه و علمه.

و الأربعة الحرم الذین هم الدین القیم، أربعة منهم یخرجون باسم واحد: علی أمیرالمومنین و أبی علی بن الحسین و علی بن موسی و علی بن محمد. فالإقرار بهؤلاء هو الدین القیم. و لا تظلموا فیهن أنفسکم: أی قولوا بهم جمیعاً تهتدوا» (۲)

۱- (۱) . توبه / ۳۶

۲- (۲) . غیبة الطوسی: ص- ۹۶ - (وروی) جابر الجعفی قال: سألت أبا جعفر(علیه السلام) عن تأویل قول الله عزوجل: إن عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهراً فی کتاب الله یوم خلق السموات و الأرض منها أربعة حرم ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن أنفسکم، قال: فتنفس سیدی الصعداء ثم قال: - مناقب ابن شهر آشوب: ج- ۱ ص- ۲۸۴ - بعضه، مرسلًا عن جابر بن یزید الجعفی، عن أبی جعفر(علیه السلام)، و فیه «و فی خبر آخر أربعة حرم، علی والحسن و الحسین و القائم، بدلالة قوله: ذلک الدین القیم». إثبات الهداة: ج- ۱ ص- ۵۴۹ ب- ۹ ف- ۱۷ ح- ۳۵۷ - عن غیبة الطوسی بتفاوت یسیر. البرهان: ج- ۲ ص- ۱۲۳ ح- ۵ - عن غیبة الطوسی.المحجة: ص- ۹۳ - عن غیبة الطوسی.البحار: ج- ۲۴ ص- ۲۴۰ ب- ۶۰ ح- ۲ - عن غیبة الطوسی، و المناقب.نور الثقلین: ج- ۲ ص- ۲۱۵ ح- ۱۴۰ - عن غیبة الطوسی.منتخب الأثر: ص- ۱۳۷ ف- ۱ ب- ۸ ح- ۴۸ - عن غیبة الطوسی.

تذکر: در این روایت «ماه» (شهر) های دوازده گانه ظاهر آن همان ماههای سال است اما باطن آن دوازده امام(علیه السلام) هستند.

این مطلب می تواند با نوعی الغاء خصوصیت و اخذ قاعده کلید و تطبیق بر مصادیق جدید (بطن به معنای خاص) سازگار آید.

۶. روش تفسیر به رأی:

مفهوم شناسی:

رأی: اصل این واژه به معنای نظر کردن به هر وسیله ای است، اعم از نظر کردن با چشم یا قلب یا به وسیله ی شهود روحانی یا به وسیله ی قوه ی خیال. (۱)

و واژه ی «رأی» به معنای عقیده ای است که از غلبه ی گمان پیدا می شود. (۲)

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ج۴، ص ۱۴

۲- (۲) . مفردات راغب اصفهانی، ماده ی «رأی».

و برخی مفسّران برآنند که واژه ی «رأی» در کتاب و سنّت به معنای

درک عقلانی به کار نرفته است. (۱)

پس می توان گفت که واژه ی «رأی» به معنای عقیده، دیدگاه و سلیقه ی شخصی است که براساس گمان شکل گرفته است.

باء:

واژه ی «باء» در «تفسیر به رأی» ممکن است به یکی از سه معنا باشد:

الف) باء سببیّت، یعنی: هرکس قرآن را به وسیله و به سبب رأی خود تفسیرکند، جایگاهی از آتش دارد (یعنی ممکن است انگیزه و سبب اصلی تفسیر آیه، همان رأی و نظر شخصی او باشد، در برابر کسی که سبب و انگیزه ی اصلی او از تفسیر، رأی او نیست بلکه او به دنبال حقایق قرآن است و اگر رأی شخصی او مطابق یا مخالف تفسیر باشد برایش فرقی نمی کند).

ب) باء استعانت، یعنی: هرکس قرآن را با کمک رای خود تفسیر کند جایگاهی از آتش دارد. (در برابر کسانی که قرآن را با کمک قراین عقلی و نقلی تفسیر می کنند.)

ج: باء زایده، یعنی: هرکس به جای تفسیر قرآن رأی خود را بگوید. و رأی شخصی او مصداق تفسیر شود. (دربرابر کسی که تفسیر حقیقی قرآن را می گوید نه رأی خود را به جای تفسیر)

البتّه معنای اوّل و دوم با روآیات تفسیر به رأی سازگار است و معنای

۱- (۱) . تفسیر به رای، مکارم شیرازی، ص ۲۲.

دوّم (استعانت) اظهر است. (۱)

در مباحث آینده در تحلیل روایات تفسیر به رأی، این معانی با توجّه به روایات بررسی خواهد شد.

پیشینه ی تاریخی تفسیر به رأی

زمان دقیق پیدایش روش تفسیر به رای روشن نیست، اما برخی از روایات در مورد مذمّت تفسیر به رای از پیامبر(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است، (۲) از ظاهر این گونه احادیث می توان استفاده کرد که روش تفسیر به رأی از زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) شروع شده بود و از این رو ایشان از این روش یاد کرده و انجام دهندگان آن را سرزنش نموده است، و لحن روایات آن نیست که در آینده چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد و الآن پیامبر(صلی الله علیه و آله) پیش گویی می کند.

بعد از پیامبر(صلی الله علیه و آله) در زمان ائمه(علیه السلام) نیز، این مسأله مطرح بوده است، از این رو تعدادی از روایات در مورد مذمّت تفسیر به رأی از آنان صادر شده است. (۳) و حتّی حکایت شده که امام علی(علیه السلام) برخی افراد را مخاطب قرار داده و از تفسیر به رأی نهی کرده است. (۴)

البتّه برخی از این احادیث ناظر به افرادی است که مکتبی دربرابر اهل

ص:۱۷۸

۱- (۱) . نک: درآمدی بر تفسیر علمی قران، ص ۱۰۹، نگارنده؛ مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۸-۲۲۹

۲- (۲) . نک: امالی صدوق، ص۶، حدیث ۳ و سنن ترمذی، ج۴؛ کتاب تفسیر القران، حدیث ۲۹۶۰ - ۲۹۶۱؛ مقدّمه تفسیر برهان، ص ۱۶

۳- (۳) . این روآیات در بخش بعدی می آید

۴- (۴) . البرهان، ج۱، ص ۴۱.

بیت(علیه السلام) در تفسیر قرآن گشوده بوده اند. (۱)

در عصرهای بعدی نیز تفسیر به رأی در برخی از کتاب های تفسیر راه یافت و گاهی فرقه ها و مفسّران همدیگر را متّهم به تفسیر به رأی می کردند. برای مثال برخی نویسندگان فخر رازی صاحب تفسیر کبیر و اخوان الصفا و برخی صوفیه و نیز گاهی اشاعره و معتزله را متهم به تفسیر به رأی کرده اند چرا که آیات قرآن را مطابق با عقاید خویش تأویل و تفسیر کرده اند. (۲)

و در عصر حاضر این روش تفسیری اوج گرفت، و برخی افراد منافق صفت نیز با ظهور مکاتب الحادی تلاش کردند که با استفاده از آیات قرآن و تفسیر به رأی آن ها جوانان مسلمان را جذب خویش سازند و مقاصد الحادی خود را بپوشانند. (۳) که شهید مطهری این روش را ماتریالیسم اغفال شده یا ماتریالیسم منافق می خواند. (۴)

دلایل ممنوعیت تفسیر به رأی:

مهم ترین دلایل مخالفت با تفسیر به رأی عبارتند از:

یک: آیات قرآن

در این مورد به آیات متعددی استدلال شده است که مهم ترین آنها

ص:۱۷۹

۱- (۱) . وسائل الشیعهٔ، الحر العاملی، ج۱۸، باب ۱۳ من ابواب صفات القاضی، حدیث ۲۵

۲- (۲) . نک: التفسیر بالرأی، دکترمحمد زغلول، ص ۱۷۷، به بعد و مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص۲۲۳

۳- (۳) . نک: تفسیر به رأی، مکارم شیرازی، ص ۴۹ - ۵۲

۴- (۴) . نک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج۱، ص ۴۶۰ (درعلل گرایش به مادیگری).

عبارتند از. (۱)

قال اللّه تعالی: «قُلْ إنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالإثْمَ وَالبَغْیَ بِغَیْرِ الحَقِّ وَأنْ تُشْرِكُوا بِاللّهِ مَا لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَاناً وَأنْ تَقُولُوا عَلَی اللّهِ مَا لا تَعْلَمُونَ» (۲)

«بگو: پروردگارم، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است، و گناه و ستم به ناحق را؛ و این که چیزی را که خدا دلیلی برای آن فرو نفرستاده، شریك او قرار دهید، و به خدا مطلبی نسبت دهید که نمی دانید».

ونیز می فرماید: « وَلاَ تَقْفُ مَا لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ ». (۳)

«و از آنچه بدان آگاهی نداری، پیروی مکن».

توضیح: کسانی که به این آیات استدلال کرده اند می گویند:

أولاً تفسیر به رأی سخنی غیر علمی است که به خدا نسبت داده می شود. چون کسی که تفسیر به رأی می کند یقین ندارد که به واقع می رسد، و حدّاکثر آن است که گمان می کند.

ثانیاً نسبت دادن سخن غیر علمی به خدا حرام است، چراکه در آیات قرآن از آن نهی شده است. همان طور که در دو آیه ی مذکور هم آمده است.

۱- (۱) . در اصول التفسیر وقواعده، خالد عبدالرحمن العك، ص ۱۶۸، به آیه ۴۴ / نحل نیز استدلال کرده است ولی از آنجا که ایشان تفسیر عقلی و تفسیر به رأی را خلط کرده، این آیه را آورده است ما استدلال اورا در روش تفسیر عقلی مورد بررسی قرارمی دهیم

۲- (۲) . اعراف / ۳۳

۳- (۳) . اسراء / ۳۶.

پس تفسیر به رأی حرام است. (۱) - (۲)

دو: روایات ممنوعیت تفسیر به رأی:

در این مورد روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنّی آمده است که می توان آن ها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف) روایاتی که فقط تفسیر به رأی را محکوم و مذمّت می کند و مجازات های آن را بر می شمارد:

۱. عن النبی(صلی الله علیه و آله): «من فسّر القرآن برأیه فلیتبوّأ مقعده من النار». (۳)

«هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

۲. عن النبی(صلی الله علیه و آله): «من قال فی القرآن برأیه فلیتبوء مقعده من النار». (۴)

«هرکس به رأی خود درقرآن سخن گوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهدکرد».

تذکر: دراین روایت مطلق «قول» و سخن به رأی درباره ی قرآن، سرزنش شده است.

ص:۱۸۱

۱- (۱) . این دلیل یک قیاس منطقی است که صغری، کبری و نتیجه دارد

۲- (۲) . نک: الاتقان، سیوطی، الجزء الرابع، ص ۲۱۰ ومناهل العرفان، زرقانی، ج۲، ص۶۱ و اصول التفسیر وقواعده، خالد عبدالرحمن العک، ص ۱۶۸

۳- (۳) . مقدمهٔ تفسیر برهان (مرآة الانوار) ص ۱۶ و المیزان، ج۳، ص ۷۵

۴- (۴) . سنن ترمذی، ج۵، ص ۱۹۹؛ تفسیر قرطبی، ج۱، ص ۲۷؛ کنز العمال، ج۲، ص ۱۰ (در سنن ترمذی این حدیث را حسن می دانند).

۳. عن الصادق(علیه السلام):

«من فسّر برأیه آیهً من کتاب اللّه فقد کفر». (۱)

«هرکس آیه ای از کتاب خدا (قرآن) را تفسیر به رأی کند به یقین کافر شده است».

۴. فی عیون اخبار الرضا(علیه السلام) للصدوق عن ابن المتوکّل (محمد بن موسی بن المتوکل) عن علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن الریان بن الصلت عن علی بن موسی الرضا(علیه السلام) عن أبیه عن آبائه عن امیر المومنین(علیه السلام) قال: «قال رسول اللّه(صلی الله علیه و آله) قال اللّه جلّ جلاله ما آمن بی من فسّر برأیه کلامی.» (۲)

«پیامبر(صلی الله علیه و آله) از خدای متعال حکایت می کند که: هرکس کلام مرا تفسیر به رأی کند، به من ایمان ندارد».

تذکر: این روایت سند آن صحیح و معتبر است. (۳)

ب) روایاتی که تفسیر به رأی را نوعی سخن نا آگاهانه ودروغ به شمار می آورد:

۱. عن النبی(صلی الله علیه و آله): «من فسّر القرآن برأیه فقد افتری علی اللّه الکذب». (۴)

«هرکس قرآن را تفسیر به رأی کند به یقین برخدا دروغ بسته است»

۱- (۱) . تفسیر برهان، ج۱، ص ۱۹

۲- (۲) . عیون اخبار الرضا علیه السلام، الصدوق، ج۱، ص ۱۱۶؛بحار الأنوار، ج۸۹، ص ۱۰۷؛امالی صدوق، ص۶، حدیث ۳

۳- (۳) . محمد بن موسی بن متوکل ثقه است.(معجم رجال الحدیث، خویی، ج۱۷، ص ۵ - ۲۸۴) و علی بن ابراهیم و پدرش وثاقت آنان در رجال مشهوراست و اما ریّان بن الصلت نیز ثقه است. (همان، ج۷، ص ۲۱۰ - ۲۰۹)

۴- (۴) . مقدمه تفسیر برهان (مرآة الأنوار)، ص ۱۶.

۲. عن النبی(صلی الله علیه و آله):

«من قال فی القرآن بغیر علم فلیتبوء مقعده من

النار». (۱)

«هر کس در مورد قرآن چیزی بدون آگاهی بگوید، جایگاهی از آتش برای خود فراهم خواهد کرد».

تذکر: مقصود این گونه احادیث آن است که تفسیر به رأی بدان معناست که چیزی بدون علم در تفسیر قرآن گفته شود. و نسبت دادن سخنی بدون آگاهی به خدا دروغ بستن و تهمت زدن براوست.

۳. عن امیر المومنین(علیه السلام):

«قال لمدّعی التناقض فی القرآن): «ایّاک أن تفسّـِر القرآن برأیک حتّی تفقهه عن العلما، فانّه ربّ تنزیل یشبه بکلام البشر وهو کلام اللّٰه وتأویله لا یشبه کلام البشر». (۲)

«مراقب باش که قرآن را با رأی خودت تفسیر نکنی (و صبرکن) تا این که آن را از دانشمندان بگیری، چراکه چه بسیار (آیات) نازل شده ای که مشابه سخنان انسآن هاست ولی آن کلام خداست و تاویل آن مشابه سخنان بشر نیست».

ج) روایاتی که تفسیر به رأی را از جهت گمراهی محکوم می سازد:

عن الباقر(علیه السلام):

«وَیْحَکْ یا قتاده ان کنت انّما فسّرت القرآن من تلقاء نفسک فقد هلکت واهلکت». (۳)

ص:۱۸۳

۱- (۱) . المیزان، ج۳، ص ۷۵؛ نقل از منیة المرید

۲- (۲) . کتاب التوحید، للصدوق، باب ۳۶، ص ۲۶۴ (ط بیروت)

۳- (۳) . مقدمه تفسیر برهان (مرآة الانوار)، ص ۱۶.

«(امام باقر(علیه السلام) به قتاده که مفسّر بصره بود) فرمود: وای بر تو ای قتاده، اگر قرآن را از پیش خود تفسیر کنی، به یقین هلاك می شوی و

دیگران را نیز به هلاکت خواهی کشاند».

تذکر: هلاکت در این احادیث به معنای گرفتاری در آتش آخرت نیست بلکه به معنای هلاکت دنیوی یعنی گمراهی نیز هست، چرا که شنونده ی تفسیر را نیز اهل هلاکت معرفی می کند.

پس این گونه احادیث، تفسیر به رأی را که بدون استفاده از قراین نقلی (احادیث معصومین(علیه السلام) انجام گرفته است، موجب گمراهی خود مفسّر و دیگران و به هلاکت افتادن هر دو معرّفی می کند و از این رو آن را محکوم می کند.

د) احادیثی که تفسیر به رأی را هر چند که نتیجه ی آن صحیح باشد، محکوم می کند.

۱. عن الصادق(علیه السلام):

«من فسّر القرآن برأیه، ان اصاب لم یُوجَر و ان اخطأ فهو أبعد من السماء». (۱)

«کسی که قرآن را تفسیر به رأی کند، اگر (به واقع) برسد، پاداشی داده نمی شود، و اگر به خطا رود، پس او (از مرز حق) بیش از فاصله آسمان (از همدیگر) دورشده است».

۲. عن النبی(صلی الله علیه و آله):

«من قال فی القرآن برأیه فاصاب فقد اخطأ». (۲)

ص:۱۸۴

۱- (۱) . مقدمه تفسیر برهان (مرآة الانوار)، ص ۱۶ و مشابه آن در ص ۲۸؛ بحار الانوار ج۸۹، ص ۱۱۰

۲- (۲) . سنن ترمذی، ابو داود سجستانی، ج۴، کتاب تفسیر القرآن، حدیث ۲۹۶۱ (البتّه ایشان این حدیث را غریب می دانند.) و مشابه آن در همان، حدیث ۲۹۶۰. و نیز المیزان، ج۳، ص۷۵.

«هر کس در مورد قرآن به رأی خود سخن گوید و (به واقع) برسد، یقیناً خطا کرده است».

بررسی احادیث

احادیث مذمّت تفسیر به رأی از دو جهت قابل بررسی است:

اوّل: از جهت سند

بسیاری از این احادیث ضعیف، یا مرسل هستند و در میان احادیث شیعه حدیث ۴ / الف صحیح السند بود و در احادیث اهل سنّت حدیث ۲ / الف را حسن دانسته اند.

ولی از آن جا که این روایات در منابع حدیثی شیعه و سنّی زیاد هستند، برخی از بزرگان (۱) و صاحب نظران (۲) درمورد آن ها ادعای تواتر کرده اند، که ظاهراً مقصود تواتر معنوی است.

اما به هر حال با توجّه به کثرت روایات و وجود روایات معتبر در بین آن ها از بحث سندی بی نیاز هستیم.

دوم: از جهت متن

از مجموع احادیث نکات زیر به دست می آید:

۱. تفسیر به رأی، گناه کبیره است چرا که وعده ی آتش بر آن داده شده است. از این رو خطر بزرگی به شمار می آید.

۲. تفسیر به رأی یک «روش خطا» در تفسیراست و محکومیت آن از

۱- (۱) . البیان فی تفسیر القران، آیهٔ اللّٰه خویی، ص ۲۶۹؛ فراید الاصول، شیخ انصاری، ج۱، ص ۱۳۹

۲- (۲) . مبانی و روش های تفسیر قرآن، عمید زنجانی، ص ۲۲۱.

آن جهت نیست که نـتیجه ی آن غلـط است، چرا که گـاهی ممکن است نتیجه ی تفسـیر به رأی صـحیح باشـد امـا بـاز هم در احادیث (ردیف د) مذموم و خطا شمرده شده است.

به عبارت دیگر: خود روش تفسـیر موضوعیت دارد. و اگر روشـی غلط باشـد (هرچنـد که گاهی به نتیجه درست برسد بازهم) محکوم است. (۱)

چون که در صورت صـحیح بودن نتایج هم، مفسّر مطلبی را به خدا نسبت داده که هیچ گونه حجّتی برای آن نداشته است و از این رو باز هم خطا کرده است. (مفاد احادیث ردیف ب و د).

البتّه این یک مطلب عقلایی است، برای مثال: اگر کسـی به دروغ ادّعای پزشک بودن کند، سـپس اقدام به مداوای مردم نماید و اتفاقاً کسـی را از مرگ نجات دهد، باز هم عقلا او را سرزنش می کنند و برطبق قوانین عقلایی بشری که در دنیا رایج است پـاداش به اوداده نمی شود بلکه به جریمه یا زنـدان محکوم می شود، چرا که روش او غلط است و معمولاً به خطا می رود (هر چند که اتفاقاً یک مورد صحیح باشد و به واقع برسد).

تذکر: از آنجا که احادیث تفسـیری مهدویت از اهل بیت پیامبر(صـلی الله علیه و آله) صادر شده است و پیامبر(صـلی الله علیه و آله) و اهـل بیت(علیه السـلام) در روایـات متعـدد روش تفسیر به رأی را ممنوع اعلاـم کرده انـد. بنابراین در روایات تفسـیری مهدویت از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است و در نتیجه استفاده از این روش در احادیث تفسیری مهدویت برای مفسران و محدثان ممنوع است.

۱- (۱) . علّامه طباطبایی به همین نکته در مورد روایات تفسیر به رأی تصـریح کرده و می فرماید: «فالتفسیر بالرأی المنهی عنه أمر راجع الی طریق الکشف دون المکشوف»، (المیزان، ج۳، ص ۷۶).

جمع بندی و نتیجه گیری:

بنابر آنچه بیان شد در احادیث تفسیری مهدویت از روش های

تفسیری قرآن به قرآن – روائی، علمی، اشاری، عقلی و اجتهادی استفاده شده و از روش تفسیر به رأی استفاده نشده است. البته نمونه های اینگونه روایات زیاد بود که ما به ذکر نمونه ها اکتفا کردیم و در مقالات بعدی ابعاد دیگر آنها را بررسی می کنیم.

ص:۱۸۷

فهرست منابع (دو جلد ۱۱ و ۱۲):

۱. معارف مهدوی، گردآوری: مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ناشر: دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی(علیه السلام)، قم، چاپ اول، بهار، ۱۳۸۵.

۲. ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، انتشارات امیر، تهران ۱۳۴۴ ه- .ش (چاپ دوم).

۳. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۰ ه-. ش.

۴. آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، تهران، ۱۳۹.

۵. مهدی تجسم امید و نجات، عزیزالله حیدری، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.

۶. خدمات متقابل اسلامی و ایران، داوود الهامی، مکتب الاسلام، بی جا، ۱۳۷۳.

ص:۱۸۹

۷. گات ها، ابراهیم پورداود، انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸.

۸. مجله موعود، ش ۱۷، مقاله هزاره گرایی در مسیحیت، حسین توفیقی، مؤسسه فرهنگی موعود.

۹. نرم افزار رایحه عشق، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج) فارس، بخش مقالات، مقاله اتفاق مذاهب در موضوع موعود.

۱۰. مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳ مقاله گونه شناسی موعود در ادیان مختلف.

۱۱. آرشیو دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، بخش بانک اطلاعات.

۱۲. کتابنامه حضرت مهدی(علیه السلام)، علی اکبر مهدی پور، ناشر: مؤلف، قم، ۱۳۷۵.

۱۳. مرجع مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، مؤلف، تهران، ۱۳۸۲.

۱۴. مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی، سید رضی موسوی گیلانی، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، قم، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۱۵. مؤسسه فرهنگی انتظار نور Monjee.Com

۱۶. تفسیر قرآن مهر (سوره توبه)، محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران قرآنی، انتشارات پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ ش، قم.

۱۷. بحارالانوار الجامعهٔ لدرراخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.

۱۸. بحارالانوار الجامعهٔ لدرراخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی،

(مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.

۱۹. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، دوم، ۱۳۹۵ قمری.

۲۰. مستطرفات السرائر، ابن ادریس حلی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن ادریس عجلی حلی، موسسه انتظارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، دوم، ۱۴۱۱ قمری.

۲۱. دستغیب، شهید عبد الحسین، ۱۳۶۱ ش، گناهان کبیره، کانون ابلاغ اندیشه های اسلامی، بی جا،دو جلدی.

۲۲. دلائل الامامهٔ، ابن جریر طبری آملی مازندرانی، ابوجعفر محمد بن جریر، دارالذخائر للمطبوعات، قم، کتاب حاضر از نسخه نشر حیدریه نجف به سال ۱۳۸۳ قمری است.

۲۳. الارشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.

۲۴. عیون اخبار الرضا، صدوق (محمد بن علی ابن بابویه)، قم، مشهدی، ۱۳۶۳ ش.

ص:۱۹۱

۲۵. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.

۲۶. معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خوئی.

۲۷. الصوارم المهرقهٔ فی نقد الصواعق المحرقهٔ، شوشتری، قاضی نور الله، انتشارت چاپخانه نهضت، تهران، بی نو، ۱۳۷۶ قمری.

۲۸. البیان فی تفسیر القرآن، خوئی، آیهٔ الله سید ابو القاسم، المطبعهٔ العلمیهٔ، قم، ۱۳۹۴ ق.

۲۹. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است).

۳۰. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد(صلی الله علیه و آله)، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔ الله مرعشی نجفی، دوم، ۱۴۰۴ قمری.

۳۱. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبدالله، دارالکتب الاسلامیهٔ، دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).

۳۲. طوسی، خواجه نصیر الدین و علامه حلّی، ۱۴۰۷ ق، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.

ص:۱۹۲

۳۳. المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی، تهران، المکتبهٔ المرتضویه، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ص.

۳۴. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.

۳۵. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، آیهٔ الله ناصر، دار الکتب الاسلامیهٔ، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.

۳۷. نورالثقلین، عبدعلی بن جمعه حویزی عروسی، قم، المطبعهٔ العلمیه، الطبعهٔ الثانیهٔ، ۱۳۸۳ ق، پنج جلدی.

۳۹. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت داراحیاء الثراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ، ۱۳۸۶ ق

۴۰. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۱. ری شهری، محمد محمدی، ۱۳۶۷، میزان الحکمهٔ، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ده جلد.

۴۲. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق

ص:۱۹۳

۴۳. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیهٔ، بیروت، ۳۲ جلد.

۴۴. الدرّ المنثور فی تفسیر الماتور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴۵. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللّه، ابن ابی الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش.

۴۶. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی (صاحب مجمع البیان)، ابوعلی فضل بن حسن انتشارات دارلکتب الاسلامیهٔ، قم، سوم، بی تا.

۴۷. انجمن کتاب مقدس ایران، ۱۹۳۲ م، کتاب مقدس، تهران، (شامل، تورات، انجیل و ملحقات آنها).

۴۸. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی نو، بی تا.

ص:۱۹۴

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹